

۴۳۰

کیمپان

KAYHAN LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۳۱ شهریور ماه تا ۶ مهر ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۸۹۶



راهبر د خامنه‌ای برای حفظ جمهوری اسلامی:

اخاذی از غرب،

پادویی برای شرق



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال چهارم
کیهان شماره ۱۸۹۶ (۴۳۰)

جمعه ۳۱ شهریور ماه تا ۶ مهر ماه ۱۴۰۲
۲۲ تا ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۳



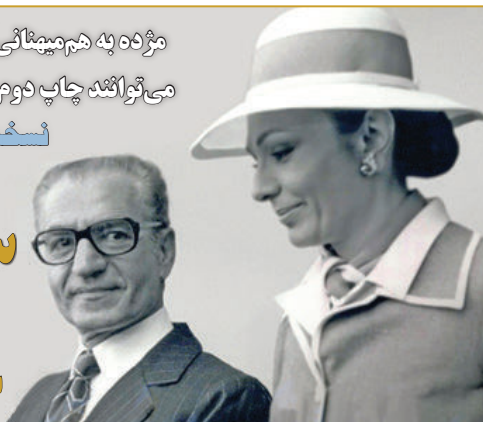
مژده به هم‌میثالی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی‌زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

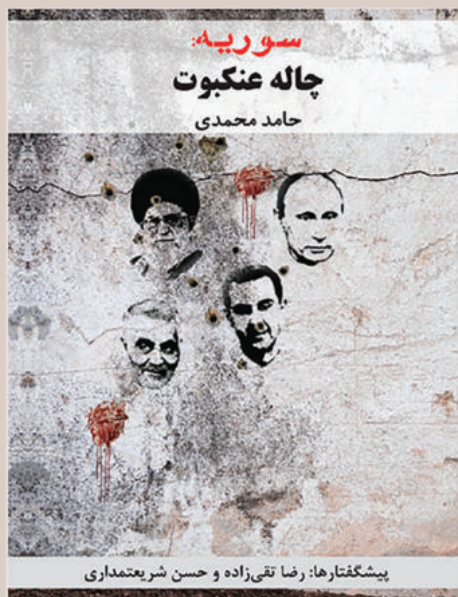


وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۴۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

فهرست مطالب

۴	سر مقاله - تصور کن: ایران بدون جمهوری اسلامی! / الا الهه بقرات
۴-۵	راهبرد خامنه‌ای برای حفظ جمهوری اسلامی ... / حامد محمدی
۶	پیام شاهزاده رضا پهلوی: ۲۵ شهریور ذلت جمهوری اسلامی در مقابل عظمت ملت... /
۶-۷	افزایش فشارها و تهدیدها در آستانه سالگرد جمعه خونین زاهدان... /
۸	تداوم فشارهای امنیتی در دانشگاه‌ها... /
۹	«قصاب تهران» در نیویورک منکر سر کوب مردم و گروگانگیری شد!... /
۱۰-۱۱	محمدرضا شاه پهلوی در آیینی دیپلماسی جهانی... / اگر کندری
۱۱	پیوند عمامه سبک‌ها و حجاب اسلامی... / خیر اندیش (احمد/حرار)
۱۲-۱۳	آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۳۱)... / دکتر هوشنگ نهاوندی
۱۴-۱۵	تکرار ارائه تصویری جدید؟! / امیر طاهری (شرق الاوسط)
۱۵	ضرب و جرح ایرانی‌ها توسط پلیس استانبول در مراسم سالگرد قتل حکومتی مهسا... /
۱۶	اکنون، یک سال بعد؛ اصناف... /
۱۶-۱۷	وکالی نیلوفر حامدی و الهه محمدی خواستار آزادی موکلان خود پس از... /
۱۸-۱۹	مبانی حق و آزادی در نظریه سیاسی بین‌المللی (بخش ۲)... / محمود مسائلی
۲۰-۲۱	گزارش میدانی؛ مشکلات هزار لابه آموزگاران در وزارتخانه‌ی... / فیروزه نور دستروم
۲۲	احیای روابط ایران با مصر بر اساس سوابق «تمدنی و تاریخی»... / حامد محمدی
۲۳	دانشجویان زیر ضرب لایحه «حجاب و عفاف»... /
۲۴	رژیم ایران با دریافت شش میلیارد دلار باج از دولت بایدن پنج گروگان... /
۲۴-۲۵	گروگانگیری و اخاذی؛ «اقدامات بن‌بست شکن» جمهوری اسلامی با... /
۲۶	تحخیر جمعی ملت ایران از سوی جمهوری اسلامی: فیلترینگ و قطع اینترنت... /
۲۷	مردمی که در رویای دیدن رونالدو از تپه‌های اطراف هتل اسپیناس پالاس... /
۲۸	برنامه‌های جمهوری اسلامی برای «نقره داغ کردن آژانس» و «تدائیر جبرانی»... /
۲۹	واکنش‌ها به ضرب فنی شدن نورچشمی حکومت در مقابل کشتی گیر آمریکایی... /
۳۰-۳۱	داوود پهلوی: من سر باز و وطنم ایران و شاهزاده رضا پهلوی هستم... /
۳۱	بازداشت حدود ۲۰۰ زن و دختر پس از ۲۵ شهریور و انتقال آنها به زندان قرچک... /
۳۲	بازدید وزیر دفاع روسیه از تولیدات پهپادی و موشکی سپاه پاسداران... /
۳۲-۳۳	رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی به کیومرث هاشمی برای وزارت ورزش... /
۳۳	سقوط قطعات لاشه‌ی یک پهپاد یا موشک در چند منطقه مسکونی در گرگان... /
۳۴	تصویب «اجرای آزمایشی سه ساله لایحه عفاف و حجاب» در مجلس... /
۳۵	فرمانده نیروی هوایی آمریکادر خاورمیانه می‌گوید از «همکاری و تباری»... /
۳۶	تبدیل آشوراده به «کیش دوم»... /
۳۷	رانش زمین و خسارت شدید به مناطق شهری، روستایی و... /
۳۸	بازداشت فله‌ای شهروندان به دلیل هراس جمهوری اسلامی از اعتراضات... /
۳۹	هزینه‌های سرسام‌آور آماده‌شدن برای مدرسه... /
۴۰	پشت جلد - عکس هفته / تظاهرات همبستگی ایرانیان / برن / سوئیس /

بازنشر
بازنشر



ایران بدون جمهوری اسلامی!

همزمان با حضور رونالدو بازیکن تیم فوتبال «النصر» عربستان در تهران برای بازی با تیم پرسپولیس، عکس‌ها و ویدئوهایی از هجوم برخی به محل اقامت وی منتشر شد که واکنش‌های متفاوتی را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخت. بخشی از آن افسوس بر مناسباتی است که در ایران پیش از جمهوری اسلامی وجود داشت و بخشی دیگر نگران از ضدفرهنگی که حکومت در بخشی از جامعه پرورده است.

در این میان، ناکارآمدی و سوء مدیریت که منجر به تخریب



کنسرت فرانک سیناترا در ورزشگاه آریامهر / ۳ آذرماه ۱۳۵۴

امکانات کشور از جمله «ورزشگاه صد هزار نفری آریامهر» شده نیز موازی با فرهنگ بی‌آموزش و بی‌پرورش، توجه کاربران رسانه‌های اجتماعی را به ویدئویی از کنسرت فرانک سیناترا خواننده مشهور آمریکایی در همین استادیوم جلب کرد که سوم آذرماه ۱۳۵۴ برگزار شد. تنها یک نگاه به دو صحنه آن سال و این سال تفاوتی عظیم را نشان می‌دهد! تفاوتی که سال‌هاست سبب تکرار این نکته شده که آینده‌ی ایران شبیه گذشته‌اش خواهد بود! واقعیت اینست که ایران بدون جمهوری اسلامی قرار نیست هیچ سرزمین عجیب و غریبی باشد که در آن جوی‌های شیر و عسل روان است و همه خوش و خرم و بدون هیچ مشکلی به زندگی مشغولند و یا قرار است وعده‌های مفتخوری و انگلی بنیانگذار و مرتکب‌شوندگان فاجعه‌ی جمهوری اسلامی مانند آب و برق مجانی در آن تحقق یابد!

ایران بدون جمهوری اسلامی یک کشور با کار و زندگی عادی عین پیش از وقوع این تبهکاری تاریخی خواهد بود به اضافه‌ی امکانات نوین برای استفاده از همه دستاوردهایی که جهان طی چهل و اندی سال گذشته کسب کرده و همچنین برخورداری از حقوق فردی و اجتماعی بیشتر از آن دوران که از یکسو فشار ملایان پیش از ۵۷ مانع تحقق آنها بود و از سوی دیگر دامنه‌ی جهانی آنها طی سال‌های گذشته بسیار گسترش یافته است.

همچنین قدرت سیاسی در ایران بدون جمهوری اسلامی بین احزاب آزاد و مستقل که با پایبندی به قانون اساسی مبتنی بر دموکراسی و حقوق بشر فعالیت کرده و آرای کافی برای مشارکت در قدرت سیاسی پیدا می‌کنند، تقسیم خواهد شد تا به جامعه خدمت کنند.

دولت‌ها در ایران پس از جمهوری اسلامی موظف خواهند بود برای تأمین ضروریات یک زندگی عادی از مسکن و اشتغال تا رسیدگی به قشرهای ضعیف جامعه تلاش کنند و پاسخگو باشند. وظیفه‌ی بخش‌های دولتی و خصوصی خواهد بود تا عادی‌ترین وسایل زندگی مانند اینترنت را که دیگر مثل آب و برق برای هر شهروندی جزو ضروریات به شمار می‌رود، تأمین کنند.

ایران بدون جمهوری اسلامی در آینده نه بهشت بلکه فراتر از ایران بدون جمهوری اسلامی در گذشته، فرزندان را می‌پرورد و به توسعه و صلح و همزیستی پایدار نه تنها در ایران بلکه در منطقه و جهان یاری می‌رساند تا، برای نمونه، هرگز زمین چمن ورزشگاه‌اش سبب تمسخر تیم‌های مهمان و مسابقاتش بدون حضور زنان برگزار نشود؛ و هرگز هیچ جوانی برای دیدن ورزشکار یا هنرمند مورد علاقه‌اش چنین تحقیر نشود و هیچ شهروندی اعم از سیاسی و متخصص و ورزشکار و هنرمند، هرگز مجبور به مهاجرت نگردد.

راهبرد خامنه‌ای برای حفظ جمهوری اسلامی:

اخاذی از غرب، پادویی برای شرق



● از دید مقامات و رسانه‌های حکومتی ایران، نتیجه‌بخش بودن گروگان‌گیری و اخاذی، حاصل «دیپلماسی عزتمندانه» آنها به شمار می‌رود. آنها مدعی شدند آمریکا مجبور به پذیرش شروط آنها شده است.

به ایران برگردند. جرم هر دو آنها تلاش برای ارسال تجهیزات ممنوعه به ایران از طریق امارات بود. کامبیز عطار کاشانی، امین حسن‌زاده و کاوه افراسیابی که نام‌شان در بین زندانیان مبادله شده بود، ترجیح دادند به ایران و دامان جمهوری اسلامی بازنگردند.

اینکه چرا آنها قید بازگشت به ایران را زده‌اند مشخص نیست اما بدون تردید بی‌ارتباط با چشم‌انداز هولناک فردی و عمومی در ایران نیست.

تجربه نشان می‌دهد آندسته افرادی که در پرونده‌های مشابه به ایران برگردانده شدند آخر و عاقبت‌شان نامشخص بوده است. شهرام امیری یکی از متخصصان رادیوایزوتوپ در دانشگاه صنعتی «مالک اشتر» وابسته به وزارت دفاع در سال ۱۳۸۸ بطور مشکوک و نامعلومی سر از آمریکا درآورد. چنین ادعا شد که گویا وی در سفر حج روبرو شده است. موضوع مبادله او با سه تبعه آمریکایی زندانی در ایران نیز مطرح شد و سرانجام او را تیرماه ۱۳۸۹ به ایران برگرداندند و در فرودگاه با حلقه گل و سلام و صلوات به استقبالش رفتند. شهرام امیری اما امرداد سال ۱۳۹۵ توسط جمهوری اسلامی اعدام شد.

اکنون واکنش‌ها به معامله پنهان دولت بایدن و ملاها زیاد است. مخالفان جمهوری اسلامی از جمله شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با رسانه‌های بین‌المللی آن را «سیلی به گوش مردم آزادیخواه ایران» دانستند که در اوج مبارزه با رژیم دیکتاتور اسلامی به حمایت نیاز دارند. شمار زیادی از سناتورها و نمایندگان کنگره آمریکا نیز با انتقاد شدید به دولت بایدن گفتند پولی که به جیب ملاها و سپاه

هفتاد و هشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک در شرایطی برگزار شد که همزمان با آن مرحله نهایی مبادله گروگان‌های آمریکایی- ایرانی در ازای آزاد شدن شش میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران تکمیل شد.

طبق توافق محرمانه مقامات جمهوری اسلامی و دولت بایدن قرار بود مجوز خروج این پنج نفر از ایران وقتی صادر شود که تمام این مبلغ به حساب دو بانک قطری «الاهلی» و «الدخان» واریز شود.

مراد طاهباز، عماد شرقی، سیامک غازی، رضا بهروزی و فخرالسادات معینی ۲۷ شهرویر با پرواز اختصاصی «قطر ایرویز» تهران را ترک کردند و پس از زمانی کوتاه با هواپیمایی دیگر در فرودگاه نظامی ویرجینی آمریکا فرود آمدند.

اتهام طاهباز و نمازی جاسوسی در پوشش فعالیت‌های محیط زیستی و نهادهای مردمی بود. عماد شرقی نیز متهم شده بود که از صنایع هلی‌کوپتری جمهوری اسلامی جاسوسی کرده است. اطلاعات ویژه‌ای در مورد اینکه اتهام رضا بهروزی و فخرالسادات معینی چه بوده در دست نیست اما هر دو خواسته بودند «به دلایل خانوادگی» نام‌شان تا پیش از خروج از ایران اعلام نشود.

چشم‌انداز هولناک در ایران

از میان پنج نفر از عوامل مرتبط با جمهوری اسلامی که ادعا شد به عنوان بخشی از این معامله از آمریکا آزاد شدند فقط مهرداد معین انصاری و رضا سرهنگ‌پور حاضر شدند

خود متکی به گازاشک‌آور و سرکوب، زندان و شکنجه و ایجاد رعب و وحشت بین مردم است یعنی کارگزاران آن از پوسیدگی ستون‌های قدرت‌شان خبر دارند. در واقع با وجود نمایش اقتدار، اما آنچه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۲۹ شهریور در دیدار با فرماندهان ارشد

به خیابان‌ها آمدند. روزنامه «شرق» گزارش داد تنها در عرض ۲۴ ساعت در ۲۵ شهریور بیش از ۲۶۰ نفر بازداشت شدند. این در حالیست که از آن روز به بعد تقریباً هر روز سالگرد جوانانی است که طی خیزش ملی برای آزادی جان خود را از دست داده‌اند.

پاسداران انقلاب اسلامی سرازیر شده صرف تأمین مالی گروه‌های تروریستی، پشتیبانی از روسیه در جنگ علیه اوکراین، غنی‌سازی اورانیوم و تقویت ماشین سرکوب علیه مردم بی‌دفاع خواهد شد. در مقابل از دید مقامات و رسانه‌های حکومتی ایران،



نیروهای مسلح برای چندمین بار نسبت به آن هشدار داد، به روشنی گویاست: دشمن به دنبال از بین بردن جمهوری اسلامی است و برای این منظور برنامه‌ریزی می‌کند. در همان روز حسین طائب رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه (ساس) نیز در یک سخنرانی هشدار داد دشمن برای سال جاری «برنامه راهبردی» دارد و می‌خواهد با ایجاد ناامنی ذهنی و عینی مشارکت در انتخابات را پایین بیاورد و به دنبال ایجاد حاکمیت دوگانه در کشور است. وی اگرچه جمهوری اسلامی را پیروز نبرد با غرب دانست اما در بین حرف‌هایش توضیح داد که «دشمنان به دنبال عملیات روانی علیه رهبر انقلاب، سپاه و شورای نگهبان هستند و می‌خواهند نشان دهند کشوری منزوی، دیکتاتور و عقب‌مانده هستیم.»

طائب به نهادهای امنیتی و رسانه‌های حکومت توصیه کرد: «باید با تصویری که دشمن می‌خواهد از ایران نشان دهد مقابله کنیم.»

البته بعید است از زبان طائب به عنوان یک مهره امنیتی بشود واقعیت‌ها و بحران‌های درونی جمهوری اسلامی را شنید اما دست‌کم چند اقتصاددان برجسته در ایران و تحلیلگران بین‌المللی در چند هفته گذشته به مقامات هشدار دادند دور زدن تحریم‌ها یا پادویی برای چین و روسیه در چارچوب «سازمان شانگهای» یا «بریکس» علاج اقتصاد توفان‌زده ایران نیست و اگر در بلندمدت راهکار مؤثری پیدا نکنند وضعیت بدتر خواهد شد و به نارضایتی‌های اجتماعی دامن خواهد زد. اعتراضاتی که چه بسا چون «پاشنه آشیل» جمهوری اسلامی، سرنوشت نهایی آن را رقم بزند.

حامد محمدی

توهم اقتدار

به نظر می‌رسد چنین شرایطی زمامداران حکومت را چنان دچار «توهم اقتدار» کرده که ابراهیم رئیسی به نمایندگی از همه آنها در صحن علنی سازمان ملل بدون حتما اشاره به یک مورد از بحران‌های اساسی نظام ادعا می‌کند «نظم کهنه لیبرال که در خدمت منافع سلطه‌گران و سرمایه‌داران سپری‌ناپذیر بود کنار زده شده و پروژه آمریکایی کردن جهان شکست خورده است.»

اما اینهمه فقط یک روی سکه است. روی دیگر آن واقعیت‌هایی است که اصلاً خوشایند مقامات جمهوری اسلامی نیست. دقیقاً روزی که رئیسی و همراهان وی به نیویورک رسیدند، موشک بالستیک وزارت دفاع جمهوری اسلامی در گرگان سقوط کرد و خسارات سنگینی بر جای گذاشت. هیچ توضیحی هم داده نشد که چطور موشکی که در پایگاه سمنان در کویر مرکزی ایران تست شده بود سر از گرگان درآورد؟!

برای یک رژیم سیاسی که در میان امواج پرتلاطم بحران‌های فزاینده داخلی و بین‌المللی گرفتار شده، «باقی ماندن» اولویت حیاتی است و حفظ «امنیت» داخلی بر اساس سرکوب و فضای پادگانی و باج‌گیری در عرصه بین‌المللی با انواع و اقسام ابزارها از جمله غنی‌سازی تا درجه تسلیحاتی و گروگان‌گیری شهروندان خارجی، برایش یک پیروزی به شمار می‌رود.

ستون‌های پوسیده قدرت

در توصیف وضع موجود، فعالان و ناظران مخالف جمهوری اسلامی عنوان می‌کنند اینکه حکومت برای حفظ

نتیجه‌بخش بودن گروگان‌گیری و اخاذی حاصل «دیپلماسی عزتمندانه» آنها به شمار می‌رود. آنها مدعی شدند آمریکا مجبور به پذیرش شروط آنها شده است. حسینعلی حاجی دلیگانی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز سه‌شنبه ۲۸ شهریور با اشاره به معامله حکومت با آمریکا گفت، «دست نیروهای امنیتی را می‌بوسیم!» روزنامه کیهان چاپ تهران نیز نوشت «آزادسازی شش میلیارد دلار دارایی مسدودشده ایران آب سرد آمریکا روی سر اپوزیسیون بود.»

بسیاری تحلیلگران این معامله را پیام ضعف واشنگتن به تهران می‌دانند که چندان هم دور از واقعیت نیست. جمهوری اسلامی به تلافی گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد «عدم همکاری» با آژانس و به دنبال آن بیانیه نسبتاً محتاطانه سه عضو اروپایی برجام، مجوز هشت نفر از زبده‌ترین بازرسان و کارشناسان آژانس را که در تهران مأمور نظارت بر فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی بودند لغو کرد!

بازداشت‌های فله‌ای در سالگرد خیزش ملی

موازی با این تحولات حکومت برای مقابله با تجمعات مردم در سالگرد خیزش ضدحکومتی نیز تلاش کرده با بازداشت فله‌ای فعالان و خانواده‌های جانباختگان و همچنین با استقرار گسترده‌ی یگان‌های امنیتی در کوچه و خیابان‌های شهرهای مختلف، شرایطی شبیه حکومت نظامی برقرار کرده تا جلوی هرگونه تجمع احتمالی را بگیرد. با وجود این در چند شهر از جمله اراک، کرج، سنندج، سقز، آبادان، رشت و چند شهر دیگر مردم در روز ۲۵ شهریور سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی

پیام شاهزاده رضا پهلوی: ۲۵ شهریور ذلت جمهوری اسلامی در مقابل عظمت ملت



تظاهرات همبستگی با انقلاب ملی ایران / هامبورگ آلمان / شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۲ / ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳ / عکس از خشایار مصطفوی @Mostafavi.k

افزایش فشارها و تهدیدها در آستانه سالگرد جمعه خونین زاهدان؛ سفر ناگهانی سردار رادان به سیستان و بلوچستان

● حفاظت اطلاعات فراجا پیامک‌هایی به شهروندان ارسال کرده و از شهروندان خواسته تا «گزارشات» خود علیه دیگر شهروندان را به این مرکز ارسال کنند.

● پیامک‌هایی از سوی قوه قضائیه و وزارت اطلاعات به صورت جداگانه به شماره‌های تلفن همراه ارسال و مردم نسبت به حضور در اعتراضات و تجمعات تهدید شدند.

● سردار احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی در سفری از پیش اعلام نشده و بی‌سر و صدا به سیستان و بلوچستان به دیدار سران طوایف بلوچ و خانواده جانبختگان اعتراضات رفته تا از آنها رضایت بگیرد.

منابع خبری در سیستان و بلوچستان از تهدید شهروندان توسط نهادهای امنیتی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آستانه سالگرد «جمعه خونین زاهدان» گزارش می‌دهند. سردار احمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی نیز به همین دلیل سفری به استان سیستان و بلوچستان داشته است. منابع حقوق بشری در استان سیستان و بلوچستان از افزایش فشارهای امنیتی و تهدید شهروندان در این استان با نزدیک شدن به سالروز سرکوب خونین مردم در زاهدان در هشتم مهرماه سال گذشته خبر می‌دهند.

بر اساس این گزارش‌ها حفاظت اطلاعات فراجا پیامک‌هایی به شهروندان ارسال کرده و از شهروندان خواسته تا «گزارشات» خود علیه دیگر شهروندان را به این مرکز ارسال کنند.

همچنین پیامک‌هایی از سوی قوه قضائیه و وزارت اطلاعات به صورت جداگانه به شماره‌های تلفن همراه ارسال و مردم نسبت به حضور در اعتراضات و تجمعات تهدید شدند.

از سوی دیگر نهادهای انتظامی و امنیتی تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا در زاهدان و دیگر شهرهای استان سیستان و بلوچستان در سالگرد «جمعه خونین زاهدان» اعتراضاتی برگزار نشود.

وبسایت «حال‌وش» که خبرهای مرتبط با استان سیستان و بلوچستان را پوشش می‌دهد گزارش داده که سردار احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی در سفری از پیش اعلام نشده و بی‌سر و صدا به سیستان و بلوچستان رفته و در چند شهر از جمله سیب و سوران، زاهدان و خاش حضور پیدا کرده است.

بر اساس این گزارش احمد رادان به صورت سرزده و بدون هماهنگی قبلی به خانه برخی از سرطایفه‌های بلوچ رفته و با «تطمیع همراه با تهدید» خواستار رضایت دادن ←

رخ آنها کشید، سلاح‌هایی که بایستی دشمنان این ملت را نشانه روند نه چشم و قلب ایرانیان را.

جهان آنچه دیروز [۲۵ شهریور ۱۴۰۲ برابر با ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳] دید ذلت جمهوری اسلامی در مقابل عظمت شما بود.

پیامم به نیروهای نظامی و انتظامی را تکرار می‌کنم: روبروی ملت بزرگ ایران نایستید. این رژیم رفتنی‌ست، و کشتی آن در حال غرق شدن است. خود را به این رژیم زنجیر نکنید که شما را نیز با خود به ورطه مرگی دردناک خواهد کشانید. جدایی امروز شما از این رژیم، ضامن مشارکت شما در آزادی و آبادی فردای ایران پس از جمهوری اسلامی خواهد بود.

من از انجمن‌های مردمی و نهادهای مدافع حقوق بشر می‌خواهم که بیش از پیش توجه خود را بر حمایت از خانواده‌های جاویدنامان، مجروحان، و زندانیان انقلاب ملی ایران معطوف کنند.

از رسانه‌ها می‌خواهم که به جای دامن زدن به تفرقه، بر حضور شکوهمند ملت ایران در روز مهسا متمرکز شوند. از تشکلهای و شخصیت‌های سیاسی که معتقد به تمامیت ارضی، دموکراسی، سکولاریسم، حقوق بشر و حق انتخاب مردمند، می‌خواهم به یکدیگر نزدیکتر شوند و پیام همبستگی به ملت متحد ایران بدهند.

ما ملت بزرگ و تاریخی، زن و مرد، و از هر باور و مذهب و قوم، برای زندگی بهتر و آبادی و آزادی میهن دوشادوش هم خواهیم ایستاد و ایران را پس خواهیم گرفت.

پاینده ایران،
رضا پهلوی

● پیامم به نیروهای نظامی و انتظامی را تکرار می‌کنم: روبروی ملت بزرگ ایران نایستید. این رژیم رفتنی‌ست، و کشتی آن در حال غرق شدن است. خود را به این رژیم زنجیر نکنید که شما را نیز با خود به ورطه مرگی دردناک خواهد کشانید.

● از رسانه‌ها می‌خواهم که به جای دامن زدن به تفرقه، بر حضور شکوهمند ملت ایران در روز مهسا متمرکز شوند.

● از تشکلهای و شخصیت‌های سیاسی که معتقد به تمامیت ارضی، دموکراسی، سکولاریسم، حقوق بشر و حق انتخاب مردمند، می‌خواهم به یکدیگر نزدیکتر شوند و پیام همبستگی به ملت متحد ایران بدهند.

هم‌میهنان دلاور و مبارزم،
حضور گسترده و کم‌نظیر شما در خیابان‌های سراسر جهان در روز مهسا، موج نوینی از انقلاب ملی ایران را رقم زده است.

درد بر شما که در داخل کشور با شهادت و شجاعتی ستودنی، چشم در چشم مزدوران ضحاک دوختید، و بی‌زاری خود از دیکتاتور، و عزم خود در باز پس گرفتن ایران را فریاد زدید.

درد بر شما که در خارج از کشور کوشیدید و با سازماندهی کم‌نظیر، خیابان‌های جهان را مزین به بیرق ملی سهرنگ شیره‌خورشیدنشان، و نام و تصویر جاویدنامان انقلاب ملی ایران کردید.

نگ و نفرین ابدی بر رژیمی که در سالروز جاودانه شدن مهسا ژینا امنیتی، خیابان‌های ایران را عرصه تاخت و تاز و لشکرکشی علیه مردم آزادخواه کرد، و برای مقابله با ملتی شجاع، صلح‌جو و میهن‌دوست، سلاح‌های جنگی را به

خانواده‌های جانبختگان اعتراضات سال گذشته شده است.

این گزارش افزوده که فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی همچنین محمد شاهزهی فرمانده بومی پایگاه بسیج کریم‌آباد را برای امضای رضایت به خانه برخی

احمدرضا رادان برای دریافت دیه به دیدار خانواده‌های جانبختگان رفته، نوشته او در دیدار با خانواده‌ها گفته که پیام سردار رادان را جهت پرداخت دیه خون عزیزان‌شان آورده و تأکید کرده که «باید به دیه راضی بشوید چرا که شکایات شما جهت مجازات آمران و عاملان نتیجه‌ای ندارد کردند و قصد تصرف کلانتری را داشتند. این در حالیست که نمازگزاران پس از نماز جمعه در تجمع اعتراضی علیه قتل حکومتی مهسا امینی و همچنین اعتراض علیه تجاوز به دختر ۱۵ ساله چاپهاری مورد حمله نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفتند. تیراندازی نیروهای حکومت به



اعتراضات مردم در سیستان و بلوچستان طی سال گذشته ادامه داشته است

از خانواده‌های کشته‌شدگان جمعه خونین زاهدان فرستاده است.

منابع حال وش اطلاع داده‌اند احمدرضا رادان « در همراهی با غفور گمشادزهی به منزل تعدادی از سرداران بلوچ در شهرستان های زاهدان و خاش رفته و از آنها خواسته است از خانواده قربانیان طوایف خود که در فاجعه جمعه خونین زاهدان و خاش به شهادت رسیده اند رضایت بگیرند تا او در عوض به قربانیان دیه پرداخت بکند»

«حال‌وش» به نقل از منابع خبری خود اعلام کرده احمدرضا رادان دست‌کم به خانه ابراهیم شه بخش، الله نظر شه بخش، عزیز احمد ریگی، خوبیار شهناوی، علیم گمشادزهی، حبیب گرگیچ و یوسف نارویی که همه از وجانبختگان اعتراضات هستند رفته تا رضایت بگیرند.

بر اساس جزئیات رسیده به «حال‌وش» برخی از سرطایفه‌ها به احمدرضا رادان گفته‌اند «مردم در این موضوع از ما حرف شنویی ندارند و او برای حل این موضوع باید با مولانا عبدالحمید گفتگو بکند چرا که این اتفاق در مصلی مکی رخ داده است»

فرمانده انتظامی کشور نیز با ابراز ناامیدی از حل شدن موضوع از طریق مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان گفته که «شما افراد طوایف خود را جمع بکنید تا من به آنها دیه بدهم چون هیچ مجازاتی در کار نخواهد بود و نظام ماموران و مسئولان خود را چه در جایگاه آمران و یا عاملان از بابت این موضوع بازخواست نخواهد کرد.»

فرمانده انتظامی جمهوری اسلامی در ادامه تهدید کرده که «همین هفته‌ها موضوع را جمع خواهیم کرد!»

«حال‌وش» همچنین درباره تلاش محمد شاهزهی فرمانده پایگاه بسیج منطقه کریم‌آباد زاهدان که به دستور سردار

که در پاسخ خانواده‌ها پیشنهاد وی را به شدت رد کرده‌اند.» در ادامه این گزارش آمده که مردم طایفه بزرگ شاهزهی از محمد شاهزهی به دلیل همکاری با دستگاه‌های نظامی و دست داشتن در کشتار و سرکوب مردم به شدت ناراضی هستند و «روابط خود را با وی قطع کرده‌اند تا جایی که از ذکر پسوند فامیلی شاهزهی که در شناسنامه او درج شده است اکراه دارند.»

هشتم مهرماه سال گذشته و دو هفته پس از آغاز خیزش ملی مردم که با قتل حکومتی مهسا امینی آغاز شد، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از داخل یک کلانتری در زاهدان به تجمع اعتراضی مردم این شهر بعد از نماز جمعه و در اعتراض به «تجاوز یک فرمانده پلیس به یک دختر نوجوان» تیراندازی کردند.

در این تیراندازی، بیش از ۹۰ نفر از معترضان کشته شدند که سازمان عفو بین‌الملل این واقعه را مرگبارترین کشتار از زمان آغاز اعتراضات مردمی پس از کشته شدن مهسا امینی خواند. مردم از این روز به عنوان «جمعه خونین زاهدان» یاد می‌کنند.

استاندار سیستان و بلوچستان مدعی شد آنها یکی که کشته و زخمی شدند «افراد ناشناس و تجزیه‌طلب و تروریست‌هایی بودند که بعد از نماز جمعه به سمت کلانتری ۱۶ زاهدان حمله‌ور شده و مقرّ انتظامی را مورد تعرض قرار دادند.» او گفته بود این درگیری ۱۹ کشته و ۲۰ زخمی داشته است. بنا بر اعلام سازمان‌های حقوق بشری، در جمعه خونین زاهدان ۱۳ کودک نیز کشته شدند که در میان آنها کودک دوساله‌ای با نام خانوادگی میرشکار دیده می‌شد.

فرمانده نیروی انتظامی و فرماندار زاهدان مردم معترض را «اشرار مسلح» خواندند و مدعی شدند آنها همانهایی بودند که هنگام خروج نمازگزاران از مصلی به سمت‌شان تیراندازی

معترضان خشم آنها را بیش از پیش برانگیخت و درگیری را تشدید کرد. مردم سه کلانتری و پایگاه سپاه پاسداران و چند ماشین نیروی انتظامی را به آتش کشیدند.

اعتراضات مردم در سیستان و بلوچستان طی سال گذشته ادامه داشته است و در اکثر جمعه‌ها مردم پس از برگزاری نماز جمعه، تجمع و تظاهرات برگزار و علیه جمهوری اسلامی شعار می‌دهند.

با گذشت یک سال از «جمعه خونین زاهدان» هنوز آمران و عاملان این جنایت محاکمه نشدند. اردیبهشت امسال احمدرضا پورخاقان رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح از صدور کیفرخواست برای ۲۶ نفر در ارتباط با جمعه خونین زاهدان خبر داد.

احمدرضا پورخاقان گفته بود «اتهام ۱۱ نفر از متهمان این پرونده، تیراندازی منتهی به قتل و جرح است و برای ۱۵ نفر باقیمانده به اتهام سوء استفاده از موقعیت شغلی، تیراندازی بر خلاف مقررات، لغو دستور و ترک فعل‌هایی که اتفاق افتاد کیفرخواست صادر شده است.»

رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح افزوده بود که «در برخورد با خاطیان و کسانی که در این حادثه تلخ مرتکب جرم شدند، هیچ اغمازی در کار نیست و اطلاعات رسیدگی به این پرونده به زودی منتشر خواهد شد.»

او بدون اینکه از شخص یا نهاد یا گروهی نام برد گفته که «ما به وظیفه خود عمل می‌کنیم و عواملی که باعث تحریک برخی از جوانان اهل سنت در صف نماز مصلی اهل سنت زاهدان شدند و در سایه این تحریک افراد ضدانقلاب با سوءاستفاده از شرایط، حادثه خونین زاهدان را رقم زدند و همچنین اشخاصی که در فضای مجازی اقدام به تحریک جوانان اهل سنت کردند هم شناسایی و با آن‌ها برخورد قاطع صورت می‌گیرد.»

تداوم فشارهای امنیتی در دانشگاه‌ها؛ دانشجویان در بیانیه‌هایی بر ادامه اعتراضات تأکید کردند



تحصن دانشجویان پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران - بهمن ۱۴۰۱

از موعود روبرو شدند. هر چند تعداد دقیق استادانی که از تدریس از دانشگاه محروم شدند مشخص نیست اما آمارهای ارائه شده از سوی روزنامه «اعتقاد» نشان می‌دهد تا شهریور گذشته و طی یک سال گذشته بیش از ۱۱۰ استاد از نظام آموزش عالی حذف شدند که نیمی از این تعداد طی دو ماه گذشته اخراج، تعلیق و یا اجباراً بازنشسته شدند. اینهمه در حالیست که فعالان دانشجویی در دانشگاه‌های مختلف با فرارسیدن سالگرد اعتراضات، در بیانیه‌هایی بر مواضع خود علیه جمهوری اسلامی پافشاری کردند و اعلام کردند که همچنان دانشگاه را به فضای اعتراضات و پیشبرد خواسته‌هایشان تبدیل خواهند کرد. در بیانیه صادر شده از سوی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت آمده که «می‌جنگیم! فریاد می‌زنیم! کشته می‌شویم! ما مبارزه را با سکوت آغاز کردیم اما با سکوت پایان نمی‌دهیم. سال گذشته خون بی‌گناهی به زمین ریخته شد و کاسه صبر و تحمل‌مان سر آمد، یک ایران برای دادخواهی مهسا به پاخاست. ایران، واژه‌ایست که ما را به یکدیگر مرتبط می‌کند، چرا که جنس ظلمی که بر ما روا داشته شده به هم نزدیک است. قتل مهسا نیز، نماد ظلمی از جنس واپسگرایی و ارتجاع جمهوری اسلامی است...» دانشجویان دانشگاه «بهشتی» نیز در بیانیه خود نوشتند که «بیش از چهار دهه است که حکومت جمهوری اسلامی وطن را به ورطه نابودی کشانده، انواع خشونت سیستماتیک و ستم جنسیتی را علیه زنان اعمال می‌کند، روز به روز به دامنه آن می‌افزاید و هرگونه اعتراض به عملکرد ویرانگر خود را سرکوب می‌کند. در بیانیه دانشجویان دانشگاه امیرکبیر هم آمده که «جامعه‌ای به ستوه آمده از ظلم، تحقیر شده در تک تک ابعاد زندگانی، تحدید شده در ساده‌ترین حقوق انسانی خویش، گیر افتاده در حصار تمامیت‌خواهی با تار و پود مذهب، در تکاپوی مبارزه هر روزه برای شکست حصار، قتل مهسا را نقطه‌ای دید که خشم انباشته شده این ۴۴ سال را از مجرای حق طلبی فریاد زند و اعتراض خود به تمامیت سیستم را به منصف ظهور برساند...» در بیانیه دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی نیز آمده که «یک سال از قتل دختر ایران گذشت؛ به یاد آریم آن هنگامی که ره‌ظلمان می‌تاختند و خوش خیالان سال‌ها در خیال خام اصلاح فساد حاکم بودند و تنها این مظلومیت غریب ژینا بود که وجدان خفته‌ی ایرانی را بیدار و ما را بر آن داشت که دیگر با این حکومت انسان‌کش، هر سازش و مماشات و توقع اصلاحی غیرممکن است...»

هنرهای دیجیتال»، دانشجویانی هستند که از تحصیل در ترم آتی محروم شده‌اند. منابع دانشجویی همچنین تأیید کرده‌اند که درخواست اقامت خوابگاه این دانشجویان حذف و امکان انتخاب واحد از آن‌ها سلب شده است. این هشت دانشجو در نیمسال گذشته و به‌رغم اعتراض به صدور حکم تعلیق صادر شده برای خود در روندی غیرقانونی، از ورود به دانشگاه و حضور در کلاس‌ها و خوابگاه منع شده و حکم غیرقطعی آن‌ها به اجرا درآمده است. همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی که ریاست آن را ابراهیم رئیسی بر عهده دارد، روز یکشنبه ۲۶ شهریور در بیانیه‌ای با دفاع از اخراج‌های اخیر استادان دانشگاه، آنان را بدون ارائه مدرک و سندی، به «اختلال در امر آموزش و پژوهش» متهم کرد. در این بیانیه ادعا شده است «تعداد بسیار اندکی از مدرسان با انگیزه‌های مختلف با بروز رفتارهای غیردانشگاهی در نهاد علم که امر آموزش و پژوهش را دچار اختلال می‌کند، سعی باطل در آسیب زدن به جریان رشد علمی کشور را دارند.» این بیانیه همچنین اساتید را متهم به رفتارهایی علیه «امنیت ملی» کرده و مدعی شده اساتید اخراج و تعلیق شده «رفتارهای غیردانشگاهی» داشته‌اند. این بیانیه همچنین خواستار «مقابله» با بروز این رفتارها «بر اساس منافع ملی» شد. محمد مقیمی رئیس دانشگاه تهران در تازه‌ترین واکنش به اخراج اساتید و فشار بر دانشجویان هشدار داد که جمهوری اسلامی «اجازه رهاشدگی در فضای دانشگاه» را نخواهد داد. رئیس دانشگاه تهران با این ادعا که «در دوره دو ساله مدیریت اینجانب در دانشگاه تهران حتی شاهد یک مورد اخراج عضو هیات علمی نبوده‌ایم»، گفته که «در درباره یک مدرس مدعو، گزارش‌های اخلاقی دریافت شود، بر خلاف تصور عموم نمی‌توانیم آنها را دادگاهی و محاکمه کنیم. همچنین بطور کلی چون مدرسان مدعو دارای رابطه استخدامی با دانشگاه تهران نیستند، بررسی پرونده اخلاقی آنها در هیات‌های انتظامی اعضای هیات علمی هم ممکن نیست؛ اما این اختیار را داریم که پس از راستی‌آزمایی و بررسی دقیق، اجازه همکاری ندهیم و قطع ارتباط کنیم. اگر هم دانشجویی از مدرس حق‌التدریس شکایت داشته باشد، آن را در مراجع قضائی پیگیری می‌کند.» حذف اساتید از نظام آموزش عالی از سال گذشته و پس از اعتراضات جنبش ملی سرعت یافت و در دو ماه گذشته آمار بی‌سابقه‌ای بر جای گذاشت. شماری از اساتید اخراج، شماری تعلیق و شماری با حکم بازنشستگی اجباری و پیش

● در آستانه آغاز سال تحصیلی تلاش برای امنیتی کردن فضای دانشگاه‌ها همچنان ادامه دارد. شماری از دانشجویان بازداشت و شماری نیز در روزهای گذشته با احکام جدید کمیته انضباطی روبرو شدند. ● شورای عالی انقلاب فرهنگی در بیانیه‌ای با دفاع از اخراج‌های اخیر استادان دانشگاه، آنان را بدون ارائه مدرک و سندی، به «اختلال در امر آموزش و پژوهش» متهم کرده است. ● رئیس دانشگاه تهران در تازه‌ترین واکنش به اخراج اساتید و فشار بر دانشجویان هشدار داد که جمهوری اسلامی «اجازه رهاشدگی در فضای دانشگاه» را نخواهد داد. فعالان دانشجویی از ادامه فضای امنیتی دانشگاه‌ها و روند سرکوب دانشگاه‌ها خبر می‌دهند. شورای عالی انقلاب فرهنگی که ریاست آن را ابراهیم رئیسی بر عهده دارد نیز از حذف اساتید در دانشگاه‌ها دفاع کرده است. به گزارش فعالان دانشجویی با فرارسیدن سالگرد اعتراضات در آستانه آغاز سال تحصیلی تلاش برای امنیتی کردن فضای دانشگاه‌ها همچنان ادامه دارد. شماری از دانشجویان بازداشت و شماری نیز در روزهای گذشته با احکام جدید کمیته انضباطی روبرو شدند. بر اساس گزارش‌ها علی غلامی فعال سابق دانشجویی دانشگاه علم و صنعت عصر روز پنجشنبه ۲۳ شهریورماه در منزل خود در شهرستان شیروان بازداشت شد. همچنین سمانه اصغری دانشجوی مهندسی صنایع دانشگاه خوارزمی و فعال حقوق کودکان، روز ۲۳ شهریور بازداشت شد. همسر این دانشجو اعلام کرده که «ماموران وزارت اطلاعات با هجوم به منزل و تفتیش مفصل خانه، سمانه را بازداشت و به گفته خودشان به زندان اوین منتقل کردند.» یکی از موارد سرکوب دانشجویان که با هدف جلوگیری از ایجاد اعتراضات در دانشگاه‌ها صورت گرفته، صدور احکام تعلیق و تبعید علیه دانشجویان است. تازه‌ترین گزارش منتشر شده در اینباره که از سوی شوراهای صنفی دانشجویان کشور منتشر شده حاکی از آنست که دانشجوی دانشگاه دامغان که با احکام انضباطی صادر شده در بهمن ۱۴۰۱ به یک ترم منع از تحصیل محکوم شده و این محرومیت را گذرانده‌اند، بار دیگر و در پی تأیید این حکم توسط کمیته مرکزی وزارت علوم، از تحصیل در نیمسال آینده محروم شده‌اند. این گزارش، اسامی شش دانشجو رشته سینما و مشمول این حکم را «بهاره دوانی، پریراد اسماعیلی، مهسا سلطانی، مینا یعقوب‌زاده، ملیکا احمدیان، ستاره سبک رو» اعلام کرده و نوشته است «ریحانه نیکویی دانشجوی حقوق و ریحانه خسروی دانشجو کارشناسی رشته تلویزیون و



سخنرانی ابراهیم رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد / شهریور ۱۴۰۲

«قصاب تهران» در نیویورک منکر سرکوب مردم و گروگانگیری شد!

توسط رژیم به قتل رسید، بالا گرفتیم. در همین حال، در خارج از ساختمان سازمان ملل، صدها ایرانی تظاهرات کردند و از جامعه جهانی کمک خواستند. من هرگز از مبارزه برای حقیقت دست نمی‌کشم و همیشه انحرافات اخلاقی سازمان ملل را افشا خواهم کرد. کسانی که برای قاتلان و یهودستیزان فرش قرمز پهن می‌کنند باید پاسخگوی اعمال خود باشند!»

گروگانگیری نکردیم

ابراهیم رئیسی، «قاضی مرگ»، در یک نشست خبری پیش از برگزاری این سخنرانی شرکت کرد و در پاسخ به پرسشی در معامله محرمانه با دولت بایدن همان حرف‌های سابق خودش و دیگر رؤسای جمهوری اسلامی را تکرار کرد و گفت: «گروگانگیری واژه درستی نیست. تمام افراد زندانی در ایران دارای اتهاماتی بوده‌اند و مرتکب جرم شدند. اگر تبدیلی صورت گرفته و مجازات متهمان اجرا نشده به خاطر نگاه انسان‌دوستانه جمهوری اسلامی است.»

حضور هیأت دیپلماتیک جمهوری اسلامی در نیویورک با انتقادات زیادی روبرو شده است. در همین ارتباط سناتور جمهوریخواه، جونی ارنست، با انتقاد از حضور رئیسی و هیئت همراهش در خاک آمریکا در سخنانی گفت: «قصاب تهران در حال حاضر با ویزای تأییدشده در خاک آمریکا است و در حالی که در فهرست افراد تحریمی آمریکا قرار دارد، به نیویورک سفر کرده و در سازمان ملل به تبلیغ می‌پردازد.»

ابتکار هیأت دیپلماتیک جمهوری اسلامی حاضر در نشست سازمان ملل استخدام «دادزندان» بود تا در حاشیه مجمع، پرسش خبرنگاران ایرانی از مقامات رژیم درباره وضعیت جانباختگان و سرکوب‌ها شنیده نشود. برخی منابع گفته‌اند آنها خبرنگار نبودند اما کارت موقت خبرنگاری داشتند.

در شبکه‌های اجتماعی به ویژه توئیتر حامیان نظام با کمک سایرین کارزار نشر بخش‌های مختلف سخنرانی رئیسی در سازمان ملل را به راه انداخته و به تعریف و تمجید از وی پرداخته‌اند. با اینهمه به نظر می‌رسد این موضوع در داخل ایران بین عموم مردم بازتاب زیادی نداشت. در همین ارتباط صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی و از حامیان اصلاحات رژیم به «صدای آمریکا» گفته «سخنرانی رئیسی در سازمان ملل هیچ حرف جدیدی نداشت و هدفش خشنودی رهبر جمهوری اسلامی بود.» وی حتا گفت تمرکز مردم داخل ایران بیشتر روی سفر رونالدو به ایران همراه تیم فوتبال النصر عربستان بوده تا سخنرانی رئیسی.

حامیان نظام و چند قرآن‌پژوه اما در ایران از مواضع رئیسی در حمایت از قرآن حمایت کردند. گفته می‌شود رئیسی قرار است امشب، چهارشنبه ۲۹ شهریور، نیویورک را به مقصد تهران ترک کند.

دفاع از عملکرد حکومت عنوان کرد: «قدرت جمهوری اسلامی قدرتی امنیت‌ساز است و با حذف گزینه‌های جنگ، اشغالگری و تجزیه‌ی کشورها از روی میز قدرت‌های سلطه‌گر، افق‌های جدیدی را برای منطقه گشوده است.»

وی با انتقاد از دولت‌های غربی برای حمایت از اعتراضات در ایران تکرار کرد که «برخی از کشورهای غربی و سرویس‌های اطلاعاتی آنها در سال گذشته دچار اشتباه محاسباتی شدند.» رئیسی دولت جمهوری اسلامی با انتقاد به تحریم‌ها و «جنگ روانی» علیه جمهوری اسلامی گفت تصویری که از ایران به جهان مخابره شده به ویژه در مورد حقوق زنان محصول «سرکوب اطلاعات معتبر و اشاعه اطلاعات نامعتبر» است. وی افزود «با تولید و انتشار ده‌ها هزار خبر و گزارش دروغ درباره ایران، واقعیت‌های مهمی از ایران در سراسر جهان سانسور می‌شود.» وی خطاب به رهبران جهان گفت با هدایت علی خامنه‌ای «دکترین مقاومت، امواج اشغالگری و تروریسم با موفقیت به عقب رانده شد و فرصت و عصر جدیدی برای منطقه رقم خورد.» رئیسی همچنین مدعی شد از زمان پیروزی انقلاب اسلامی چهل و پنج سال است که سیاست‌های دشمن شکست خورده و ملت ایران به «پیروزی‌های پیاپی» دست یافته است. رئیسی بار دیگر ادعا کرد جمهوری اسلامی به دنبال سلاح اتمی نیست و بر ضرورت اجرای برجام تأکید کرد. وی همچنین به دفاع از قاسم سلیمانی پرداخت و گفت که او «فرمانده مبارزه با تروریسم» بود و به سانسور «تشییع جنازه ۲۵ میلیونی» سلیمانی انتقاد کرد!

او همچنین غربی‌ها را متهم به نقض تعهداتشان در برجام کرد و با اشاره به ضرورت لغو تحریم‌ها بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت خطاب به اروپایی‌ها گفت «باید درک کنند با سرعت گرفتن در مسیر پرهزینه تقابل بازنده خواهند بود.» اشاره او به تصمیم اروپا برای عدم لغو تحریم‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی است که اعلام شده این تحریم‌ها ادامه خواهند یافت. طبق معمول با آغاز سخنرانی رئیس جمهوری اسلامی در صحن سازمان ملل، نمایندگان و رهبران بسیاری از کشورها سالن را ترک کردند و رئیسی برای صندلی‌های خالی سخنرانی کرد. اما اینبار سفیر اسرائیل در سازمان ملل با تصویری از «مهسا امینی» در سالن ماند و در حالی که آن را بالا گرفته بود در سالن حرکت و به حضور «قاضی مرگ» در مجمع عمومی سازمان ملل اعتراض کرد.

گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل در ایکس نوشت: «لکه ننگ جدیدی برای سازمان ملل! وقتی رئیس جمهوری اسلامی ایران، رئیسی، «قصاب تهران» سخنرانی خود را آغاز کرد، تصویر مهسا امینی، زن بی‌گناه ایرانی را که یک سال پیش به دلیل نداشتن حجاب «درست» به طرز وحشیانه‌ای

● رئیسی در دومین سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل با انتقاد از دولت‌های غربی برای حمایت از اعتراضات در ایران با انکار سرکوب‌ها به «جنگ روانی» علیه جمهوری اسلامی انتقاد کرد و آن را محصول «سرکوب اطلاعات معتبر» و «اشاعه اطلاعات نامعتبر» دانست.

● طبق معمول با آغاز سخنرانی رئیس جمهوری اسلامی در صحن سازمان ملل نمایندگان و رهبران بسیاری از کشورها سالن را ترک کردند و او برای صندلی‌های خالی سخن گفت. اما اینبار سفیر اسرائیل در سازمان ملل با تصویری از «مهسا امینی» در سالن ماند و به حضور «قصاب تهران» در این مجمع اعتراض کرد. همزمان با سالگرد خیزش ضدحکومتی در شرایطی که با استقرار نیروهای امنیتی در شهرهای مختلف ایران حکومت شدت سرکوب‌ها را افزایش داده، ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» در سازمان ملل به دفاع از مفاهیم قرآن و سیاست‌های جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی پرداخت.

ابراهیم رئیسی که برای دومین بار در طول مدت ریاست جمهوری خود در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کرد روز سه‌شنبه ۲۸ شهریور در مقدمه سخنرانی خود در سازمان ملل قرآن را بالا گرفت و به دفاع از آموزه‌ها و مفاهیم آن پرداخت و گفت این مفاهیم وحدت‌بخش و الهام‌بخش، انسان‌ساز، جامعه‌ساز و تمدن‌ساز است و ابدی‌اند و هرگز نمی‌سوزند و آتش توهین و تحریف، هرگز حریف حقیقت نخواهد شد. وی با بیان این ادعا که «غرب با بحران هویتی و کارکردی مواجه شده و راه حل را در بحران‌سازی و دشمن‌تراشی می‌بینند» از «اسلام‌ستیزی و آپارتاید فرهنگی، سوزاندن قرآن و منع حجاب در مدارس و ده‌ها تبعیض شرم‌آور دیگر در غرب» انتقاد کرد و گفت «این آپارتاید فرهنگی، جامعه مسلمانان و به‌خصوص مهاجران را هدف گرفته است.» رئیسی بعد از مقدمه اسلامی و الهی خود ادعا کرد «ما در یک دوره سرنوشت‌ساز تاریخی قرار گرفته‌ایم. جهان در حال تغییر و گذار به نظم بین‌المللی نوظهور است و این مسیر غیرقابل بازگشت است.» توصیف او از این دوره از بین رفتن لیبرالیسم و سرمایه‌داری و شکست «نظام سلطه» و پیشرفت جمهوری اسلامی و قدرت‌های نوظهور در معادلات جهانی است. رئیسی که گفته می‌شود شش کلاس بیشتر سواد ندارد، پیش‌بینی کرد «مکتب لیبرال دموکراسی» به پایان راه خود نزدیک شده است.

وی جنگ‌های نیابتی در غرب آسیا و اروپا را ناشی از اقدامات دولت‌های غربی دانست و گفت «دموکراسی» صرفاً اسم رمزی است برای کودتا، اشغالگری و جنگ، و سپس مدعی شد جمهوری اسلامی با «سیاستی خیرخواهانه» به دنبال همگرایی است و هر دستی را که برای دوستی دراز شود، به گرمی می‌فشارد. رئیسی در بخش دیگری از سخنرانی خود در

محمدرضا شاه پهلوی در آینه‌ی دیپلماسی جهانی



داده است. تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ بستری برای همکاری بین‌المللی و حل مناقشه معرفی کرد و مسائل پیچیده‌ای را در مورد نمایندگی ملت‌ها مطرح نمود.

معضلات سازمان ملل و نمایندگی

با شروع جنگ سرد پس از جنگ جهانی دوم، صحنه جهانی شاهد رقابت بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی برای تسلط ایدئولوژیک و استراتژیک بود. در این چارچوب، سازمان ملل متحد به عنوان یک انجمن حیاتی برای رسیدگی به چالش‌ها و درگیری‌های جهانی ظاهر شد. محور اصلی این انجمن، موضوع نمایندگی بود، موضوعی بحث‌برانگیز که مظهر چشم‌انداز سیاسی درهم شکسته چین بود. در شرایطی که جمهوری خلق چین (PRC) و جمهوری چین (ROC) هر دو برای به رسمیت شناختن رقابت می‌کردند، این سوال که کدام نهاد باید کرسی چین در سازمان ملل را داشته باشد موضوع بحث بین‌المللی بود.

وضعیت مخمضه نمایندگی دوگانه چین

دوگانگی نمایندگی چین ناشی از جنگ داخلی چین بود، درگیری بین حزب ملی گرای چین (کومین‌تانگ) به رهبری چیانگ کای‌چک و حزب کمونیست چین به رهبری ماو تزه‌تونگ. در زمان تأسیس سازمان ملل، جمهوری خلق چین اقتدار خود را در سرزمین اصلی تثبیت کرده بود، در حالی که ROC به تایوان عقب‌نشینی کرده و هر کدام ادعا می‌کردند که دولت قانونی چین هستند. این شکست منجر به آن شد که کرسی سازمان ملل در اختیار ROC قرار گیرد، ترتیبی که با به دست آوردن نفوذ اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک جمهوری خلق چین در صحنه جهانی، بطور فزاینده‌ای غیرقابل دفاع شد.

اهمیت سیاست‌های ژئوپلیتیک شاه

در میان این مانورهای پیچیده دیپلماتیک، نقش شاه به عنوان نقشی محوری نمایان می‌شود. اهمیت ژئوپلیتیک شاه با اهمیت استراتژیک ایران در خاورمیانه و ذخایر نفتی قابل توجه آن، عناصری که شاه را به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در سیاست بین‌الملل قرار می‌داد، مورد تأکید قرار گرفت. ←

● روابط نزدیک شاه با ایالات متحده و رابطه قوی او با انور سادات، رئیس‌جمهور وقت مصر، او را به عنوان یک واسطه ارزشمند معرفی کرد. در حالی که شاه بطور علنی نسبتاً محتاطانه در مورد دخالت خود باقی ماند، اما از کانال‌های دیپلماتیک خود برای تسهیل ارتباط بین رهبران مصر و اسرائیل استفاده کرد.

● در مورد به رسمیت شناختن جمهوری خلق چین نیز شاه با ذکاوت جزر و مدهای در حال تغییر سیاست بین‌المللی را تشخیص می‌داد. صعود چین به عنوان یک قدرت جهانی، همراه با گسترش شناخت دیپلماتیک آن، نشانگر تغییر الگو در توازن جهانی قدرت بود.

راگو کندی - نقش دیپلماسی در حل تعارض چه اهمیتی دارد؟ دیپلماسی به عنوان ابزاری قدرتمند برای حل مناقشه عمل می‌کند. دیپلمات‌های ماهر کار می‌کنند تا از تبدیل درگیری‌ها به جنگ‌های تمام عیار جلوگیری کنند و از طریق مذاکره و گفتگو به دنبال راهکارهای مسالمت‌آمیز هستند. روانشناسی در اینجا نیز وارد عمل می‌شود، زیرا دیپلمات‌ها اغلب باید تفاوت‌های فرهنگی را بررسی و احساسات را مدیریت کنند تا محیط مذاکره سازنده را تقویت نمایند.

پیشبرد روند صلح بسیار مهم بود.

حمایت از توافق نامه کمپ دیوید

در سپتامبر ۱۹۷۸، رئیس‌جمهور جیمی کارتر، رئیس‌جمهور مصر، انور سادات و مناخیم بگین، نخست‌وزیر اسرائیل را برای مذاکره به محل سکونت ریاست جمهوری کمپ دیوید در مرلیند ایالات متحده آمریکا دعوت کرد. شاه توصیه‌های استراتژیک و کانال‌های دیپلماتیک ارائه کرد و پیشنه‌هایی را به هر دو رهبر در مورد مصالحه‌های بالقوه و راه‌های غلبه بر موانع ارائه داد. حمایت او به حفظ شتاب مذاکرات کمک کرد و دیدگاهی خارجی در مورد مزایای بالقوه صلح ارائه داد.

میراث و تأثیر

قرارداد کمپ دیوید با امضای معاهده صلح مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹ به اوج خود رسید و سادات رئیس‌جمهور مصر و بگین نخست‌وزیر اسرائیل جایزه صلح نوبل را به اشتراک دریافت کردند. این معاهده به عادی سازی روابط دیپلماتیک و اقتصادی بین دو کشور از جمله خروج نیروهای اسرائیلی از شبه‌جزیره سینا منجر شد. این توافق تاریخی نه تنها به چندین دهه خصومت پایان داد، بلکه نمونه‌ای برای حل دیپلماتیک در منطقه بود.

نقش شاهنشاه آریامهر در صلح بین مصر و اسرائیل نمونه‌ای از شبکه پیچیده اطلاعات سیاسی، تفکر استراتژیک و دیپلماسی منطقه‌ای است. بینش او نسبت به پویایی خاورمیانه، همراه با کانال‌های دیپلماتیک و روابط، به موفقیت توافقنامه کمپ دیوید کمک کرد. در حالی که توافقنامه صلح همچنان نشانه ثبات منطقه است، دخالت شاه نیز پیامدهای مهمی برای رژیم خود و مسیر آینده ایران داشت. این فصل تاریخی تفاهم پیچیده بازیگران سیاسی و تأثیر ماندگار تصمیمات آنها بر روند تاریخ را به نمایش می‌گذارد.

۲-دعوت چین به سازمان ملل

نقش محوری شاه در دعوت جمهوری خلق چین به سازمان ملل
تاریخ دیپلماتیک قرن بیستم مملو از مواردی است که تغییرات ژئوپلیتیک و همسویی مجدد نظم جهانی را تغییر

پویایی منطقه‌ای و دیپلماسی تاریخی

۱-توافقنامه کمپ دیوید

نقش شاه فقید در صلح مصر و اسرائیل، تلافی جذابی از هوش سیاسی، پویایی منطقه‌ای و دیپلماسی تاریخی است. محمدرضا شاه پهلوی در قرارداد کمپ دیوید، یک توافقنامه صلح تاریخی بین مصر و اسرائیل که با میانجیگری جیمی کارتر رئیس‌جمهور ایالات متحده در سال ۱۹۷۸ انجام شد، نقشی در پشت صحنه داشت.

ژئوپلیتیک خاورمیانه

زمینه تاریخی

در طول دهه ۱۹۷۰، خاورمیانه با تنش‌ها و خصومت‌های طولانی درگیر بود. مصر و اسرائیل نیز از این قاعده مستثنا نبودند. دو کشور در جنگ‌های متعددی از جمله جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ و جنگ یوم کپور در سال ۱۹۷۳ شرکت کرده بودند.

هوش سیاسی و بینش راهبردی

شاه درک زیرکانه‌ای از پویایی سیاسی در منطقه داشت. او به عنوان یک رهبر قدرتمند و با نفوذ در خاورمیانه، مزایای بالقوه میانجیگری برای توافق صلح بین مصر و اسرائیل را تشخیص داد. او درک کرد که یک راه حل مسالمت‌آمیز می‌تواند ثبات و همکاری اقتصادی را و جایگاه ژئوپلیتیک ایران را نیز را تقویت کند.

دیپلماسی منطقه‌ای

روابط نزدیک شاه با ایالات متحده و رابطه قوی او با انور سادات، رئیس‌جمهور وقت مصر، او را به عنوان یک واسطه ارزشمند معرفی کرد. در حالی که شاه بطور علنی نسبتاً محتاطانه در مورد دخالت خود باقی ماند، اما از کانال‌های دیپلماتیک خود برای تسهیل ارتباط بین رهبران مصر و اسرائیل استفاده کرد. روابط شخصی او با هر دو رهبر امکان گفتگوهای محرمانه و سطحی از اعتماد را فراهم کرد که در

محاسبات استراتژیک و عملگرایی

شاه با ذکاوت جزر و مدهای در حال تغییر سیاست بین‌المللی را تشخیص می‌داد. صعود جمهوری خلق چین به عنوان یک قدرت جهانی، همراه با گسترش شناخت دیپلماتیک آن، نشانگر تغییر الگو در توازن جهانی قدرت است. با توجه به این موضوع، شاه یک تغییر موقعیت استراتژیک را دنبال کرد و از حمایت کشورش از ROC منزوی در تایوان دور شد. این تنظیم مجدد ایران را با ابرقدرت نوظهور همسو ساخت و در خدمت ارتقای جایگاه بین‌المللی ایران به عنوان یک واسطه دیپلماتیک قرار گرفت.

مهارت دیپلماتیک و پیگیری به رسمیت شناختن

مشخصه تلاش‌های دیپلماتیک شاه، مناسبات حساب شده با رهبران کلیدی جهان بود. این مناسبات دیپلماتیک بر حمایت از به رسمیت شناختن جمهوری خلق چین به عنوان نماینده قانونی آن کشور در سازمان ملل متمرکز بود. دخالت شاه در این گفتگوها منعکس کننده درک او از پویایی‌های ظریف موجود در بازی و ظرفیت او برای اعمال نفوذ ژئوپلیتیک ایران بود.

اوج و تأثیر تاریخی

اوج این تعهدات دیپلماتیک در سال ۱۹۷۱ با تصویب قطعنامه ۲۷۵۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحقق یافت. این قطعنامه جمهوری خلق چین را به عنوان «تنها نماینده قانونی چین در سازمان ملل» به رسمیت شناخت و منجر به اخراج نمایندگان ROC از این نهاد بین‌المللی شد. این لحظه تاریخی نشان‌دهنده یک تجدید نظر قابل توجه در پویایی قدرت جهانی بود و اثر بخشی تلاش‌های دیپلماتیک به رهبری بازیگران کلیدی مانند شاه را به نمایش گذاشت.

میراث و درس‌های آموخته شده

نقش محوری شاه در دعوت چین به سازمان ملل به عنوان یک مطالعه موردی در مناسبات پیچیده تاریخ، سیاست و استراتژی بازتاب می‌یابد. ظرفیت او برای تشخیص چشم‌انداز جهانی در حال تحول و تمایل او برای تنظیم مجدد موضع دیپلماتیک ایران بر اهمیت حیاتی انطباق با واقعیت‌های ژئوپلیتیک در حال تغییر تأکید می‌کند. اقدامات شاه میراث او را به عنوان یک دیپلمات عملگرا و هوشیار تثبیت و تصمیمات استراتژیک او به شهرت ایران به عنوان یک بازیگر زیرک در صحنه بین‌المللی کمک کرد.

نتیجه

روایت نقش محوری شاه در دعوت چین به سازمان ملل متحد بیانگر بهم‌پیوستگی تاریخ، سیاست و استراتژی است. این موضوع شاهدهی است بر اینکه چگونه رهبری زیرک با تیزبینی استراتژیک و درک دقیق از پویایی جهان می‌تواند بر رویدادهای مهم تأثیر مثبت بگذارد. این رویدادها از درس‌های ماندگار دیپلماسی و روابط بین‌الملل است که بطور یکپارچه با منافع جوامع در تاریخ و سیاست همسویی دارد.

*فرازهایی از کتاب «بینش در هوش سیاسی» به زبان انگلیسی که توسط نویسنده ترجمه شده و در اختیار کیهان لندن قرار گرفته است. راگو کندی مسائل استراتژی سیاسی و امنیتی را در «شه‌وند» که مؤسس و گرداننده آنست پیگیری می‌کند.

♦ انتشار مطالب دریافتی در «دیدگاه» و «تربیون آزاد» به معنی همکاری با کیهان لندن نیست.

پیوند عمامه سیک‌ها و حجاب اسلامی
خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۳۰) آبان ۱۳۸۳



سیک‌ها در تظاهراتشان علیه قانون منع علایم مذهبی در مدارس فرانسه پلاکاردهایی حمل می‌کردند که بر آن نوشته شده بود: عمامه ما هویت ماست!

کردند که شامل صلیب مسیحیان و ستاره داود و شبکلا کلیمیان و بناگزیبر عمامه سیک‌ها نیز می‌شود. از آغاز سال تحصیلی جدید، مدیران مدارس فرانسه مأمور اجرای قانون شدند. به آنها دستور داده شد دانش‌آموزانی را که در برابر قانون ایستادگی می‌کنند ابتدا با نصیحت و دلالت به‌راه بیاورند و هر گاه باز هم سماجت به خرج دادند و به قانون تسلیم نشد اخراجشان کنند. در نتیجه تعدادی دختر دانش‌آموز به دلیل این که حاضر نبودند روسری خود را در داخل مدرسه از سر بردارند، اخراج شدند. با تعداد دیگری هم مذاکرات مسالمت‌آمیز ادامه دارد. اما مشکل اصلی با دانش‌آموزان «سیک» است که می‌گویند عمامه ما جزء هویت ماست و نه می‌توانیم موی سر و ریشمان را بتراشیم، نه می‌توانیم عمامه‌مان را برداریم. سیک، یک مذهب هندوست که در قرن پانزدهم پایه‌گذاری شده است و پیروان آن موظفند همواره با عمامه در مجامع ظاهر شوند. اجازه کوتاه کردن موی سر و ریش هم ندارند. دانش‌آموزان «سیک» برای دفاع از عمامه‌شان دست به تظاهرات اعتراض‌آمیز زدند ولی وزیر فرهنگ فرانسه – فرانسوا فیون – اعتراض را وارد نمی‌داند و می‌گوید سیک و غیر سیک در برابر قانون یکسانند. قانون، قانون است و همه باید از آن تبعیت کنند. گفتنی است که یک دختر پانزده ساله – دانش‌آموز دبیرستان لوئی پاسور در استراسبورگ – برای آنکه از مدرسه اخراج نشود و ضمناً چشم نامحرم به موهایش نیفتد، گیسوان خود را به دم تیغ سپرد و با کله از بیخ تراشیده در کلاس حاضر شد. این را می‌گویند کلک مرغابی! دو دختر هم راه حل دیگری برگزیدند و برای پوشاندن موی خود، عوض روسری کلاه‌گیس (پروک) به سر گذاشتند که استفاده از آن منع قانونی ندارد. به این هم می‌گویند کلاه شرعی – قانونی!

حضرت امام رگ و ریشه هندی داشت. به همین جهت وقتی فرمان داد که «محو کنید این شیر و خورشید منحوس را» و به فرمان وی، علی‌رغم چند روز نق زدن و عذر آوردن مرحوم مهندس بازرگان، عملیات شیر و خورشید زدایی پروژمندانانه پیش رفت و تصویر عکبوت‌مانندی بر زمینه سفید پرچم سهرنگ ایران نقش بست، خیلی‌ها گفتند حضرت امام علامت خانوادگی خودشان را جانشین علامت بازمانده از دوران پادشاهی کرده است. علامت نوظهور که با تصویب حضرت امام جای شیر و خورشید را گرفت، بطوری که می‌دانید شباهت و قرابت کامل دارد با آرم رسمی سیک‌های هند. از لحاظ ریش و قبا و عمامه نیز وجه تشابهی بین آخوندهای ما و سیک‌های هند از دیر زمان وجود داشته است. مانده بود که مسلمانان و سیک‌ها، بر اثر گره خوردن سرنوشت روسری اسلامی و عمامه سیک، همصدا با یکدیگر علیه فرهنگ منحط و مهاجم غربی دست به تظاهرات بزنند.

در فرانسه، قانون منع استفاده از علائم مذهبی در مدارس، از اول سپتامبر سال جاری لازم‌الاجرا شده است. به‌موجب این قانون، دختران و پسران حق ندارند در محیط تحصیلی از پوشش مذهبی یا هر نوع نشانه مذهب‌گرایی استفاده کنند. قانون، از زمانی که طرح آن تهیه شد تا زمانی که از تصویب گذشت، سر و صدای زیادی برانگیخت. مخالف و موافق بسیج شدند و در مخالفت و موافقت سخن گفتند، مقاله نوشتند، سمینار تشکیل دادند، تظاهرات به‌راه انداختند. حتی از طرف بعضی کشورهای اسلامی به دولت فرانسه فشار آمد که از این مسأله درگذرد ولی بالاخره قانون به‌تصویب رسید و حالا دیگر لازم‌الاجراست.

هدف قانونگذار ابتدا منع استفاده از روسری بود که نماد اسلامیت‌هاست و از آن به‌نفع هدفهای سیاسی استفاده ابزاری می‌شود ولی در مراحل شور و غور، برای آن که تبعیضی در کار نباشد، هر نوع نماد مذهب‌گرایی را ممنوع

شاه به پزشک آمریکایی گفت: من نخواسته‌ام شما را ببینم و به پزشکان فرانسوی خود اعتماد دارم

من با مأموریتی محرمانه از طرف شاه درباره امکان پذیرفته شدنش در فرانسه تحقیق کردم

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۳۱)

دکتر هوشنگ نهاوندی

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاه‌های پهلوی و تهران را به عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاه‌های پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

شاه، آنگاه از مسؤولیت رادیو - تلویزیون در آماده کردن زمینه انقلاب در سالهای ۱۹۷۸ - ۱۹۷۷ و به‌ویژه در شش ماه آخر سال ۱۹۷۸ سخن گفت. آن سازمان را شاه به یکی از هدفهای نشانه‌گیری خود تبدیل کرده بود:

«با این که مسؤولان سازمانهای مختلف ما را آگاه کرده بودند که مأموران کمونیست در پشت چهره مسؤولان رادیو و تلویزیون پنهان شده‌اند، هرگز با وجود دستورات من، کارهایی که باید، برای رویارویی با آن وضع صورت نگرفت. شگفت‌انگیز نبود که در تلویزیون فیلمهایی را نمایش می‌دادند که پادشاهی را مسخره می‌کرد».

فردوست و قره‌باغی

میل داشتم نظر شاه را درباره افسرانی که بخشی از مردم، آنان را به خیانت متهم می‌کردند بدانم؛ مثلاً پیرامون ارتشید فردوست، که دوست و همراه کودکی او و مرد مورد اعتمادش بود، (و پس از انقلاب) سازمانهای مخفی امنیتی رژیم انقلابی را اداره می‌کرد، و یا ارتشید قره‌باغی. ولی او پاسخ نداد و احساس کردم که دچار ناراحتی دردناکی شد. البته افزودم که گزینش قره‌باغی به ریاست ستاد بزرگ ارتشداران همه را شگفت‌زده کرده بود، زیرا همه انتظار داشتند اویسی برگزیده شود که چهره‌های نیرومند و در ارتش از اعتبار ویژه‌ای برخوردار بود. و این که: «به من گفتند علیحضرت را قانع کرده‌اند که او را انتخاب نکنند».

سکوت کرد.

تقریباً یک بعد از ظهر بود و هنگام ناهار.

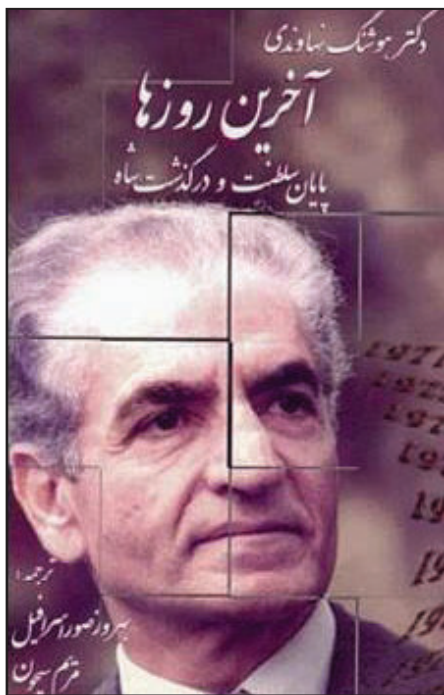
به من گفت: «هنوز بسیاری چیزها داریم که پیرامونشان سخن بگوئیم». آمدند و اعلام کردند که باید بر سر میز ناهار برویم. چند روز در «کوئرتاگاه» سپری کردم، در زندگی بسیار ساده خانواده سلطنتی شریک بودم و با آنها ناهار و شام می‌خوردم. سلامتی شاه، که آرام و با وقار بود، انسان را گول می‌زد. با اشتها غذا می‌خورد، همواره کتابهای تاریخی می‌خواند (و در آن هنگام، شرح زندگی «فالیان» را) و دیگر بار عادت مرور نشریات بین‌المللی را از سر گرفته بود.

در نخستین ناهاری که با هم خوردیم، و همچنین در بعدی‌ها، چهار تن بودیم: زوج سلطنتی، خانم پیرنیا که

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر



همیشه آرام بود، لیخند می‌زد و تقریباً چیزی نمی‌گفت - اما با مهر بسیار مراقب آنچه شاه می‌خورد بود - و من.

در سر میز گفتگوهای معمولی جریان می‌یافت. شاه، گاهی به سخنانی که به او گفته بودم اشاره می‌کرد، ولی به‌گونه‌ای که گویی آنچه روی داده، در زمانی دور و در سیاره‌ای دیگر پیش آمده. اما ناگهان رو به من کرد و گفت: «اگر نخست وزیرتان کرده بودم، شما را می‌کشتند» به چه اندیشیده بود که یکبار این را گفت؟

شهبانو موضوع را عوض کرد و درباره چیز دیگری سخن گفتیم. پس از ناهار که در ایوان صرف شد، چای سنتی آوردند که همه آشامیدند... شاه، جمع را ترک کرد و گفت: «می‌روم اندکی استراحت کنم، و قدری به کتابم بپردازم. امشب با هم گفتگو

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به چاپ می‌رساند.

خواهیم کرد. شما هم بروید و خواب بعد از ظهرتان را بکنید.» به اقامتگاه میهمانان بازگشتم و از آنجا به مهرداد پهلبد تلفن کردم که عصر، به دیدار او بروم. شادمان بودم که این مرد آرام و محترم را بزمی‌یافتم. از او حال همسرش والاحضرت شمس را که در انتظار دیده نمی‌شد و ملکه مادر را پرسیدم، گفت والاحضرت خوبند و ملکه مادر، بهت‌زده، سپس درباره بختیار سخن به میان آمد و پهلبد گفت: «امید زیادی به کارهای او ندارم.» و از من پرسید آیا «علیحضرت به اوضاع خوشبین‌اند یا نه؟» او همچنان اصول تشریفات را رعایت می‌کرد و فقط هنگامی سخن می‌گفت که شاه از او پرسشی می‌کرد، و شاه، هیچ نمی‌پرسید.

هنگام صرف شام، شاه در مورد کتابش با من گفتگو کرد. در مورد محتوای آن و کار «هانری بوتیه» که گفت مرد خوبی است، و از من خواست که با دقت آن را بخوانم و نظرم را به روراستی بگویم: «قدری از خوابتان را فدا کنید، (کاری که من کردم)، و فردا صبح ساعت یازده همدیگر را خواهیم دید.» و با خنده افزود: «این، کاری در خور روشنفکران است که شما دوست دارید.»

بعد از شام، علیحضرتین می‌خواستند فیلم تماشا کنند، و من مرخص شدم.

در بخشی از درازای شب و بگاه روز بعد «پاسخ به تاریخ» را خواندم و یادداشتهایی برداشتم. کتاب، خوب نوشته شده بود. محکم و مستند، و با چند اشتباه در مورد تاریخها، اسمها و رویدادها که فهرستی از آنها یادداشت کردم. گروه فرانسوی، نمی‌توانست از همه ریزه‌کاریهای زندگی ایرانی آگاه باشد. با این حال، کتاب از نکته‌بینی و خرد سیاسی چشمگیری برخوردار بود.

فردای آن روز به شاه گفتم:

- علیحضرت، چرا صریح و بی‌پرده برداشتهایتان را بیان نمی‌کنید؟ چرا مشاهدات خود را سراسر نمی‌گویید؟ چرا از خاطراتتان سخن به‌میان نمی‌آورید؟ شما آن قدر می‌دانید که می‌شود دست کم درباره بخشی از آنها حرف بزنید. چرا دست کم چند راز را فاش نمی‌کنید؟

- من فقط بخش کوچکی از آن چه را می‌دانم، بر ملا

→ کرده‌ام. فراموش نکنید که من این جا میهمان مکزیک هستم. به هیچ وجه نمی‌خواهم ناراحتی به وجود آورم. به هیچ بهایی نمی‌خواهم با به اصطلاح انداختن سنگی در آب، بر دشواریهای پرزیدنت «پورتیو» - که همین حالا هم دچار درد سر است - بیفزایم.

آشکار بود که چندان صادقانه سخن نمی‌گوید. اگر شاه کتابی می‌نوشت که در آن کمتر رعایت ادب و احتیاط شده بود و لحنی تندتر داشت نه تنها گرفتاریهای سیاسی بیشتر به وجود می‌آورد، بلکه بخت شکل گرفتن یک وفاق ملی را پیرامون نام خود، یا آن گونه که یک شخصیت مهم آمریکایی می‌گفت، پیرامون «اسطوره» خود کاهش می‌داد. همچنین، خود می‌دانست که بیماری بر جانش چنگ انداخته، و می‌خواست ماههای آخر زندگی خود را در آرامش بگذراند.

بعد از ظهر، پس از «چرت» اجتناب ناپذیر، شاه به همراه شهبانو رهسپار باشگاه تنیس که مرتب به آنجا می‌رفت، شد. از من خواست سوار اتومبیل او شوم، و در راه، شماری از ملاحظات مرا در مورد کتابش به شهبانو گفتم. مهرداد پهلبد هم به ما پیوست. شاه کمابیش دو ساعت، ابتدا دو نفری و سپس چهار نفری با شوهر خواهر خود به‌عنوان همبازی، تنیس بازی کرد. شهبانو هم کمی بازی کرد، و اندکی نیز با هم گفتگو کردیم. از وضع جسمانی شاه و پایداری او بسیار شگفت‌زده شدم. آیا شایعات در مورد بیماریش بی‌هوده بود؟ در روز سوم اقامت در کوثرناواکا، شاه بار دیگر در ساعت ده صبح مرا پذیرفت. در مورد نیروی بدنیش به او شادباش گفتم. با لبخندی به من پاسخ داد.

سپس، ناگهان پرسید: «حالا چکار می‌کنید؟»

- برای اداره زندگی‌ام کار می‌کنم. همچنین پیرامون مسائل ایران سخنرانی می‌کنم، می‌نویسم، سخن می‌گویم، هم میهمان را گرد می‌آورم. نمی‌دانم قربان که این کارها به کدام سو خواهد رفت و به کجا خواهد رسید، ولی می‌دانم تا روزی که زنده باشم، هرگز در برابر این اشخاص تسلیم نخواهم شد. سکوت نخواهم کرد. و برای دفاع از شرف دوستان و نزدیکانم هم که شده، بر آنچه گذشته گواهی خواهم داد.

او گفت: «بله می‌دانم. اما باید گرد هم بیایید. من هیچ اعتمادی به بختیار ندارم. این را بدانید، ولی از سوی من چیزی نگوید. به تفصیل با او یسی گفتگو کرده‌ام. کمک و همکاری را که می‌خواست، به او کرده‌ام. فقط ارتش می‌تواند از پس کاری برآید، و من کس دیگری جز او یسی را نمی‌بینم که بتواند کاری کند. او، یک مغز سیاسی نیست، ولی نیروی زمینی و ژاندارمری را خوب می‌شناسد و افسران او را دوست دارند. به او دستور دادم به پاریس برود و از آنجا کوشش خود را آغاز کند.»

آنگاه به گفتگو پیرامون مسائل گوناگون، خاطرات و اندیشه‌های مان پرداختیم.

دلتنگی از تبعید

روز یکشنبه، ۲۳ سپتامبر، رئیس پلیس کوثرناواکا، زوج سلطنتی و دوستانشان را به‌صرف ناهار در باشگاه پلیس، در هوای آزاد دعوت کرد. شاه، نخست بر آن بود که دعوت را رد کند. بیم آن داشت که حوصله و شادمانی لازم را نداشته باشد. سپس اندیشید نپذیرفتن دعوت، رفتار درستی نسبت به مأموران پلیس که بسیار و همیشه آماده خدمت و مهربان بودند، نیست. پس، پذیرفت. و پلیسها حتی آنقدر نکته‌سنجی و ظرافت داشتند که به‌هنگام صرف غذا، یک ارکستر کوچک محلی را آماده کرده بودند که آهنگهای ایرانی بنوازد، کار آسانی نبود. با آن که مأموران پلیس و همسرانشان از گونه همسفرگان شاه نبودند، با آنان با مهربانی بسیار رفتار کرد. آشکار بود که برای این کار، کوشش بسیار می‌کند. پس از صرف غذا، گفت که حالش چندان خوب نیست و میهمانی را ترک کرد. شهبانو خواست همراهیش کند. نپذیرفت و گفت میزبانانمان ناراحت

می‌شوند. خانم پیرنیا او را همراهی کرد. به‌گمانم از دلتنگی تبعید رنج می‌برد و شرایط عصبی‌اش به او اجازه نمی‌داد در گفتگوهایی که برایش هیچ جذباتی نداشتند، شرکت کند. از آنجا که روز بعد، صبح زود باید آنجا را ترک می‌کردم، همان شب از او اجازه مرخصی خواستم. مرا در اتاقش پذیرفت. در تخت خوابیده بود.

- قربان، درک می‌کنم که در جریان این ناهار، گفتگوها شما را به‌راستی خسته کرد.

- نه، اینها آدمهای خوبی هستند. ولی من به‌راستی حامل بد شد. می‌دانید، من بسیار بیمارم.

به‌زودی تأیید بیماری او را دریافت کردم. وضع سلامتی او روز به‌روز بدتر می‌شد. «مارک مورس»، به «رابرت آرماتو» در نیویورک تلفن کرد. «آرماتو» تصمیم گرفت - به تهنیتی؟ ... - که محمدرضا شاه باید به وسیله پزشکان آمریکایی معالجه شود. و سپس با رایزنی با تشکیلات «راکفلر» یا احتمالاً دولت آمریکا، و بدون اجازه از شاه یا شهبانو، ظاهراً از یک پزشک پیش پا افتاده نیویورکی به نام «بنجامین کین» خواست که شاه را معاینه کند. او مطبی خصوصی در خیابان «پارک» داشت و در محافل خوشگذران و «آلامد»، به‌خاطر سفرهایش، سیگارهای گرانقیمت و زندهای دور و برش - که با چند تن از آنان، یکی پس از دیگری ازدواج کرده بود - شهرت داشت.

او در ۲۹ سپتامبر به کوثرناواکا آمد و شاه را معاینه کرد.



مهرداد پهلبد

البته شاه قاطعانه به او گفت: نه، من نخواستهم شما را ببینم و به پزشکان فرانسوی‌ام اعتماد دارم، زیرا مرا به‌خوبی معالجه کرده‌اند. دکتر «کین» درخواست آزمایش خون کرد، اما شاه نپذیرفت. پزشک خشمگین، بدون آن که حتی بداند چه داروهایی برای شاه تجویز شده، پاسخ داد که او نیاز به درمان بیشتر و پیچیده‌تر دارد، و به نیویورک بازگشت.

در همان حال که پزشک نیویورکی به شهرش باز می‌گشت، به‌خواست شهبانو، دکتر «فلاندن» یکی از چهار پزشک گروه درمانی شاه - که شاه به او اعتماد کامل داشت - به مکزیک آمد. پزشک فرانسوی تشخیص داد که بیمار باید فوراً در بیمارستان بستری شود و مورد آزمایشهای دقیق و کامل قرار گیرد. واکنش شاه بسیار روشن بود. حاضر بود در بیمارستان

بستری شود و مورد آزمایش و درمان قرار گیرد، ولی نه در آمریکا. گفت: «پس از کاری که با من کردند، حتی اگر زانو بزنند و از من بخواهند، به آمریکا نخواهم رفت.» چند تن از پیرامونیان، و در میانشان اردشیر زاهدی و گویا شاهزاده رضای ولیعهد، با او موافق بودند.

اوایل اکتبر، شاه، بی آن که هیچ اشاره‌ای به جزئیات مسأله کند، از من خواست که محرمانه، و از سوی خودم، جویا شوم که آیا دولت فرانسه می‌پذیرد که او در پاریس تحت درمان قرار گیرد؟ از میان چند تنی که در رده بالای قدرت در پاریس می‌شناختم، اندیشه‌ام به‌سوی «الن پرفیت» وزیر دادگستری، که او را از سالها پیش می‌شناختم، رفت. پس از چاپ کتابش «هنگامی که چین بیدار شود»، او را برای ایراد سخنرانیایی به دانشگاه تهران دعوت کردم که در آنجا با استقبال و پیروزی زیادی روبرو شد. «پرفیت» به‌حضور شاه، که طبیعتاً کتاب او را خوانده بود، نیز شرفیاب شده بود. با آن که بلندپروازیهایی شاه از نظر او «هراس‌انگیز» می‌نمود، بسیار تحت تأثیر او قرار گرفته بود. رابطه دوستانه ما پس از انقلاب و ورود هم به پاریس، ادامه داشت. مردی قابل اطمینان و رازدار بود و می‌توانستم آشکارا با او گفتگو کنم. خواستار دیدار فوری او شدم و چهل و هشت ساعت بعد، دیروقت در دفتر کارش در میدان «واندوم» مرا پذیرفت. وضعیت را برایش تشریح کردم. از وضع سلامتی شاه پرسید، آنچه را دیده بودم و می‌دانستم، گفتم - بنابراین، چیز زیادی نبود. توافق کردیم که آن مسائل محرمانه ماند - آن مرد که از هواداران دوگلد بود به من گفت که هرگز استقبال گرمی را که فرانسه از خمینی کرده بود، درک نکرده و با آن موافق نبوده است. قول داد که از کاخ الیزه بیرون برسد و به‌محض آن که میسر شد، پاسخ بدهد.

بایست انتظار می‌کشیدم. زمان درازی انتظار کشیدم.

راز سر به‌مهر

نشانه‌های بیماری درمان‌ناپذیر شاه که در اکتبر ۱۹۷۹ بر همگان آشکار شد، نخستین بار در آوریل ۱۹۷۴ به‌هنگام یک معاینه سراسری سالانه، به‌وسیله پرفسور «فلینگر» در وین نمودار شد. واژه سرطان، برای توضیح بیماری او به‌کار نرفت. اندکی بعد، سخن از بیماری «والد تستروم» به‌میان آمد، که هیچگاه رسماً از سوی پزشکان معالج شاه مورد تأیید قرار نگرفت. اخیراً پژوهشهایی در محافل پزشکی اتریش نشان داده که بیماری او می‌توانسته «هاجکین» باشد که با بیماری نخستین، نشانه‌های مشترک بسیار دارد. حال آن که شهبانو در خاطرات خود از بیماری اول نام می‌برد. یک گروه پزشکی مشهور، مسؤولیت مداوای شاه را بر عهده گرفت: پروفیسورهای فرانسوی «ژان برنار» و «پل میلی پتر»، دو تن از برجسته‌ترین پزشکان فرانسوی، پروفیسور صفویان انترن پیشین بیمارستانهای پاریس - استاد پزشکی و رئیس دانشگاه ملی ایران، و دکتر «ژرژ فلاندن» دستیار پروفیسور «ژان برنار».

در حقیقت این آخرین پزشک، زیر نظر سه تن دیگر، تجویز داروها و درمان بیمار مشهور را برعهده داشت. این راز، تا آغاز اکتبر ۱۹۷۹ کاملاً سر به‌مهر باقی ماند.

در سپتامبر ۱۹۷۴، چهار پزشک معالج، در یک سفر خصوصی شهبانو به پاریس، او را از ماجرا آگاه ساختند. خود شاه، دو ماه پس از آن، از بیماریش با خبر شد. پزشکان این خبر را در لفاف اصطلاحات پزشکی، بی آن که واژه «سرطان» به‌کار رود، ولی بی هیچ کوشش در پنهان کردن اهمیت بیماری و وخامتش به شاه دادند - شاه پرسیده بود: «چه مدت امید زندگی دارم؟» پاسخ داده بودند: «قربان، اگر خوب درمان شوید، شش تا هشت سال.» گفته بود برایم کافیتس.

و پیرامون وخامت بیماری تا اوایل اکتبر ۱۹۷۹ هرگز درحضور شاه سخنی گفته نشد. (ادامه دارد)

امیر طاهری درباره جمهوری اسلامی در ایران: تکرار ارائه تصویری جدید!؟

وجود سالها فعالیت به عنوان یک عذرخواهی از تهران، اکنون مورد نفرت رسانه‌های داخلی کشور است.

مالی اولین شخصیت خمینی‌دوست غربی نیست که می‌بیند زندگی حرفه‌ای‌اش به دست «بچه قیری» در تهران ویران شده است.

رابرت مک فارلین که به عنوان معاون مشاور امنیت ملی رئیس جمهور رونالد ریگان خدمت می‌کرد نیز این قمار را کرد که با یک پاسپورت جعلی ایرلندی به تهران سفر کند و یک هواپیما پر از اسلحه غیرقانونی همراه وعده حتی بیشتر از آن را با خود به ایران برد. با این حال، جنگ قدرت در تهران، خنجر وی را آشکار کرد و به زندگی سیاسی او پایان داد بطوری که در افسردگی عمیق حتی اقدام به خودکشی کرد.

سرهنگ دوم الیور نورث، دستیار مک فارلین در برخورد با «بچه قیری» تهران، محاکمه، محکوم و روانه زندان شد. سومین عضو این گروه سه نفره، امیرام نیر، از موساد اسرائیل، کم مانده بود در یک حمله مرموز در مکزیک جان خود را از دست بدهد.

یکی دیگر از مدافعان برجسته اسرائیلی «عادی‌سازی» رابطه با تهران، دیوید کیمچه بود، که واقعاً معتقد بود حتی کمک به ایجاد حزب‌الله در لبنان برای سرکوب سازمان آزادیبخش فلسطین، اقدامی عاقلانه در صفحه شطرنج مرگبار منطقه است.

این «بچه قیری» چندین تن از بزرگان سیاسی فرانسوی را نیز به خود جذب کرد.

فیلیپ پونس که زمانی یکی از افراد کلیدی در سریال سیاسی ژاک شیراک بود، هنگامی که دخترش وکیل سفارت در پاریس بود، حتی مشاور جمهوری اسلامی ایران شد. نیازی به گفتن نیست که پونس به زودی متوجه شد که «بچه قیری» را نمی‌توان از جای خود تکان داد و این بدان معنا بود که دوران سیاسی او نیز به پایان رسیده است.

گی ژورژی، دیپلمات برجسته فرانسوی، موضوع فواید روابط نزدیک با جمهوری اسلامی را به یک عامل پیروزی در نبرد ارتقاء داد و در نهایت به عنوان سفیر در تهران معرفی شد. جشن عشق وی نیز با «بچه قیری» زیاد طول نکشید. «دانشجویان پیرو امام» به سفارت فرانسه یورش بردند و ژورژی برای مدت کوتاهی گروگان گرفته شد.

اریک رولو، روزنامه‌نگار و دیپلمات فرانسوی یکی دیگر از چهره‌هایی است که آرزو داشت «بچه قیری» را در آغوش بکشد و در صورت تمایل او را از جای خود تکان دهد. اما دست آخر به او گفتند که اگر یکبار دیگر پا به تهران بگذارد به گروگان گرفته خواهد شد. از آنجا که پیش‌بینی‌های او در مورد میانه‌رو شدن جمهوری اسلامی نادرست بود، کار روزنامه نگاری و دیپلماتیک وی نیز خواه ناخواه به پایان می‌رسید.

در بریتانیا، تعدادی از شخصیت‌های سیاسی، از جمله لرد لامونت، وزیر خزانه‌داری سابق، تمام تلاش خود را برای تغییر وجهه جمهوری اسلامی انجام دادند اما ناکام ماندند. جرمی کوربین، رهبر سابق حزب کارگر، به مدت ۱۳ سال برای تلویزیون رسمی دولتی جمهوری اسلامی کار می‌کرد، اما در نهایت، توسط رای‌دهندگان خود به عنوان کسی که در خدمت «بچه قیری» است کنار گذاشته شد.



عربستان و مدیترانه منتشر کند.

سرانجام، اکنون مسلم به نظر می‌رسد که جو بایدن با ساختن یک «توافق هسته‌ای» جدید و معرفی آن به عنوان یک پیروزی دیپلماتیک بزرگ نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری سال آینده آمریکا، تمام امید خود را برای در آغوش گرفتن جمهوری اسلامی از دست داده است. رابرت مالی، شخصی که مسئول این طرح مهجور است، برکنار شده و با

بیشتر سیاستمداران و روزنامه‌نگاران و چهره‌های اجتماعی آمریکایی و اروپایی که برای عادی کردن رابطه با جمهوری اسلامی تلاش کرده‌اند، سرنوشت بدی یافتند و از عرصه حرفه‌ای خود کنار گذاشته شدند. رابرت مالی فقط یکی از آنهاست!

همچنین تقریباً همه افراد دوتابعیتی که در تهران به عنوان گروگان دستگیر می‌شوند، لابیگران، تسهیل‌گران، تحریم‌شکنان و مبلغان جمهوری اسلامی هستند.

امیر طاهری (شرق الاوسط) - «بچه قیری» دومین داستان عمو ریموس (راوی تخیلی قصه‌های آفریقایی-آمریکایی) است که در سال ۱۸۸۱ در ایالات متحده منتشر شد که در آن، روباه شرور، با عروسکی ساخته شده از قیر و سقر، خرگوش «بربر» را به دام می‌اندازد. قربانی هرچه بیشتر سعی می‌کند خود را رها کند، بیشتر گرفتار چسبندگی قیر و سقر عروسک سیه‌چرده می‌شود.

چندین رویداد در این اواخر باعث می‌شود که آدم به داستان هشدارآمیز «بچه قیری» بیشتر فکر کند.

چین در سال گذشته نقشه نهایی پروژه جهانی «یک کمربند یک جاده» را منتشر کرد و ایران را در آن کاملاً کنار گذاشت.

ماه گذشته، ترکمنستان طرح خود را برای یک خط اصلی انرژی با هدف انتقال نفت و گاز از آسیای مرکزی به اروپا از طریق دریای خزر، آذربایجان و ترکیه اعلام کرد. برنامه اولیه‌ای که پنج سال پیش انجام شد این بود که بجای اجتناب از جمهوری اسلامی، عبور خط لوله از ایران به ترکیه را ببینیم.

هفته گذشته، نوبت هند بود که نقشه خود را برای ارتباط زمینی و دریایی و با اروپا از طریق خلیج بمبئی، شبه‌جزیره



ضرب و جرح ایرانی‌ها توسط پلیس استانبول در مراسم سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی



برخورد پلیس ترکیه با زنان ایرانی در تجمع استانبول

ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف این کشور مجوز صادر کرده بود. بر همین اساس شمار زیادی از ایرانیان مقیم این کشور در شهرهای استانبول، آنکارا، دنیزلی، ازمیر و آنتالیا تجمعات زیادی برگزار کردند. احسان نادرپور روزنامه‌نگار ایرانی در استانبول گزارش داده است که «در تجمع این شهر گفته‌اند ایرانی‌ها را راه نمیدیم و فقط شهروندان ترکیه می‌توانند شرکت کنند.» مانع‌تراشی برای حضور ایرانی‌ها در تجمع با اعتراض و شعارهای آنها همراه شد و پلیس ضد شورش ترکیه به افراد حمله کرده است.

سمیرا راهی روزنامه‌نگار نیز با انتشار ویدیویی نوشت «پلیس ترکیه از ورود ایرانیان که اقامت دائم ترکیه را ندارند جلوگیری کرد» و بعد از سر دادن شعار «زن، زندگی، آزادی» به آنها حمله کرد تا متفرق شوند.

شمار دیگری از ایرانی‌ها در ترکیه نیز ویدیوهایی را از درگیری پلیس با معترضان در استانبول منتشر کردند. بر اساس آنچه منابع غیررسمی می‌گویند در سایر شهرهای ترکیه از جمله آنکارا و ازمیر نیز پلیس مجوز برگزاری تجمع صادر نکرده است.

کیهان لندن پیش از این گزارش داده بود که جمهوری اسلامی دولت ترکیه را تحت فشار قرار داده تا از برگزاری تجمع ایرانیان علیه حکومت در شهرهای مختلف جلوگیری کند.

در همین ارتباط خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران گزارش داد «برگزاری تجمع توسط ضدانقلاب در ترکیه با مخالفت دولت این کشور مواجه شد و اجازه تجمع را به آنها ندادند.»

به گفته روح‌الله رحیم‌پور تاریخ‌نگار مقیم ترکیه با وجود آنکه شهرداری استانبول اجازه تجمع را نداده بود، شماری از شهروندان در محله «قاضی‌کوی» جمع شدند.

جمهوری اسلامی هفته‌ها پیش از فرا رسیدن سالگرد خیزش ضدحکومتی از راه‌های مختلف تلاش کرد صدای ایرانیان خارج کشور را تا حد امکان خاموش کند. اما موفق نشد.

● برخی منابع خبری ترکیه گزارش دادند نهادهای امنیتی استانبول به زنان اجازه برگزاری مراسم بزرگداشت در میدان «بیازیت» در منطقه «فاتح» را نداد. سپس فراخوانی برای تجمع در «کادی‌کوی» نزدیک اسکله داده شد که پلیس مسیره‌های منتهی به این محل را نیز مسدود کرد.

● احسان نادرپور روزنامه‌نگار ایرانی در استانبول گزارش داد «در تجمع این شهر گفته‌اند ایرانی‌ها را راه نمیدیم و فقط شهروندان ترکیه می‌توانند شرکت کنند.» مانع‌تراشی برای حضور ایرانیان در تجمع با اعتراض و شعارهای آنها همراه شد و پلیس ضد شورش ترکیه به افراد حمله کرده است.

● سمیرا راهی روزنامه‌نگار نیز با انتشار ویدیویی نوشت «پلیس ترکیه از ورود ایرانیان که اقامت دائم ترکیه را ندارند جلوگیری کرد» و بعد از سر دادن شعار «زن، زندگی، آزادی» به آنها حمله کرد تا متفرق شوند.

● در همین ارتباط خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران گزارش داد «برگزاری تجمع توسط ضدانقلاب در ترکیه با مخالفت دولت این کشور مواجه شد و اجازه تجمع را به آنها ندادند.»

پلیس ترکیه ایرانی‌هایی را که قصد داشتند روز شنبه ۲۵ شهریور در سالگرد خیزش ضدحکومتی در استانبول تجمع کنند مورد ضرب و جرح قرار داد.

بر اساس گزارش‌های میدانی، پلیس برای برگزاری تجمعی که برای سالگرد کشته شدن مهسا امینی برگزار شد محدودیت گذاشته بود و ایرانیان اجازه ورود به تجمع را نداشتند اما وقتی تعدادشان زیاد شد و شعار دادند، پلیس برای متفرق کردن آنان دست به خشونت زد.

برخی منابع خبری ترکیه گزارش دادند نهادهای امنیتی استانبول به زنان اجازه برگزاری مراسم بزرگداشت در میدان «بیازیت» در منطقه «فاتح» را نداد. سپس فراخوانی برای تجمع در «کادی‌کوی» نزدیک اسکله داده شد که پلیس مسیره‌های منتهی به این محل را نیز مسدود کرد.

دولت ترکیه سال گذشته برای برگزاری تجمعات اعتراضی

هیچ سیاستمدار بریتانیایی بیشتر از جک استراو به عنوان وزیر امور خارجه در زمان نخست وزیر تونی بلر، برای شیرین کردن وجهه تهران کوشش نکرد. به اعتقاد من، بیشتر به خاطر نیت خوبش بود تا سود شخصی. اما او زمانی که به دعوت حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی وقت، به همراه همسرش به ایران سفر کرد، به سختی از گروگان گرفته شدن نجات یافت.

این «بچه قیری» با هموعان ایرانی خود نیز مهربان‌تر نبوده است. تقریباً همه افراد دوتابعیتی که در تهران به عنوان گروگان دستگیر می‌شوند، لایب‌گران، تسهیل‌گران، تحریم‌شکنان و مبلغان جمهوری اسلامی هستند. آنها در نهایت گروگان گرفته شدند، زیرا یک جناح رقیب درون نخبگان حاکم تهران به خاطر جانبداری از آن یکی «جناح اشتباه» از آنها رنجیده است.

البته این روزها برخی سیاست‌گذاران و تحلیلگران اصرار دارند که «بچه قیری» تغییر کرده. آنها مدعی هستند «رفتار غیرقابل قبول» تهران در گذشته ناشی از ترس جناح افراطی خمینی بود که «طرف مقابل» یعنی کسانی که مدافع توافق با آمریکا هستند، ممکن است موفق شوند و از این دستاورد برای حذف افراطیون استفاده کنند. تندروها بر اساس این روایت، اکنون کنترل همه اهرم‌های قدرت را در دست دارند و دیگر واهمه‌ای ندارند که توسط «اصلاح‌طلبان» مرتبط با واشنگتن، جایگاه خود را از دست بدهند. بنابراین در آغوش کشیدن «بچه قیری» بازسازی‌شده ممکن است دیگر به اندازه چهار دهه گذشته خطرناک نباشد.

این پیام همچنین برای حدود ۸ میلیون ایرانی پراکنده در سراسر دنیا نیز ارسال شده که می‌ترسند بازگشت به خانه حتی برای تعطیلات، ممکن است آنها را به دام «بچه قیری» بیندازد.

چندی پیش، غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس کل دادگستری رژیم ایران از تبعیدیان ایرانی خواسته بود «هر وقت دوست دارید به وطن بیایید. در فرودگاه دستگیر نمی‌شوید. ما فقط برای چند روز گذشته‌تان را می‌گیریم، تحقیقات به عمل می‌آوریم، اگر احتیاج به بررسی پیدا کنیم به سرعت انجام خواهد شد.»

پیام مشابهی از سوی ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری اسلامی برای خارجیان ارسال شده که مایل به سرمایه‌گذاری در ایران هستند. آزادی اخیر چندین گروگان خارجی ممکن است به این دعوت اعتبار بخشد. با این حال، در حال حاضر، چین، هند و روسیه، بدون ذکر اتحادیه اروپا و ژاپن، هنوز تمایلی به در آغوش کشیدن «بچه قیری» ندارند. رئیسی با شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک امیدوار بود به این نگرانی‌ها اشاره کند. «مظنونین همیشگی» که همواره کوشش داشتند تصویر «بچه قیری» را ملایم‌تر نمایش دهند، تریبونی آماده کردند تا او آهنگ جدیدش را بنوازد.

یا کسی فریب خواهد خورد؟

*منبع: انستیتو گیت‌استون این مقاله در اصل در الشرق الأوسط به چاپ رسیده و با اجازه نویسنده ترجمه و منتشر شده است.

*نویسنده: امیر طاهری از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۸ سردبیر تام‌الاختیار روزنامه کیهان در ایران بود. وی در نشریات بی‌شماری کار کرده یا قلم زده، یازده کتاب منتشر کرده و از سال ۱۹۸۷ ستون‌نویس روزنامه الشرق الأوسط بوده است. او مدیر Gate Stone در اروپاست.

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

اکنون، یک سال بعد؛ اصناف



وکلا نیلوفر حامدی و الهه محمدی خواستار آزادی موکلان خود پس از یک سال «بازداشت موقت» شدند

● دو روزنامه‌نگاری که سال گذشته در چنین روزهایی به دلیل نگارش دو گزارش از به کما رفتن و مراسم خاکسپاری مهسا امینی بازداشت شدند، همچنان در «بازداشت موقت» بسر می‌برند.

● پرتو برهانپور وکیل نیلوفر حامدی معتقد است موکلش به استناد آیین دادرسی کیفری حداکثر مدت «بازداشت موقت» را متحمل شده و باید آزاد شود.

● شهاب میرلوحی وکیل الهه محمدی با تأکید بر اینکه «هیچ محملی برای صدور حکم محکومیت» موکلش وجود ندارد، خواهان آزادی این روزنامه‌نگار پس از یک سال بازداشت موقت شد.

وکلا نیلوفر حامدی و الهه محمدی دو روزنامه‌نگاری که سال گذشته به ترتیب گزارش‌هایی از بستری بودن مهسا امینی و مراسم خاکسپاری او منتشر کرده بودند، خواستار آزادی موکلان خود از مراجع قضایی شدند.

نیلوفر حامدی و الهه محمدی دو روزنامه‌نگاری که سال گذشته در چنین روزهایی به دلیل نگارش دو گزارش از به کما رفتن و مراسم خاکسپاری مهسا امینی بازداشت شدند، همچنان در «بازداشت موقت» بسر می‌برند. پرتو برهانپور وکیل نیلوفر حامدی و شهاب میرلوحی وکیل الهه محمدی وکلا این دو روزنامه‌نگار خواستار آزادی آنها هستند.

در ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی با توضیح حداکثر و حداقل مدت‌زمان قرار بازداشت موقت آمده که «به هر حال، مدت بازداشت متهم، نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت، در جرائم موجب مجازات سلب حیات، مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یک سال، تجاوز نمی‌کند.»

در جمهوری اسلامی اما سال‌هاست بازداشت‌شدگانی با اتهامات سیاسی و امنیتی ماه‌ها در زندان می‌مانند بدون اینکه در دادگاه محکوم شده باشند. نیلوفر حامدی و الهه محمدی از جمله این بازداشت‌شدگان هستند که یک سال پیش بازداشت و همچنان بدون صدور رأی دادگاه در زندان اسیرند.

پرتو برهانپور وکیل نیلوفر حامدی و شهاب میرلوحی وکیل الهه محمدی امروز سه‌شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۲ در گفتگو با روزنامه «شرق» از ارائه درخواست آزادی برای موکلان خود خبر دادند.

بخش‌های مختلف از صنعت نفت تا کارمندان دولت بدتر شده و جمهوری اسلامی هیچ گام مثبتی در راه بهبود شرایط اصناف برنداشته است.

با رکود و تورم فزاینده، قوانین ناکارآمد، فساد و رانت گسترده، بخشنامه‌هایی که مفاد آن روی کاغذ مانده، تصمیمات یک‌شبه و دستوری، تداوم جمهوری اسلامی به تهدیدی جدی برای همه اصناف و مشاغل، برای بازاری، کشاورز، تولیدکننده، کارآفرین، کارگر، آموزگار و همه و همه تبدیل شده است.

در چنین شرایطی، حقوق صنفی که بطور ویژه بخشی از اصناف و مشاغل را شامل می‌شود، تنها زیرمجموعه‌ای از یک حق بزرگتر است: تغییر نظام جمهوری اسلامی به یک نظام کارآمد و پاسخگو!

جمهوری اسلامی حدود نیم قرن با در دست داشتن منابع و درآمدهای سرشار ایران، فرصت داشت تا در اصلاح خود و بهبود شرایط ملت ایران قدم بردارد. دولت‌ها و جریانات مختلف اما از اصلاح‌طلب تا اصولگرا و از اعتدالگرا تا عدالتخواه، نشان داده‌اند هر جا و هر زمان رشته امور را در دست بگیرند، جز تباهی و فساد بیشتر، کارنامه‌ای برجای نمی‌گذارند.

امروز، سعادت هر شهروند، در هر شهر و روستا، و در هر صنف و رسته شغلی، به سعادت ملی در ایران پیوند خورده است. از همین رو، تغییر و بهبود شرایط برای هر یک از شهروندان ایران، در گرو همبستگی برای عبور از جمهوری اسلامی و رسیدن به شرایطی است که در آن، آزادی و امنیت و رفاه همگانی فارغ از صنف و طبقه و تبار و شهر و روستای محل سکونت، توسط حکومتی کارآمد و پاسخگو و خدمتگزار تأمین شود.

خیزش ملی ۱۴۰۱ از ۲۵ شهریور و همزمان با جان باختن مهسا امینی در مقابل بیمارستان کسری تهران آغاز شد و به سرعت در تمام استان‌های ایران و در بیش از ۱۵۰ شهر گسترش یافت.

خیزشی با شعارهای مشخص که از زاهدان تا تبریز، از رشت تا اهواز و از تهران تا اصفهان، حکومت فاسد و تباهاکار جمهوری اسلامی را هدف قرار داده و تغییر ساختار سیاسی در ایران را برای رسیدن به آزادی و آبادی خواستار است.

در کشاکش اعتراضات سال گذشته و در حالی که مقامات جمهوری اسلامی سراسیمه ضمن سرکوب بی‌رحمانه معترضان، حکومت را در برابر انقلاب ملی می‌دیدند، بسیاری از شهروندان چشم‌انتظار پیوستن اصناف به اعتراضات مردمی بودند.

هرچند بیانیه‌های حمایتی زیادی از سوی تشکل‌های صنفی از جمله آموزگاران، کارگران و بازنشستگان در حمایت از اعتراضات صادر شد و بسیاری از شهروندانی که در اصناف مختلف هستند در اعتراضات خیابانی حضور داشتند اما اعتصابات پایدار و یکپارچه که همواره یکی از عناصر مهم موفقیت جنبش‌های آزادیخواهانه است، شکل نگرفت. اما فعالان صنفی از سرکوب در امان نمانند!

اکنون، یک سال بعد، بسیاری از فعالان صنفی بازداشت و زندانی شده و یا با پرونده‌های قضایی و صدور احکام زندان و شلاق و ممنوع‌الخروجی تحت فشار قرار گرفته‌اند. مطالبات اصناف مختلف، از آموزگاران تا کارگران، از بازنشسته‌ها تا بازاریان، همچنان از سوی حکومت نادیده گرفته می‌شود. در طول سال گذشته وضعیت معیشتی و امنیت شغلی در

پرتو برهانپور معتقد است موکل وی به استناد آیین دادرسی کیفری حداکثر مدت «بازداشت موقت» را متحمل شده و باید آزاد شود.

شهاب میرلوحی، وکیل الهه محمدی با تأکید بر اینکه «هیچ محملی برای صدور حکم محکومیت» موکلش وجود ندارد، خواهان آزادی این روزنامه‌نگار پس از یک سال بازداشت موقت شده است.

پرتو برهانپور نیز با اشاره به گذشت یک سال از بازداشت نیلوفر حامدی گفته که «حالا از زمان بازداشت موکل‌ام خانم نیلوفر حامدی یک سال گذشته؛ اما هیچ خبر جدیدی نیست. دو جلسه دادگاه در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران برگزار شده؛ در جلسه دوم دادگاه- که در تاریخ سوم مرداد ۱۴۰۲ برگزار شد- اتهامات همکاری با دولت متخاصم آمریکا و اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت و فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی به موکل مجدداً تفهیم اتهام شد و قاضی از ایشان آخرین دفاعیات را گرفتند و ما وکلا هم لایحه دفاعیه کتبی خودمان را تقدیم کردیم و همانجا هم برای بار چندم در جلسه تقاضای تبدیل قرار و آزادی موکل حتی به قید وثیقه را طرح کردیم که هیچ پاسخ روشنی داده نشد. تا به امروز هم که هیچ رأی یا تصمیمی در پرونده گرفته نشده و به ما ابلاغ نشده است.»

شهاب میرلوحی وکیل الهه محمدی هم توضیح داده که «وضعیت خانم الهه محمدی هم دقیقاً همینطور است. هیچ خبر جدیدی نیست. دو جلسه دادگاه در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران برگزار شد و با همان اتهامات آخرین دفاعیات ارائه شده و ما هم لایحه دفاعیه‌مان را هفتم مرداد تقدیم کردیم؛ ولی تا کنون هیچ رأی یا تصمیمی به ما ابلاغ نشده است.»

به گفته شهاب میرلوحی درباره وضعیت این پرونده باید منتظر نظر مقامات قضائی و دادگاه بود: «طبق ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، نهایتاً تا یک هفته باید رأی صادر می‌شد و به ما ابلاغ می‌شد. البته سخنگوی محترم قوه قضائیه هم در نشست خبری‌شان گفته بودند که دادگاه در حال انشای رأی است ولی فعلاً به ما چیزی ابلاغ نشده است. راستش خیلی از ما این سؤال را می‌پرسند که چطور یک‌ماه‌ونیم پیش سخنگوی قوه از انشای حکم مطلع بود ولی شما وکلا هنوز هیچ خبری ندارید!»

وکلا این دو روزنامه‌نگار اتهامات وارد شده به آنها را بی‌ربط ارزیابی می‌کنند. پرتو برهانپور در این‌باره به روزنامه «شرق» گفته «از نظر حقوقی من هیچ دلیل محکمه‌پسند یا مستند قانونی‌ای برای صدور حکم محکومیت موکل به ارتکاب جرایمی مثل همکاری با دولت متخاصم آمریکا یا اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور نمی‌بینم. از سوی دیگر در قوانین ما بارها بر حقوق شهروندی مانند حق آزادی بیان و آزادی اظهارنظر تأکید شده است و حتی در اصل ۲۴ قانون اساسی، بر آزادی انتشار مطالب در مطبوعات تأکید شده و در ماده ۴ قانون مطبوعات، به ممنوعیت اعمال فشار بر مطبوعات یا کنترل و سانسور آنها تصریح شده است. اصلاً ماده ۵ قانون مطبوعات کسب و انتشار اخبار را حق قانونی مطبوعات می‌داند.»

شهاب میرلوحی نیز با اشاره به اینکه جرائم علیه امنیت در قانون ما تعریف و دامنه تقریباً روشن و مشخصی دارند، گفته که «آخر یک خبرنگار چطور می‌تواند مرتکب چنین جرمی بشود؟ هیچ‌کدام از این جرائم (مثل هم‌گذاری، تخریب وسائل و تأسیسات استفاده‌شده عمومی به قصد اخلال در امنیت، نقض‌برداری از استحکامات محرمانه نظامی و...)، اصلاً ارتباطی با کار خبری و حرفه خبرنگاری و روزنامه‌نگاری و تحلیلی‌گری اجتماعی ندارند و از آنطرف



الهه محمدی، نیلوفر حامدی

باید حکم پرونده صادر می‌شد، اما با وجود گذشت حدود ۲ ماه از آخرین جلسه دادگاه، این اتفاق نیفتاده.» او در ادامه با اشاره به تأکید وکلای نیلوفر حامدی و الهه محمدی بر لزوم آزادی آنها نوشته که «در قانون هر ماه ۳۰ روز و بنابراین یک سال ۳۶۰ روز است و روز ابتدا و انتها هم محاسبه نمی‌شود. از بازداشت نیلوفر حامدی ۳۶۳ روز می‌گذرد.»

نیلوفر حامدی و الهه محمدی دو روزنامه‌نگاری هستند که به ترتیب در روزنامه «شرق» و «هم‌میهن» شاغل بودند و گزارش‌هایی جداگانه از جزئیات به کما رفتن، بستری شدن و جان باختن مهسا امینی و مراسم خاکسپاری او در شهر سقز منتشر کرده بودند.

چند روز پس از آغاز اعتراضات سراسری به قتل حکومتی مهسا امینی و در بامداد ۳۱ شهریور مأموران با حضور در منزل نیلوفر حامدی او را بازداشت کردند، همان روز وسایل الکترونیکی الهه محمدی هم ضبط اما این روزنامه‌نگار یک هفته بعد بازداشت شد.

با وجود آزاد شدن اکثر روزنامه‌نگارانی که در جریان جنبش اعتراضی سال گذشته بازداشت شده بودند، نیلوفر حامدی و الهه محمدی همچنان در زندان هستند. برای این دو روزنامه‌نگار هنوز حکمی صادر نشده و مشخص نیست چرا بازداشت آنها بیش از شش ماه به طول انجامیده است. مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضائیه ۱۷ آبان اتهام این دو روزنامه‌نگار را «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام» عنوان کرد و گفت: «در این فاصله و در روند تحقیقات اگر عناوین اتهامی دیگری مطرح شود مورد اعمال نظر و رسیدگی قرار خواهد گرفت.» بنیاد روزنامه‌نگاری «نیمن» در دانشگاه هاروارد جایزه لیون ۲۰۲۳ برای وجدان و صداقت حرفه‌ای را به این دو روزنامه‌نگار زندانی اهدا کرد.

پیشتر هم انجمن روزنامه‌نگاران کانادایی حامی آزادی بیان، جایزه بین‌المللی مطبوعات در حوزه شجاعت و حقیقت‌گویی در گزارش را به نیلوفر حامدی و الهه محمدی اعطا کرده بود.

ما اصل ۳۶ قانون اساسی را داریم که به تبیین اصل بنیادین قانونی بودن جرم و مجازات می‌پردازد و همچنین در اصل ۳۷ قانون اساسی بر اصل شرعی براءت تأکید می‌شود. با توجه به مجموع این موازین قانونی، به نظر من هم هیچ محملی برای صدور حکم محکومیت موکل به اتهامات بی‌ارتباطی مانند همکاری با دولت متخاصم یا اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت وجود ندارد.»

محمدحسین آجورلو خبرنگار ورزشی و همسر نیلوفر حامدی نیز امروز در توئیتر نوشته که «بر اساس قانون، بازداشت نیلوفر حامدی و الهه محمدی با اتهامات کتونی،



نباید بیشتر از یک سال طول بکشد. دیروز یک «سال قانونی» بازداشت نیلوفر به پایان رسید و پرتو برهانپور وکیل او با ارائه لایحه به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب و سایر مراجع ذیصلاح، خواستار پایان بازداشت و آزادی نیلوفر شد.»

همسر نیلوفر حامدی در ادامه نوشته که «الناز محمدی در دادگاه از اتهام ارتباط با دولت متخاصم تبرئه شده و قاعدتاً الهه و نیلوفر هم با توجه به شباهت کیفرخواست با او باید تبرئه شوند. طبق قانون، حداکثر ۷ روز پس از دادگاه

مبانی حق و آزادی در نظریه سیاسی بین‌المللی

بخش دو: تحولات اولیه و تکاملی گفتمان حقوق بشر



● هرگاه از حقوق بشر سخن به میان آید، باید آن را در چارچوب گفتمان حقوق بشر در فهم متعارف آن که بطور عمده دربرگیرنده مجموعه حقوق فردگرایانه مدنی و سیاسی است، در نظر گرفت. این گفتمان اصلی حقوق بشر حاوی اسناد و مدارکی حقوقی است که بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمده و مورد شناسایی جهانی قرار گرفته است. این گفتمان با صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر پا به عرصه ظهور نهاده و سپس با اسناد حقوقی دیگری شامل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تکمیل شده است.

محمود مسائلی - این مجموعه نوشتار از کتابی با عنوان «مبانی حق و آزادی در نظریه سیاسی بین‌المللی» انتخاب شده و از این پس با تغییرات و اصلاحاتی در اختیار شما قرار می‌گیرد. هرچند که این کتاب برای استادان و دانشجویان این رشته تهیه شده، اما سعی کرده‌ام تا جایی که ممکن است مباحث آن را به زبان ساده بازنویسی کنم تا برای همه علاقمندان قابل درک باشد.

صدور اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه در سال ۱۷۸۹ را باید به عنوان سرآغازی برای ظهور حقوق بشر به معنی امروزی، یعنی ضرورت شناسایی حقوق مدنی و سیاسی همه شهروندان، به حساب آورد. این اعلامیه الگویی را به جهانیان معرفی کرد تا براساس آن به درک اهمیت و شناسایی حقوق آزادی، مالکیت، امنیت، مقاومت در برابر ظلم برای همه شهروندان، و اهمیت اراده عمومی برای اداره کشور واقف شوند. بدون اینکه نیاز باشد وارد جزئیات این‌گونه شهادت‌های تاریخی درباره آرمان رهایی‌بخش حقوق بشر بشویم، فقط باید تاکید کرد که حقوق بشر به معنی امروزی آن پدیده‌ای کاملاً معاصر و برگرفته از تصدیق حقوق بنیادینی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر [۱] و سپس در اسناد حقوقی دیگر که عمدتاً توسط سازمان ملل متحد بوجود آمده‌اند، تبلور یافته است.

بنابراین، برای سهولت در مطالعات حقوق بشری می‌توان سیر تکوین آن را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد. دوره اول دربرگیرنده ظهور «آرمان و عقیده حقوق بشر» و مربوط به دورانی است که ضرورت تلاش برای حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی به گونه‌ای محدود و مقطعی در عقاید و اندیشه‌های فلسفی، آراء و متون مذهبی و یا در اسنادی مانند فرمان کوروش کبیر و روش حکومتی او، یافت می‌شود. اما چنین ظهوری فقط در حد آرمان‌های پراکنده‌ای است که آنها را می‌بایست به عنوان بخشی از منابع الهام حقوق بشر مدون و مدرن به حساب آورد.

دوم به جریانات فلسفی آزادیخواهی عصر مدرن اروپایی اطلاق می‌شود که به موجب آن آرمان‌های پیشین درباره حقوق بشر به تدریج به سوی سامان یافتن فلسفی و نظریه‌پردازی سیاسی کشیده شده و پایه‌های فلسفه سیاسی مدرن را بنیاد نهادند. در واقع از قرن چهاردهم میلادی که ریشه‌های عصر نوزایی فیهیختگی انسانی [۲] شکل گرفت، دوره نوینی در حیات بشری ظهور کرد که با خود نوعی عقل‌گرایی انسانی را برای پایان بخشیدن به عصر پیش‌مدرن نوید می‌داد. بطور طبیعی این عقل‌گرایی بر شناسایی و

«روشنگری خروج انسان از عدم بلوغ خودتحمیلی است. این عدم بلوغ به معنی ناتوانی در به کار بردن قدرت فهم خویش بدون راهنمایی دیگری است. علت اصلی این عدم بلوغ خودتحمیلی است نه در سفیه بودن ذاتی انسان بلکه در فقدان عزم و شهامت در به‌کار گرفتن قدرت فهم خود بدون راهنمایی دیگری؛ بنابراین شعار روشنگری این است: شهامت داشته باشد تا فهم مستقل خود را به کار بگیری!» (کانت، ۱۷۸۴)

از نقطه نظر فلسفه روشنگری چنین بلوغی در اندیشه انسانی، بیانگر چنین ویژگی برای فقط پاره‌ای از انسان‌ها نیست، بلکه اصل استوار و غیرقابل انکاری است که انسان و انسانیت با آن تعریف می‌شود. بر اساس چنین فهم روشنگرانه‌ای است که حقوق بشر در متعالی‌ترین شکل خود پا به عرصه حیات اجتماعی می‌گذارد. ولی با وجود همه این بشارت‌های انسانی خود، حقوق بشر نتوانست دربرگیرنده حقوق همه مردم حتی در کشورهای بانی حقوق بشر مثل انگلیس باشد. به همین دلیل، از قرن نوزدهم شکاف‌هایی در اندیشه‌های انسان‌دوستانه ظهور کرده و عملاً سه جریان فکری اصلی در خصوص تعریف انسان و حقوق او به وجود آورد.

جریان فکری اول که نولیبرالیسم خوانده می‌شود، توسط کارل منگر [۵] و لودویگ فن مایسس [۶] که از بنیانگذاران مکتب اقتصادی اتریش به شمار می‌روند، در نیمه دوم قرن بیستم به وجود آمد. این جریان به مفهومی از انسان مجرد و انتزاعی نظر دارد که از بافت و ریشه‌های تاریخی و اجتماعی خود جدا شده و خود را به عنوان نماینده متقن و محکم ارزش‌های آزادیخواهی در جهانی که بر مبنای نظریه اقتصاد بازار قرار دارد، معرفی می‌کند.

جریان دوم به لیبرالیسم اجتماعی معروف است و توسط توماس گرین [۷] نمایندگی می‌شود. این جریان نیز که مولود شرایط نابرابر زندگی قرن نوزدهم است، دیدگاهی معطوف به عدالت اجتماعی و انسانی‌سازی روابط اجتماعی را در متن و بطن همان سنت فلسفی لیبرال دنبال می‌کرد. ←

تصدیق حقوق و آزادی‌های اساسی آنگونه که در نظریه‌های حقوق طبیعی تصریح شده‌اند، اصرار می‌ورزید.

سوم، به تدریج طی قرون ۱۶ و ۱۷ خردگرایی فلسفی به مرحله بلوغ خود نزدیک شد و انسان را معیار سنجش همه رفتارها معرفی نمود. در این دوره است که «آرمان‌های بشردوستانه شکل نظری منسجم و عام به خود گرفتند تا بتوانند آمادگی برای ورود به روابط اجتماعی داشته باشند. این تحول و دگرگونی همراه بود با ظهور انسان مدرن به عنوان موجود عقلانی مستقل و به لحاظ اجتماعی مسئولیت‌پذیر که آمادگی پذیرش نقش‌های اجتماعی سیاسی جهانشمول را پیدا می‌کرد.

و چهارم، در پرتو چنین دگرگونی‌هایی است که ویژگی‌های عصر مدرن از عصر پیش‌مدرن جدا می‌شود. در واقع دوران مدرن که بازتاب دهنده ظهور فردیت انسان مستقل و به‌واسطه آن ارزش و حقوق ذاتی اوست، این دوره را از عصر پیش‌مدرن جدا می‌سازد. افزون بر این، در عصر مدرن گفتمان حقوق بشر از فرضیات پیش‌مدرن فاصله گرفته و مفاهیم فردیت، ارزش و حیثیت انسانی، موضوعات مرتبط با آزادی و برابری به‌عنوان ساختارهایی اجتماعی و با تکیه بر عقلانیت مستقل انسانی، الهام‌بخش نهضت‌های رهایی‌بخش اروپایی شدند. ولی آرمان حقوق بشر که در متن اندیشه و تحولات مدرن اجتماعی و سیاسی اروپایی به سوی نظریه شدن مدون سیر می‌کرد، در محدوده اروپایی خود محبوس مانده و نتوانست به سرزمین‌های استعمار شده و یا کشورهایی که مستقل از اروپای آن زمان بودند برسد. سرانجام، در عصر روشنگری، یا دوران عقل‌گرایی، مفهوم انسان از محدودیت‌های تحمیلی نظام سلسله مراتبی تیولداری اشرافیت قرون وسطایی و یا انقیاد مذهبی [۳] توسط کلیسا رهایی یافته و دارای این اختیار شد که بتواند هویت مستقل خود را تعریف نماید. در نهایت، این سیر تحولات تاریخی به تعریفی از انسان مستقل دست یافت که بهترین توصیف آن را می‌توانیم در ابتدای مقاله «روشنگری چیست» [۴] از امانوئل کانت بیابیم:

→ از نظر علاقمندان به این دیدگاه هر نوع مفهومی از آزادی و حق باید بطور عینی و عملی در شرایط اجتماعی و زندگی انسان مفهوم و تبلور یابد [۸]. در حالی که جریان فکری اول مفروضات فلسفی خود را بر آزادی‌های منفی [۹] و یا سلبی قرار می‌دهد، جریان دوم به مفهوم آزادی‌های مثبت و یا ایجابی [۱۰] نظر داشته و خواهان اقداماتی برای آزادی و رهایی دیگران و حمایت از حقوق اجتماعی و اقتصادی افراد ستمدیده به ویژه طبقات کارگری و محروم است. ۱

دوره همین سنت لیبرال اجتماعی است که راه را برای سیاست‌های اصلاح اقتصادی و رفاه اجتماعی کینزی [۱۱] در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم هموار ساخت. این نگرش اصلاح‌گرایانه‌ی متمایل به اصول سیاسی و اقتصادی سوسیالیسم غیرمارکسیستی مورد تأیید دولت آمریکا در دوران بعد از جنگ دوم جهانی با هدف احیای اقتصادی و اصلاحات اجتماعی قرار گرفت. علاوه بر این، سیاست‌های مشابه حمایت اجتماعی در کشورهای حوزه اسکندیناوی، آلمان و نیز تا حدودی در کانادا دنبال شد. جریان اول، یعنی نولیبرالیسم، با اصرار بر مفهوم آزادی‌های منفی به دفاع از نظریه عدم مداخله دولت در امور اقتصادی پرداخته و هوادار نظام بازار آزاد و به‌واسطه آن سرمایه‌داری جهانی باقی ماند. ادامه تکمیلی این جریان است که فلسفه اختیارگرایی [۱۲] قراردادی به زعامت رابرت نوزیک [۱۳] و سپس در سال‌های پایانی دهه ۸۰ ظهور سرمایه‌داری سلطه‌گر جهانی [۱۴] به رهبری محافظه‌کاران نوین و در نهایت همگرایی واشنگتن [۱۵] را به دنبال آورد. جریان متأخر مدافع اصلی نسل اول حقوق بشر است، در حالی که جریان پیشین تأثیرگذار بر ظهور نسل دوم و تا حدود زیادی نسل سوم حقوق بشر بوده است.

از آنجا که هر دو جریان اصلی در واقع انشعاباتی در درون فلسفه لیبرال بوده‌اند، نباید آنان را با جریانات بنیادشکن مارکسیستی یا دولت‌های توسعه [۱۶] و یا حتی اقتصادهای نوظهور و مبتنی بر اقتصاد بازار [۱۷] اشتباه گرفت. نمودار زیر جریانات اصلی فکری حقوق بشر در قرن نوزدهم را به معرض نمایش می‌گذارد.

به هر حال، مدافعان نسل اول حقوق بشر چشم بر نابرابری‌های اجتماعی فرو بسته و از تصدیق حقوق برابری اقتصادی و اجتماعی روی بر می‌گردانند. در عین حال، هم به لحاظ تاریخی و هم از نقطه نظر سیاست‌های معاصر جهانی، به منادان و آمران اصلی استعمار و سرکوب ملل غیراروپایی تبدیل می‌شوند. با توجه به این پیش‌زمینه‌هاست که نظریه‌پردازی حقوق بشر را باید در مجموعه‌ای از امیدها و هراس‌ها، ابعاد متضاد انسان‌دوستانه و سرکوب‌گرایانه، توسعه اندیشه‌های جهانشمول ولی آمیخته با سرمایه‌داری سودپرستانه جهانی مورد نظر و توجه قرار داد.

دوره سوم را هم باید در ادامه سیر تکوین حقوق بشر در نظر گرفت که به‌موجب آن نظریه حقوق بشر از یکسو از ابعاد و ویژگی‌های فلسفی اروپایی خود فراتر رفته و تبدیل به گفتمانی جهانی می‌شود. از دیگرسو، حقوق بشر به سمت نهادینه شدن گفتمان گراییده و ابعاد ضمانت اجرایی در حیطه بین‌المللی به خود می‌گیرد.

فهم متعارف از حقوق بشر یا گفتمان حقوق بشر جاری، دربرگیرنده مفاهیم و نظریه‌های حقوق بشری این دوره سوم است. بنابراین ضروری است که سیر تکوین گفتمان حقوق بشر از دگرگونی از آرمان‌های فلسفی به نظریه‌شدن و سپس تبدیل آن به گفتمانی به لحاظ بین‌المللی نهادینه شده مورد مطالعه قرار گیرد.

دوره چهارمی را نیز می‌توان به اختصار معرفی کرد که

به‌موجب آن حقوق بشر در قامت گفتمانی جهانی و عام ماموریت رهایی همه انسان‌ها را به عهده می‌گیرد.

به هر حال هرگاه از حقوق بشر سخن به میان آید، باید آن را در چارچوب گفتمان حقوق بشر در فهم متعارف آن که بطور عمده دربرگیرنده مجموعه حقوق فردی و مدنی و سیاسی است، در نظر گرفت. این گفتمان اصلی حقوق بشر حاوی اسناد و مدارکی حقوقی است که بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمده و مورد شناسایی رسمی جهانی قرار گرفته است. این گفتمان با صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر پا به عرصه ظهور نهاده و سپس با اسناد حقوقی دیگری شامل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی [۱۸] و نیز میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی [۱۹] تکمیل شده است. این مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر به «منشور بین‌المللی حقوق بشر» [۲۰] معروف است. به تدریج و بنا بر تحولات جامعه بین‌المللی، اسناد حقوقی دیگری نیز پا به عرصه ظهور گذاشتند به گونه‌ای که امروزه این گفتمان را به عنوان آیینی جهانی نمایندگی می‌کنند. مهم‌ترین این اسناد شامل موارد زیر است:

مقاله‌نامه حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۷۹
مقاله‌نامه علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز در سال ۱۹۸۴
مقاله‌نامه حقوق کودک در سال ۱۹۸۹
مقاله‌نامه حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها در سال ۱۹۹۰
مقاله‌نامه حمایت از ناپدیدشدگان اجباری در سال ۲۰۰۶
مقاله‌نامه حقوق افراد دارای معلولیت در سال ۲۰۰۶
به همراه این اسناد بین‌المللی، ۹ پروتکل اختیاری نیز به تصویب رسیده و مجموعه این اسناد را تکمیل کرده است. نظر به اینکه جزئیات دقیق همه این اسناد حقوقی در تارنمای رسمی سازمان ملل متحد وجود دارد و یا به آسانی می‌توان آنها را در مجموعه اسناد حاضر در بسیاری از نهادهای رسمی بین‌المللی یافت و برای جلوگیری از اطاله کلام از توضیح آنها خودداری می‌شود.
دو سند حقوقی نخستین که از درون تحولات رهایی‌بخش

اروپای قرون ۱۷ و ۱۸ برای پایان بخشیدن به رنج‌های بشری سرچشمه می‌گیرند و بطور عمده دربرگیرنده دو حق بنیادین مدنی و سیاسی هستند، «جریان اصلی حقوق بشر» [۲۱] را تشکیل می‌دهند. منبع الهام جریان اصلی که به نسل اول حقوق بشر معروف است، فلسفه آزادی لیبرال است و به همین دلیل کشورهای لیبرال دموکراسی مدافعان اصلی آن هستند. از آنجا که این گفتمان فراخوانی است به رهایی آحاد انسانی از استبداد سیاسی، به خوبی توان جذب مردم جوامع غیرلیبرال را داشته و به عنوان گفتمانی جهانشمول در سراسر جهان با استقبال عمومی همراه شده است.

سند دیگر، منشور بین‌المللی حقوق بشر، یعنی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که متأثر از نظریه‌های سوسیالیستی (ولی نه ضرورتاً مارکسیستی) است و به نسل دوم حقوق بشر هم موسوم است، چالشگر عمده جریان اصلی حقوق بشر به شمار می‌رود. چالش متقابل این دو جریان عمده فلسفی و حقوقی مرتبط با حقوق بشر تأثیر زیادی به‌ویژه بر روابط میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته نیز داشته است. لازم به یادآوری است که چالش‌های مطروحه در قبال جریان اصلی فقط محدود به گفتمان سوسیالیستی نسل دوم نیست، بلکه آنگونه که توضیح داده خواهد شد، طیف وسیعی از نظریه‌ها و باورهای فرهنگی- هویتی را شامل می‌شود که در قالب نسل‌های سوم تا پنجم حقوق بشر عرضه شده‌اند.

این پیچیدگی‌های تاریخی، فلسفی، مفهومی و حقوقی پرسش‌های بنیادینی را در مرکز گفتمان حقوق بشری قرار می‌دهد. به عنوان مثال آیا حقوق بشر تنها بر اساس مبانی و مفروضات فلسفی اروپامحور و فقط برای گروه خاصی از انسان‌ها که در مرزهای جغرافیایی مشخصی زندگی می‌کنند، تعریف شده و قابلیت الزام دارد، یا اینکه گفتمانی است که باید از محدودیت‌های مفهومی نسل اول فراتر رفته و به نوعی تعریف شود که تمامی انسان‌ها را در بافت واقعی فرهنگی و هویتی آنان خطاب قرار دهد؟ به عبارت بهتر آیا گفتمان باید فقط محدود به حقوق مدنی و سیاسی باشد، یا اینکه انواع پیچیده‌تر حقوق بشر را نیز در برگیرد؟

economics is a theory that says the government should increase demand to boost economic growth. Keynesianism is an interventionist approach in political economy

- [۱۲] Libertarianism or libertarian philosophy
- [۱۳] Robert Nozick (۱۹۲۸-۲۰۰۲), American philosopher, best known for his rigorous defense of libertarianism in his first major work, Anarchy, State, and Utopia (۱۹۷۴)
- [۱۴] Neoliberal global capitalism
- [۱۵] Washington Consensus
- [۱۶] The Developmental State is a term coined by Chalmers Johnson that is used to describe states which follow a particular model of economic planning and management
- [۱۷] Mixed Economies, or Emerging Market Economies is a system that combines characteristics of market, command and traditional economies
- [۱۸] International Covenant on Civil and Political Rights, adopted by United Nations General Assembly Resolution ۲۲۰۰A (XXI) on ۱۶ December ۱۹۶۶, and came in force from ۲۳ March ۱۹۷۶
- [۱۹] International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, adopted by the United Nations General Assembly on ۱۶ December ۱۹۶۶ through GA. Resolution ۲۲۰۰A (XXI), and came in force from ۳ January ۱۹۷۶
- [۲۰] International Bill of Human Rights
- [۲۱] The mainstream human right discourse

*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاتو و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد
[۱] Universal Declaration of Human Rights adopted by the General Assembly of the United Nations on the ۱۰th of December of ۱۹۴۸.

- [۲] Renaissance is a French word meaning “rebirth.” It refers to a period in European civilization that was marked by a revival of Classical learning and wisdom.
- [۳] Religious conformity
- [۴] Kant, I. (۱۷۸۴). What is Enlightenment?
- [۵] Carl Menger (۱۸۴۰-۱۹۲۱), the founder of the Austrian School of Economics, is one of the pioneers of modern economics with the ۱۸۷۱ publication of his classic work, Principles of Economics
- [۶] Ludwig von Mises (۱۸۸۱-۱۸۸۳) was an economist of the Austrian school of Economics, who argued for free markets and against socialism, interventionism, and government manipulation of money
- [۷] Thomas Hill Green (۱۸۳۶-۸۲), an English philosopher, political radical and temperance reformer, and a member of the British idealism movement
- [۸] به فصل ششم از جلد دوم کتاب حقوق بشر با عنوان حقوق بشر و مفهوم غیر عمومی-مراجعه نماید

- [۹] Negative freedom
- [۱۰] Positive freedom
- [۱۱] Founded and developed by the British economist John Maynard Keynes in the ۱۹۳۰s, Keynesian

گزارش میدانی؛ مشکلات هزارلایه آموزگاران در وزارتخانه‌ی فربه اما نحیف آموزش و پرورش



تجمع اعتراضی فرهنگیان بازنشسته / کرج / ۳ مرداد ۱۴۰۲

قرار می‌دهند که مجبور شوند در دو شیفت تدریس کنند.» وی اضافه می‌کند: «من خودم چند سال دوشیفت کار کردم، دو سال اول که با رودربایستی مدیر مدرسه بود که از من خواهش کرد: کلاس خالیه دو شیفت بردار! پارسال وسوسه‌انگیز بود و کار کردم چون به من و همکارانم گفتند شیفت دوم را برای شما ۲۴ ساعت رد می‌کنیم، یعنی یک حقوق کامل. اما فقط ۴ ماه از حقوق شیفت دوم را گرفته‌ام و حقوقم را کامل رد نکرده‌اند. ساعت کاری را که برای شیفت دوم ۲۴ ساعت اعلام کردند فقط ۲۰ ساعت رد کردند و حقوق من که ۹ میلیون است و باید با پایه حقوق محاسبه شود برای شیفت دوم یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان شد. وقتی حقوقم را دیدم شوکه شدم، از طرفی حقوق بقیه سال را هم بابت شیفت دوم با من تسویه نکرده‌اند.»

خسرو معلم خرید خدمات درس ریاضی مقطع متوسطه ساکن اراک به این گفتگو می‌پیوندد: «یکسری از معلمان را به اجبار وادار به کار می‌کنند مثلاً به برخی نیروهای خرید خدمات اعلام کرده‌اند که یا باید دو شیفت کلاس بردارید یا اصلاً سر کلاس نیایید. این واقعا بی‌انصافی و اجبار است، معلم می‌گوید امسال را دو شیفت بردارم که یک نتیجه‌ای برابرم داشته باشد، اما در انتهای بخشنامه آموزش پرورش آمده که این وزارتخانه هیچ تعهدی نسبت به نیروهای خرید خدمات ندارد، یعنی اگر امسال دو شیفت و حتی سه شیفت هم کار کنیم آموزش و پرورش هیچ تعهدی ندارد ما را استخدام کند، با این شرایط معلمان خرید خدمات هیچ انگیزه‌ای ندارند، تصور کنید با وجود خستگی ناشی

سال متوالی گریبان آموزش و پرورش و آموزگاران را گرفته است.

مهناز آموزگار دوره ابتدایی ساکن پردیس با اشاره به اینکه اجرای طرح رتبه‌بندی معلمان نتوانسته تغییر مثبتی ایجاد کند به کیهان لندن می‌گوید: «وضعیت آموزش و پرورش بسیار اسفناک است و وضعیت معلم‌ها از همه بدتر؛ حقوق بسیار پایین، توقعات بسیار بالا، یک مقدار هم که بخواهند به حقوق معلمان اضافه کنند اول همه جا اعلام می‌کنند که قرار است به حقوق معلمان اضافه شود ولی هیچی اضافه نمی‌شود! این سری گفتند رتبه‌بندی حقوق معلمان را رعایت می‌کند اما اوضاع ما را بدتر کرد. وبسایتی معرفی کردند تا مدارکمان را آنجا بارگذاری کنیم، ولی وبسایت یا قطع می‌شد یا مدارکمان را بارگذاری می‌کردیم و دو روز بعد می‌دیدیم همه اطلاعات از وبسایت پریده! این وبسایت حتی یکسری مدارک را اصلاً قبول نمی‌کرد.»

علیرضا آموزگار دبستان است و ۲۲ سال سابقه‌ی تدریس دارد. او با اشاره به اینکه عملکرد آموزش و پرورش از نظر پرداخت حقوق و جذب نیروی جدید بسیار ضعیف است، چون به دلیل کمبود منابع مالی نمی‌خواهد برای پرداخت بیمه و حقوق به نیروی جدید متعهد شود می‌افزاید «این در حالیست که آموزش و پرورش از جمله سازمان‌هایی است که ظرفیت استخدام نیروی جدید را دارد. مثلاً در رودهن منطقه‌ای که من تدریس می‌کنم نصف کلاس‌های مدارس خالیست و بطور مرتب معلمان شاغل یا نیروهای بازنشسته را دعوت به کار می‌کنند یا معلمان شاغل را طوری در فشار

● «آندسته از نیروهای خرید خدماتی که در سال‌های قبل با آنها قرارداد داشته‌اند اگر امسال مراجعه کنند حتماً باید دو شیفت کار کنند وگرنه قرارداد تازه با آنها امضا نمی‌کنند و باز هم تاکید کرده‌اند که برای استخدام این نیروها هیچ تعهدی ندارند.»

● «پیش از شروع تابستان برای بررسی نحوه برخورد با دانش‌آموزان بیش‌فعال، شناسایی اختلالات یادگیری و چگونگی آموزش به آنها به اداره منطقه آموزش و پرورش شهرستان درخواستی برای برگزاری دوره‌های تخصصی ارسال کردیم، در مقابل لطف کردند و برای ما طرح «اتقان» (ارتقای توانمندی قرآنی!) برگزار کردند.»

● «پارسال تعهدنامه‌ای امضا کردیم که یکی از بندهای آن نپوشیدن کفش پاشنه بلند، نپوشیدن مانتوی کوتاه و چسبان و همینطور استفاده نکردن از رنگ‌های شاد در پوشش بود. در این تعهدنامه آمده که اگر در مدرسه محل کار ما همکار مرد داریم حتماً باید چادر بر سر کنیم.»

فیروزه نوردستروم- مشکلات آموزش و پرورش در ایران یکی دو تا نیست و سال به سال بر تعداد مشکلات و ناکارآمدی‌های این وزارتخانه‌ی فربه اما به شدت نحیف افزوده می‌شود. با وجود وعده‌های مسئولان آموزش و پرورش، مشکلاتی چون کمبود شدید نیروی انسانی، حقوق کم در برابر کار زیاد، بلاتکلیفی معلمان و مربیان حق‌التدریسی، نبود ساماندهی استخدام قراردادی و پرداخت نشدن حقوق و مزایای آنها همچنان برای چندمین

پردیس بروند در آنجا سوار سرویس شوند تا در سه راه تهرانپارس یا اتوبان «بابایی» پیاده شوند و از آنجا به بعد را باید هزینه کنند و به خانه بروند. ماها هم که بومی هستیم اجازه استفاده از سرویس را نداریم!»

علیرضا در ادامه به نبود آموزش حرفه‌ای به دانش‌آموزان بیش‌فعال و دارای اختلال یا کمبود اشاره می‌کند و می‌گوید: «پیش از شروع تابستان برای بررسی نحوه برخورد با دانش‌آموزان بیش‌فعال، شناسایی اختلالات یادگیری و چگونگی آموزش به آنها به اداره منطقه آموزش و پرورش شهرستان درخواستی برای برگزاری دوره‌هایی تخصصی ارسال کردیم. در مقابل لطف کردند و برای ما طرح «اتقان» را برگزار کردند، «توانمند کردن آموزگار در درس قرآن»! معلوم نیست به چه دلیل این طرح بی‌ارتباط را در پاسخ به درخواست ما ارائه کردند، هفته‌ای یکبار به مدت یک ماه در کلاس‌های حضوری شرکت کردیم و تجوید و روخوانی قرآن را به ما یاد دادند! در این کلاس‌ها خیلی تاکید کردند که از امروز به بعد مسئولید! «راهبر قرآن» هستی! باید روی دانش‌آموزان تاثیر بگذارید! ما فقط سه ماه تعطیلات تابستان را داریم که یک ماه آن را سر این موضوع به هدر دادند، بعد از اینکه امتحان آن دوره را برگزار کردند آمدند ۶۰ ویدیو در مورد تفسیر قرآن از جزء ۳۰ قرآن در وسایت «آپارات» برای ما فرستادند و گفتند باید تا پایان شهریور این ۶۰ فیلم را دیده باشید و بعد امتحان پس بدهید! در حالی که دغدغه ما آموزگاران به‌خصوص در مقطع ابتدایی آماده ساختن یکسری وسایل کمک‌آموزشی برای دانش‌آموزان جهت آغاز سال تحصیلی است با این دوره‌های امتحانی قرآنی فقط وقت ما را هدر دادند.»

مهناز در ادامه این بحث با بیان اینکه در حال حاضر شدیدترین سختگیری‌ها بیشتر روی معلمان است تا دانش‌آموزان تاکید می‌کند: «برای مثال ارسال تعهدنامه‌ای امضا کردیم که یکی از بندهای آن نپوشیدن کفش پاشنه بلند، نپوشیدن مانتوی کوتاه و چسبان و همینطور استفاده نکردن از رنگ‌های شاد در پوشش بود. در این تعهدنامه آمده که اگر در مدرسه محل کار ما همکار مرد داریم حتما باید چادر بر سر کنیم.»

سختگیری در گزینش فرهنگیان نیز یکی دیگر از بلایایی است که در بدو ورود گریبان متقاضیان ورود به آموزش و پرورش را می‌گیرد.

علیرضا در این زمینه می‌گوید: «معلمان دو نوع سنجش دارند، سنجش عقیدتی و سیاسی و یک مصاحبه کاری؛ در مصاحبه کاری چند سوال در مورد تدریس می‌پرسند ولی در بین این سؤالاها موضوع عقیدتی و سیاسی هم مطرح است، مثلا می‌گویند یک طرح درس بنویس اگر در کلاس، دانش‌آموزی با فلان شرایط داشتی چطوری تدریس می‌کنی؟ چه پیش‌زمینه‌ای داری؟ چطوری ایجاد انگیزه می‌کنی؟ ولی مهم‌تر از مصاحبه کاری، برای آموزش و پرورش گزینش «عقیدتی- سیاسی» است. یکسری سوالات دینی از ما می‌پرسند، مثلا نظرت در مورد ولایت فقیه چیست؟ مرجع تقلیدت کیست؟ در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کنی یا نه؟ در ماه‌های اخیر پرسیده بودند که برخورد شما با اغتشاشگران چگونه است؟ اگر کسی در این گزینش رد شود هرقدر هم از مدرک و سطح علمی بالایی برخوردار باشد رد شده و او را استخدام نمی‌کنند ولی اگر در مصاحبه کاری رد شوید به شما یک فرصت دوباره می‌دهند و می‌گویند برو این نواقص را جبران کن و دوباره در مصاحبه، درواقع در امتحان، شرکت کن!»

* نام گفتگوکنندگان در این گزارش واقعی نیست.

کردند دو شیفت برداریم. آنجا یک خانم معلم به مدیر بخش می‌گفت شاید یکی نتونه از اواسط سال بیاد تکلیف دو شیفت‌اش چی میشه؟ خانم مدیر پرسید چرا نیادا؟ او جواب داد: مثلا باردار بشه. گفت نه نمیشه! اگر تصادف هم کنه باید بیادا!»

در ادامه مهناز نیز به همین بخشنامه جدید آموزش و پرورش در مورد نیروهای خرید خدمات اشاره می‌کند که در آن تاکید شده آندسته از نیروهای خرید خدمات که در سال‌های قبل با آنها قرارداد داشته‌اند اگر امسال مراجعه کنند حتما باید دو شیفت کار کنند وگرنه قراردادی با آنها امضا نمی‌شود: «باز هم تاکید کرده‌اند که برای استخدام این نیروها هیچ تعهدی ندارند، همین دلیل یکسری از همکاران مایل نیستند که قرارداد آنها تمدید شود چون آینده آنها تضمینی ندارد، یکسری هم مایل نیستند دو شیفت کار کنند چون فشار کاری بسیار زیادی را باید در کلاس‌های پرجمعیت تحمل کنند. از طرفی مسئله عدم پرداخت حقوق هم هست؛ برای شیفت دوم حقوق‌ها به درستی پرداخت نمی‌شود، بعد از چند ماه بدون محاسبه دقیق یک مبلغ ناچیز پرداخت می‌کنند. مسلم است هیچ همکاری مایل نیست اینطوری دو شیفت تدریس کند.»

وی با اشاره به اینکه پایمال شدن حقوق معلمان در آموزش و پرورش را به اشکال مختلف تجربه کرده است می‌گوید: «مثلا من معلم کلاس اول دبستان با ۲۰ سال سابقه تدریس ابتدا در بخش نیروهای آزاد و جزو معلمان پیش‌دبستانی بودم، خودم را به صورت آزاد بیمه کردم و وقتی بعد از ۱۰ سال به عنوان نیروی حق‌التدریس جذب آموزش و پرورش شدم در حکم من فقط همان سابقه حق‌التدریسی ثبت شد یعنی با ۲۰ سال سابقه تدریس در حکم من ۵ سال سابقه نوشته شد و آن ۱۵ سال تدریس به عنوان نیروی آزاد اصلا محاسبه نشد. وقتی اعتراض کردم و گفتم حق بیمه پرداخت کردم گفتند چون آن بیمه آزاد بوده بعدا برای بازنشستگی در سابقه بیمه شما محاسبه می‌شود و ارتباطی به سابقه کار شما ندارد. در همان زمان شروع به کار به عنوان معلم پیش‌دبستانی در آموزش و پرورش اعلام کرده بودند که ما هیچ تعهدی برای استخدام نیروهای پیش‌دبستانی نداریم. نه تنها حق من و امثال من ضایع شد و سابقه تدریس ۱۵ ساله من نادیده گرفته شد بلکه حق نیروهای خرید خدمات هم ضایع شده؛ نیروهایی که در سطح نیروهای رسمی کار می‌کنند ولی در آموزش و پرورش به حساب نمی‌آیند.»

خسرو به موضوع آموزش معلمان و لزوم برگزاری کارگاه‌های روش تدریس اشاره می‌کند: «در حال حاضر معلمان باتجربه و کاربلد به صورت خصوصی کارگاه‌های روش تدریس برگزار می‌کنند و هزینه هر کارگاه از ۳۰۰ تا یک میلیون تومان است، در حالی که برگزاری این کارگاه‌ها برای معلمان وظیفه آموزش و پرورش است نه خود معلمان!» وی در مورد نابسامانی سرویس و جایجایی معلمان نیز توضیح می‌دهد: «سرویس تقریبا حذف شده؛ از تهران خبر ندارم چون نبودم ولی برای همکارانی که از تهران آمده‌اند قبلا در هر منطقه‌ای یک اتوبوس بود که معلمان را تا مقابل مدرسه آنها می‌رساند ولی در حاضر برای همکارانی که از تهران به پردیس می‌آیند فقط دو اتوبوس تعیین شده، یکی در سه راه تهرانپارس و اتوبوس دیگر در اتوبان «بابایی» توقف دارد. همکاران ساکن در جنوب و شرق به تهرانپارس و همکاران ساکن غرب تهران باید با اتوبوس به اتوبان «بابایی» بروند از آنجا سوار اتوبوس شوند و آنها را نه مقابل مدرسه بلکه در میدان اصلی پردیس پیاده می‌کنند؛ هر همکار باید دوباره مسیری را تا مدرسه خودش طی کند؛ برگشت هم همین بساط است. دوباره تا میدان اصلی

از شیفت اول، شیفت دوم را هم درس می‌دادم بعد حقوق نمی‌دادند! در فروردین از کل شش ماه دو شیفت تدریس فقط ۴ ماه به من حقوق دادند، آنهم ۱ میلیون و ۸۰۰! کدام معلم با این مبلغ شیفت دوم درس می‌دهد؟»

وی با بیان اینکه «در حال حاضر ما نیروی معلم زیر لیسانس نداریم» ادامه می‌دهد: «کسانی که دیپلم و فوق دیپلم داشتند مجبورشان کردند که لیسانس بگیرند، برای کسانی که نتوانسته بودند دوره لیسانس را بگذرانند یک دوره با عنوان «فرهنگیان» برگزار کردند؛ در دو ترم دانشگاه فرهنگیان یکسری آموزش‌های خاص به آنها ارائه شد، در کل، سطح سواد معلمان در تدریس پایین نیست، ولی تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌ها بسیار بالاست و فرصتی نیست تا یک مقطع خاص آموزشی برای معلم برگزار کنند. مثلا سال گذشته آنقدر کلاس‌های مدارس اینجا خالی بود که شیفت صبح معلم، در کلاس پنجم تدریس می‌کرد در شیفت بعد از ظهر به او کلاس اول دادند! دو پایه تحصیلی جداگانه و طرز برخورد با بچه‌ها کاملا متفاوت و معلم مجبور است از هم‌پایه خودش کمک بگیرد، در گروه‌های مختلف عضو شود و همفکری بگیرد ولی این معلم‌ها نمی‌توانند یک کلاس پر جمعیت را در سال اول به خوبی اداره کنند.»

در ادامه مهناز معلم ساکن پردیس اضافه می‌کند: «در سال‌های قبل برای معلمان یک دوره در تابستان برای آموزش روش کلی تدریس دروس برگزار می‌کردند تا در مهرماه معلم با دست پر به سر کار برود ولی چند سال است که این دوره‌ها برگزار نمی‌شود. یک معلم به محض ورود به آموزش و پرورش به سرعت روانه کلاس‌های درس می‌شود.» وی ادامه می‌دهد: «ما طرحی با عنوان «ماده ۲۸» داریم، یک فرد با داشتن هر مدرک لیسانسی در آزمون استخدام آموزش و پرورش شرکت می‌کند و وارد آموزش پرورش می‌شود، بسیاری از این افراد هیچ تجربه و پیش‌زمینه‌ای از نظر کلاس، اداره کلاس و کار با دانش‌آموز ندارند و همان سال اول مستقیم روانه کلاس‌های درس می‌شوند.»

وی در مورد نیروهای قراردادی معین و خرید خدمات توضیح می‌دهد: «بر اساس دستورالعملی که امسال به ما ابلاغ شده نیروهای قرارداد کار معین و خرید خدماتی که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ به تدریس اشتغال داشتند و متقاضی ادامه همکاری در سال تحصیلی آینده هستند، تا پایان وقت اداری ۱۸ شهریور فرصت داشتند با مراجعه به اداره منطقه تمایل خود را در این زمینه به صورت کتبی و اشتغال به صورت دو نوبته اعلام کنند. آموزش و پرورش، عدم مراجعه معلمان تا این تاریخ را به معنای عدم تمایل فرد به ادامه همکاری با منطقه در سال تحصیلی آینده اعلام کرده است.»

او در ادامه می‌گوید: در این بخشنامه آمده که ساماندهی نوبت موظف این افراد (تاکید می‌گردد صرفا نیروهای قرارداد کار معین و خرید خدمات اشتغال به تدریس سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱) حتما باید در مقطع ابتدایی انجام گیرد و ساماندهی نوبت دوم‌شان با صلاحیت منطقه تمایل همکار می‌تواند در سایر مقاطع به صورت حداقل ۲۴ ساعت صورت گیرد. این بخشنامه را اداره آموزش و پرورش منطقه ما با کلی منت منتشر کرده که اداره کل باید با کار شما موافقت کند. در صورتی که امروز همکاران خرید خدمت که برای ثبت نام رفته بودند می‌گفتند همه چیز دست خودشان بود، شیفت‌ها را هم مشخص کرده‌اند کجا و به چه پایه‌ای برویم.»

یکی از معلمان خرید خدمات ساکن پردیس که برای تدریس در سال تحصیلی آینده ثبت نام کرده می‌گوید: «همانطور که فکرش را می‌کردم باز هم امسال مجبورمان

احیای روابط ایران با مصر بر اساس سوابق «تمدنی و تاریخی» لقمه‌ای که برای دهان گشاد ملاها خیلی بزرگتر است!



از دیدارهای سادات و محمدرضاهشاه پهلوی در دهه ۵۰ خورشیدی

درباره روایای ایجاد پارادایم جدید بر اساس «تمدن غنی و کهن» صحبت می‌کند، در تهران حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در «همایش نظم جدید جهانی» می‌گوید حزب‌الله لبنان مکمل قدرت جمهوری اسلامی است و تأکید می‌کند «موشک‌های ایران ابزار قدرت برای جهان اسلام است.»

ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و تمدنی و در مجموع «ویژگی‌های ملی» از عناصر تشکیل‌دهنده قدرت و تقویت روابط دیپلماتیک به شمار می‌روند اما مکمل آنها روحیه و اعتبار ملی، یکپارچگی اجتماعی و ثبات سیاسی و قدرت اقتصادی است. ایران در دوران پهلوی با بهره‌گیری از همه این عناصر بالاترین روابط را از جمله با مصر داشت.

در آن دوران انور سادات نزدیک‌ترین شریک محمدرضا شاه پهلوی در منطقه بود. رهبران دو قدرت منطقه‌ای که تمدن و تاریخ تکیه‌گاه آنها در روابط سیاسی بود. رژیم‌هایی که فاقد این عناصر باشند نمی‌توانند از ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی برای قدرت‌سازی بهره ببرند. جمهوری اسلامی از اساس دشمن و برهم زننده تمام این عناصر است. در واقع برقراری با کشورها با ادعای «تمدن غنی و کهن»، لقمه‌ای است که برای دهان گشاد نیز خیلی بزرگتر است چرا که از نظر ذهنی و عینی فهمی از منافع ملی ندارند و این را با عملکرد خود نیز به روشنی اثبات کرده‌اند.

درواقع مبنای مقامات جمهوری اسلامی برای «ایجاد نظم نوین» وقف کردن منابع و منافع ملی و اعتبار تمدنی ایران به نفع جریان مقاومت و در خدمت صدور انقلاب اسلامی و گسترش فرقه مذهبی شیعه است. چنانکه قاسم سلیمانی در متن وصیت‌نامه خود می‌نویسد «ایران، امروز قرارگاه حسین‌بن علی است و بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند.» همین آموزه‌ها به طرفداران نظام و همان‌هایی که مردم را سرکوب می‌کنند نیز القاء شده و برای پیشبرد آن هزینه‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های گسترده می‌شود.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اوایل خرداد ۱۴۰۲ در دیدار با هیثم بن طارق آل سعید سلطان عمان گفته بود «ما از برقراری رابطه با مصر استقبال می‌کنیم و مشکلی در این زمینه نداریم.»

سلطان هیثم بن طارق یک هفته پیش از دیدار با خامنه‌ای در تهران در سفری رسمی به مصر با عبدالفتاح سیسی رئیس جمهوری این کشور گفتگو کرده بود.

دو هفته پیش از این دیدار رهبران «گروه ۲۰» در نشست هند، بر ایجاد کریدور استراتژیک هند به اروپا با مشارکت آمریکا، قدرت‌های اروپایی، عربستان، امارات، اسرائیل و اردن توافق کردند.

تحلیلگران عنوان کردند که طرح چالش مستقیم برای طرح چینی «یک کمربند، یک جاده» است. پروژه‌ای چند تریلیون دلاری که از یک دهه پیش توسط پکن با هدف اتصال چین به سایر نقاط جهان به ویژه غرب راه‌اندازی شد و جمهوری اسلامی حساب ویژه‌ای روی آن باز کرد.

طرح «گروه ۲۰» برای ایجاد کریدور هند به اروپا یکی از اهرم‌های قدرت‌ساز مصر یعنی کانال سوئز را دور می‌زند. در عمل جمهوری اسلامی، ترکیه و مصر در این طرح جایی ندارند. بر همین اساس جمهوری اسلامی تلاش می‌کند دلایل بیشتری را در بالاترین سطوح سیاسی به عنوان «منافع مشترک/ تهدید مشترک» مطرح کند تا مقامات مصری برای برقراری رابطه با تهران بیشتر ترغیب شوند.

جمهوری اسلامی بعد از خیزش ضدحکومتی در سال ۱۴۰۱ کارزاری برای خروج از انزوای راه انداخته است. در ادامه همان مسیر حسین امیرعبداللهیان در جریان در نشست وزرای خارجه «مجمع گفتگوی همکاری آسیا» (ACD) که در نیویورک برگزار شد گفت، «تمدن‌های غنی و کهن آسیایی ما را قادر می‌سازند پارادایم جدیدی برای روابط بین‌الملل مبتنی بر عدالت، فراگیری، گفتگو، دوستی و چند جانبه‌گرایی را معرفی نماییم.»

اما درست وقتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در نیویورک

وزرای خارجه جمهوری اسلامی و مصر در حاشیه نشست سازمان ملل در نیویورک تأکید کردند که با توجه به «سوابق تمدنی و تاریخی و اشتراکات فرهنگی» می‌توانند برای دستیابی به منافع مشترک مذاکره کنند.

ابراهیم رئیسی می‌گوید «جمهوری اسلامی مانعی در برقراری روابط با مصر نمی‌بیند.»

امیرعبداللهیان در جریان در نشست وزرای خارجه «مجمع گفتگوی همکاری آسیا» (ACD) گفته «تمدن‌های غنی و کهن آسیایی ما را قادر می‌سازند پارادایم جدیدی برای روابط بین‌الملل معرفی کنیم» اما فرمانده سپاه پاسداران می‌گوید حزب‌الله لبنان مکمل قدرت جمهوری اسلامی است و تأکید می‌کند «موشک‌های ایران ابزار قدرت برای جهان اسلام است.»

ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و تمدنی و در مجموع «ویژگی‌های ملی» از عناصر تشکیل‌دهنده قدرت و تقویت روابط دیپلماتیک به شمار می‌روند اما مکمل آنها روحیه و اعتبار ملی، یکپارچگی اجتماعی و ثبات سیاسی و قدرت اقتصادی است. ایران در دوران پهلوی با بهره‌گیری از همه این عناصر بالاترین روابط را از جمله با مصر داشت.

حامد محمدی- وزیر خارجه جمهوری اسلامی و مصر روز چهارشنبه ۲۹ شهریور در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک با یکدیگر دیدار کردند.

حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی جلسه با سامح الشکری وزیر خارجه مصر را «مثبت و ثمربخش» خواند و گفت «با بردارم درباره مسائل مورد علاقه دو جوانیه» گفتگو کردیم.

این دیدار در محل نمایندگی دائمی مصر در سازمان ملل متحد انجام شد. طرفین تأکید کردند «با توجه به سوابق تمدنی و تاریخی و اشتراکات فرهنگی» برای دستیابی به منافع مشترک، لازم است گفتگوها تداوم پیدا کند و مسیر آن هموار شود.

مصر یکی از اعضای گروه «بریکس» است و تهران امیدوار است بتواند بر برقراری رابطه با قاهره و سایر اعضای بریکس کانال‌هایی برای خروج از انزوای مزمن پیدا کند.

روابط بین مصر و جمهوری اسلامی ایران عموماً در دهه‌های اخیر پرتنش بوده است، اگرچه دو کشور تماس‌های دیپلماتیک خود را پیدا و پنهان حفظ کرده‌اند.

دولت مصر در ماه‌های اخیر اقداماتی را برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای انجام داده است. آنها در تلاش‌اند اختلافات با قطر را کمتر کنند چنانکه روابط خود با ترکیه را احیا کردند. ابراهیم رئیسی در کنفرانس خبری پیش از ترک نیویورک درباره تحولات در روابط ایران و مصر گفت: «جمهوری اسلامی در راستای تقویت روابط با کشورهای همسایه، مسلمان و همسو دست هر کشوری را که بنای همکاری با ما داشته باشد، به گرمی خواهد فشرد. عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مثل شانگهای و بریکس نیز زمینه ارتقای تعاملات و تبادل ظرفیت‌ها با کشورهای همسایه و دوست را بیش از پیش فراهم کرده است.»

وی همچنین افزود: «جمهوری اسلامی مانعی در برقراری روابط با مصر نمی‌بیند و این موضوع به طرف مصری نیز اعلام شده است. ملاقات وزرای خارجه دو کشور نیز می‌تواند بانی برای آغاز و احیای روابط فیما بین باشد.»

دانشجویان زیر ضرب لایحه «حجاب و عفاف»؛ ممنوعیت استفاده از ادکلن تا رعایت حدود شرعی در نگاه به نامحرم در شیوه‌نامه وزارت بهداشت



و عینک آفتابی، و زینت آلات مغایر با شرع مقدس اسلام نیز برای دانشجویان علوم پزشکی در محیط دانشگاه و بیمارستان ممنوع اعلام شده است.

این شیوه‌نامه افزوده که هر گونه پوشش کوتاه یا تنگ، مانند جلو باز، جنس حریر، تور و یا لباس‌های یقه باز که بدن را نمایان سازد، و استفاده از پیشانی بند، شال، دستمال گردن، کمربند، انگشتر و کیف‌هایی که دارای نقوش و نوشته‌هایی با حروف لاتین و زننده و یا دارای علائم گروه‌های انحرافی، و همچنین کلاه بدون مقنعه و روسری ممنوع است.

همچنین «هرگونه تتو (خالکوبی) صورت (لب، ابرو و چشم) و در نواحی قابل رویت (دست‌ها و صورت و ...) و سوراخ کردن اعضای بدن نظیر حلقه و نگین در بینی» ممنوع اعلام شده است.

این شیوه‌نامه به فعالیت دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی هم دخالت کرده و نوشته که «استفاده از هرگونه پروفایل بدون پوشش و یا پوشش‌های نامناسب در فضای مجازی ممنوع است.»

گنجاندن مفاهیم عفاف و حجاب در برنامه‌های آموزشی (ساعت‌های فرهنگی) دانشجویان و دستیاران، فرهنگ‌سازی، آموزش و اجرای کامل قانون انطباق امور فنی موسسات پزشکی با موازین شرع مقدس اسلام و ابلاغ دستورالعمل‌های اجرایی در محیط‌های آموزشی و بهداشتی، درمانی از دیگر وظایف دستگاه‌ها است که در این شیوه‌نامه به آن اشاره شده است.

همچنین دستگاه‌ها موظف هستند نظارت بیشتری بر بیمارستان‌های تابعه و مراکز آموزشی و درمانی به منظور ترویج فرهنگ حجاب و رعایت حقوق بیمارستان توسط دانشجویان و دستیاران داشته باشند و بر رعایت حجاب و اخلاق اسلامی به عنوان یکی از پیش‌شرط‌های اساسی جهت حضور دانشجویان و دستیاران در محیط‌های مختلف آموزشی و دانشگاهی تأکید کنند.

بیماران و همراهان در محیط‌های آموزشی یا درمانی دولتی و غیردولتی و «طراحی چیدمان اداری در ساختمان‌های ستادی بیمارستانها، دانشگاه‌ها و سایر مراکز مربوط به وزارت بهداشت بر اساس حفظ حدود حریم شرعی بین کارمندان زن و مرد و ایجاد محیط اختصاصی جهت ارائه خدمات پزشکی جز در موارد ناگزیر به حضور نامحرم» از موارد مصوب از سوی مجلس شورای اسلامی است.

هرچند هنوز اجرای آزمایشی لایحه «حجاب و عفاف» آغاز نشده اما نهادها، سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مختلف با صدور بخشنامه و آیین‌نامه‌هایی سیاست‌های حکومت را که در این لایحه تصویب شده اجرا می‌کنند.

برای نمونه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی روز گذشته شیوه‌نامه اجرایی عجیبی برای پوشش دانشجویان علوم پزشکی منتشر کرد که مواردی چون ممنوعیت استفاده از ادکلن و رعایت حدود شرعی در نگاه به نامحرم در آن آورده شده است. در این شیوه‌نامه تأکید شده که لازم است کلاس‌های درس دانشجویان و دستیاران دختر و پسر در دو ردیف جداگانه تشکیل شود.

در شیوه‌نامه تأکید شده «هرگونه بحث و شوخی‌های نامناسب و خندیدن با صدای بلند» و «هرگونه توهین و تمسخر زبانی و رفتاری، مشاجره و پرخاشگری» ممنوع است و باید «حدود شرعی در نگاه و گفتگو با نامحرم و رعایت شئون اخلاقی، اجتماعی و دانشجویی» رعایت شود.

همچنین «استفاده از امکانات و تجهیزات برای مصارف شخصی و یا به نفع احزاب و گروه‌های غیرمجاز ممنوع است» و «هنگام معاینه بیمار غیر همجنس باید دانشجو یا دستیار همجنس بیمار یا همراه او (بیمار) در کنار دانشجو و دستیار معالج حضور داشته باشد.»

در بخشی دیگر آمده که استعمال دخانیات، جویدن آدامس، استفاده از ادکلن و عطر و لوازم آرایش با رنگ تند

● هنوز اجرای آزمایشی لایحه «حجاب و عفاف» آغاز نشده اما سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مختلف با صدور بخشنامه و آیین‌نامه سیاست‌های این لایحه را اجرا می‌کنند.

● هنگام معاینه بیمار غیرهمجنس باید دانشجو یا دستیار همجنس بیمار یا همراه او (بیمار) در کنار دانشجو و دستیار معالج حضور داشته باشد.

● استعمال دخانیات، جویدن آدامس، استفاده از ادکلن و عطر و لوازم آرایش با رنگ تند و عینک آفتابی، و زینت آلات مغایر با شرع اسلام برای دانشجویان در محیط دانشگاه و بیمارستان ممنوع اعلام شده است.

تفکیک جنسیتی و محدود ساختن فضای دانشگاه‌ها به بهانه اجرای لایحه «حجاب و عفاف» شدت یافته است. وزارت علوم مکلف به راه‌اندازی و گسترش پردیس‌های دانشگاهی مختص بانوان و افزایش تفکیک جنسیتی شده؛ همچنین وزارت بهداشت شیوه‌نامه اجرایی جدید رفتار و پوشش حرفه‌ای دانشجویان علوم پزشکی و دستیاران را برای سال تحصیلی جدید منتشر کرده است.

اجرای آزمایشی لایحه «حجاب و عفاف» در حالی در جلسه علنی روز گذشته مجلس شورای اسلامی تصویب شده که در این لایحه «تکالیف» وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای شدت بخشیدن به تفکیک جنسیتی و محدودسازی بیش از پیش دانشجویان مورد تأکید قرار گرفته است.

«بازنگری، اصلاح و اجرای دستورالعمل‌ها و توصیه‌نامه‌ها در راستای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در سطح دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و تدوین دستورالعمل‌های جدید بر اساس این قانون»، «راه‌اندازی و گسترش دانشگاه‌ها و پردیس‌های دانشگاهی مختص بانوان» و «قرار گرفتن عفاف و حجاب به عنوان یک امتیاز شاخص در گزینش و معرفی دانشجویان نمونه دانشگاه‌ها» از جمله موارد مصوب این لایحه به عنوان وظایف و تکالیف وزارت علوم است.

اولویت بخشی به طرح‌های پژوهشی کلان و میان‌رشته‌ای و پایان‌نامه‌ها در زمینه راهبردهای گسترش «سیک زندگی اسلامی خانواده محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» و «تعهد زوجین به یکدیگر» از دیگر وظایف وزارت علوم است.

همچنین برای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز تکالیف مشابهی تعریف شده است. از جمله «اجرای دستورالعمل‌های رفتاری و آیین‌نامه نحوه پوشش استادان، دانشجویان و کارکنان همگن و غیرهمگن اعم از پزشکان، کارکنان مراکز درمانی و ارائه دهندگان خدمات بهداشتی و درمانی دولتی یا غیردولتی و مراکز دانشگاهی و مراکز تابعه آن (اعم از بیمارستان، درمانگاه، داروخانه، آزمایشگاه) در بخش‌های تشخیص و درمان.»

«تهیه، ابلاغ و نظارت بر دستورالعمل‌های اجرایی جهت رعایت عفاف و حجاب و حفظ حریم اخلاقی

رژیم ایران با دریافت شش میلیارد دلار باج از دولت بایدن پنج گروگان ایرانی را آزاد کرد و پنج مجرم ایرانی را پس گرفت!

● گروگان‌های آزاد شده مراد طاهباز، عماد شرقی، سیامک نمازی و دو نفر دیگر که به دلایل خانوادگی نخواستند نام‌شان مشخص شود به دوحه رفتند. مهرداد معین انصاری و رضا سرهنگ‌پور دو نفر از پنج مجرم جمهوری اسلامی که در آمریکا زندانی بودند حاضر شدند به ایران بازگردند.

● محمد فرزین رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی توضیح داده مبلغی حدود ۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون یورو به حساب شش بانک ایرانی در دو بانک «الاهلی» و «الدخان» در قطر واریز شده است.

● پایگاه خبری «پولیتیکو» گزارش داد هفت آمریکایی از تهران در پرواز «قطر ایرویز» به دوحه سوار شدند. دو نفر دیگر مادر سیامک نمازی و همسر طاهباز هستند که هر دو قبلاً نتوانسته بودند ایران را ترک کنند و حالا همراه گروگان‌ها به قطر رفتند.

در آستانه نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در حالی که ابراهیم رئیسی به نیویورک رفته، با تکمیل روند واریز کردن شش میلیارد دلار پول از کره جنوبی به بانک سوئیس و از آنجا به بانک قطر، روز دوشنبه ۱۸ سپتامبر (۲۷ شهریور) پنج گروگان آمریکایی- ایرانی که در هتلی در تهران در «حصص» بودند با یک پرواز به دوحه رفتند.

این پنج نفر مراد طاهباز، عماد شرقی، سیامک نمازی و دو نفر دیگر هستند که به دلایل خانوادگی نخواستند نام‌شان مشخص شود.

همزمان گزارش شد دو نفر از پنج مجرم جمهوری اسلامی که در این معامله آزاد شدند، از آمریکا به دوحه رسیدند اما سه نفرشان حاضر نشدند به ایران و دامان جمهوری اسلامی برگردند!

این افراد شامل مهرداد معین انصاری، کامبیز عطار کاشانی، رضا سرهنگ‌پور کفرانی، امین حسن زاده و کاوه افراسیابی هستند اما فقط معین انصاری و سرهنگ‌پور به دوحه پرواز کردند. هر دو به انتقال و تهیه فناوری و تجهیزات ممنوعه‌ی تحت تحریم برای جمهوری اسلامی متهم هستند.

وضعیت در مورد محدودیت‌های جمهوری اسلامی برای دسترسی به پول‌های آزاد شده و نظارت بر شیوه خرج آن همچنان مهم است. مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند که این پول فقط برای خرید کالاهای ضروری و مواد غذایی و دارو تحت مجوز آمریکا قابل برداشت است.

محمد فرزین رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی توضیح داده این مبلغ که مقدار آن حدود ۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون یورو است به حساب شش بانک ایرانی در دو بانک

«الاهلی» و «الدخان» در قطر واریز شده است.

این شش بانک عبارتند از بانک‌های کشاورزی، سامان، پاسارگاد، گردشگری، کارآفرین و شهر. وی تأکید کرده «بر اساس توافقات انجام شده تمام پرداخت‌ها توسط کارگزاران بین‌المللی قطری و سوئیت صورت خواهد پذیرفت.»

منتقدان دولت بایدن از جمله اعضای کنگره آمریکا از دولت بایدن پرسیده‌اند چه تضمینی وجود دارد که رژیم ایران از این پول‌ها برای تأمین مالی تروریسم و پشتیبانی از روسیه در جنگ علیه اوکراین استفاده نکند؟! از سوی دیگر مخالفان جمهوری اسلامی نیز به دولت بایدن هشدار داده‌اند که تهران از این پول برای تقویت ماشین سرکوب علیه مردم آزادیخواه ایران استفاده خواهد کرد.

در این میان، پایگاه خبری «پولیتیکو» گزارش داد هفت آمریکایی از تهران در پرواز «قطر ایرویز» به دوحه سوار شدند. آن دو نفر مادر سیامک نمازی و همسر طاهباز هستند که هر دو قبلاً نتوانسته بودند ایران را ترک کنند و حالا همراه گروگان‌ها به قطر رفتند.

گفتنی است که برخی رسانه‌های بین‌المللی روند آزاد شدن پنج گروگان ایرانی و رسیدن آنها به فرودگاه دوحه را با



سیامک نمازی و مراد طاهباز در فرودگاه دوحه / ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۳

جزئیات بطور لحظه‌ای پوشش می‌دادند. خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد که با وجود تبادل این زندانی‌ها اما تنش‌ها بین ایالات متحده و ایران که درگیر اختلافات مختلف از جمله بر سر برنامه هسته‌ای هستند، تقریباً بطور قطعی بالا خواهد ماند. رژیم ایران می‌گوید که این برنامه صلح‌آمیز است، اما این روزها بیش از هر زمان دیگری به غنی‌سازی اورانیوم تا درجه تسلیحاتی ادامه می‌دهد.

جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا در بیانیه‌ای که هنگام فرود هواپیمای حامل این گروه از تهران در دوحه منتشر شد، گفت: «امروز پنج آمریکایی بی‌گناه که در ایران زندانی بودند، بالاخره به خانه بازمی‌گردند.» تیمی دیپویس سفیر آمریکا در قطر به استقبال این پنج نفر رفت و آنها یکدیگر را در آغوش گرفتند.

نمازی در متنی که پس از فرود به نمایندگی از وی قرائت شد، گفت: «اگر همه شما نبودید که اجازه ندادید دنیا مرا فراموش کند، امروز آزاد نبودم!»

گروگانگیری و اخاذی؛ «اقدامات بن‌بست شکن» جمهوری اسلامی با هدایت علی خامنه‌ای

● حسینعلی حاجی دلیگانی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اشاره به معامله جمهوری اسلامی با آمریکا بر سر گروگان‌ها گفت، «دست نیروهای امنیتی را می‌بوسیم!»

● علی‌اکبر غلامی دبیر سیاسی سابق وبسایت «مشرق نیوز» با انتشار تصویری از آزادی گروگان‌های آمریکایی- ایرانی در فرودگاه دوحه به تقدیر از طائب رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه (ساس) پرداخت و نوشت که او «نقشه‌های پیچیده جاسوسی نوین استکبار را از جمله در استارت‌آپ‌ها، محیط زیست و جمعیت خنثی کرد» و «ثمرات آن اقدامات، امروز بن‌بست شکن سپهر سیاسی و اقتصادی کشور می‌شود».

● عباس مقتدایی از اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز می‌گوید یکی از عواملی که «نظام سلطه» را وادار به پذیرش شروط جمهوری اسلامی کرد «پشت سرگذاشتن اغتشاشات» و شکست خوردن «دردرها» و «طرح‌های مکارانه» اروپایی‌ها به ویژه انگلستان، آلمان و فرانسه و شیطنت‌های رژیم صهیونیستی و آمریکایی‌ها بود.

مقامات دولتی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تأیید سیاست گروگانگیری با هدف دریافت پول‌های بلوکه شده ادعا می‌کنند «نظام سلطه وادار به پذیرش شروط ایران شده است!» آنها این روند را «دیپلماسی عزتمندانه» می‌دانند.

سفر ابراهیم رئیسی به نیویورک همزمان با آزاد شدن پنج گروگان در ازای دریافت شش میلیارد دلار باج از دولت بایدن انجام شده است. به نظر می‌رسد این اقدام به «قاضی مرگ» و نظام جمهوری اسلامی هرچند بطور موقت اما در هر حال اعتماد به نفس داده است.

حسینعلی حاجی دلیگانی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز سه‌شنبه ۲۸ شهریور با اشاره به معامله با آمریکا گفت، «دست نیروهای امنیتی را می‌بوسیم!» وی توضیح داد در دولت گذشته (دولت حسن روحانی) مذاکرات «التماسی» پیش می‌رفت و مسئولان وقت فقط یک میلیارد دلار منابع را آزاد کردند اما در «دیپلماسی عزتمندانه» دولت رئیسی ۲۵ میلیارد دلار از منابع ایران بازگردانده شد.

حاجی دلیگانی همچنین گفته از نیروهای امنیتی که «در این بخش زحمت کشیده‌اند تا آرامش و امنیت در کشور برقرار شود» قدردانی می‌کند.

سازمان اطلاعات سپاه (ساس) و وزارت اطلاعات بیشترین سهم‌رادر گروگانگیری شهروندان خارجی و دوتابعیتی‌ها دارند. بدیهی است گروگان‌گرفتن شهروندان خارجی و چراغ سبز برای معامله‌ی آنها در ازای پول‌های کلان بدون دستور

جمهوری اسلامی شده» تا از سوی مهره‌های حکومت که باجگیری از غربی‌ها را «اقدام دقیق» می‌دانند زیر سؤال است چرا که نه برجام احیا شده و نه تحریم‌ها لغو شده است و نه بهبودی در روابط غرب با تهران دیده می‌شود! ابراهیم رضایی همان نماینده‌ای که به تعریف و تمجید از اقدامات دولت رئیسی برای امتیازگیری از آمریکا پرداخته می‌گوید بر اساس شواهد از جمله «ادامه تحریم‌ها و صدور بیانیه‌های مداخله‌جویانه در سالگرد اغتشاشات علیه جمهوری اسلامی مذاکرات ما با غرب به ویژه آمریکا در حوزه برجام به سامان نخواهد رسید».

در دولت رئیسی دوباره تکرار نخواهد شد.» در این گزارش تلویحاً تأکید شده گروگانگیری و افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم تا ۶۰ درصد دست جمهوری اسلامی را برای این معامله بازگذاشته است. اما نکته‌ای که در گزارش این روزنامه به آن اشاره شد مربوط به خیزش ضدحکومتی در سال ۱۴۰۱ است. بسیاری از تحلیلگران معتقدند گروگانگیری کسب و کار پرسود جمهوری اسلامی است و علی‌خامنه‌ای نقش مستقیم در اجرای آن دارد. چنانکه غنی‌سازی اورانیوم با درجه تسلیحاتی نیز تحت امر وی انجام شده و ابزاری برای

بالاترین مقام در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ممکن نیست.

اقدامات «بن‌بست‌شکن»

در رابطه با گروگانگیری به عنوان اهرم امنیتی برای «باجگیری» از غرب، علی‌اکبر غلامی تحلیلگر سیاسی و دبیر سیاسی سابق وبسایت «مشرق نیوز» با انتشار تصویری از آزادی گروگان‌های آمریکایی ایرانی در فرودگاه دوحه به تقدیر از حسین طائب رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه پاسداران پرداخته است.



پنج گروگان آمریکایی ایرانی با میانجیگری قطر در ازای پرداخت شش میلیارد دلار به رژیم ایران آزاد و با یک پرواز از تهران به دوحه منتقل شدند / ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۳

وی هشدار داده «طیف تندرو آمریکایی‌ها در این کشور جان گرفته و به نظر می‌رسد باید از برجام دل بکنیم.» این در حالیست که جریان‌هایی درون حکومت هنوز سناریوی «مذاکره مستقیم با آمریکا» را راه حل برون‌رفت نظام از بحران می‌دانند.

هرچند به صورت مقطعی گروگانگیری به عنوان ابزار اخاذی برای جمهوری اسلامی دستاورد داشت اما اختلاف درون نظام در مورد مذاکره مستقیم با آمریکا یا ضرورت «احیای برجام» که مربوط به منافع بلندمدت نظام است سرچای خود باقی است.

جلال محمودزاده نماینده مهاباد به آنچه سناریوی مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا خوانده می‌شود خوشبین است. او درباره احتمال مذاکره مستقیم به «اکوایران» گفت: «کشورها باید با رعایت روابط حسنه و احترام متقابل باید با هم مذاکره کنند. به غیر از اسرائیل کشورهای دیگر قابل گفتگو هستند و کاش بدون واسطه ارتباط با آمریکا برقرار می‌شد. یعنی کشورهای عربی واسطه نمی‌شدند تا منافع ایران دچار مشکل شود.»

با اینهمه جریان‌های قدرتمند و با نفوذ در رژیم می‌گویند «برجام مُرده» است. اگرچه افرادی مثل محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی معتقدند «برجام جایگزین» ندارد. بسیاری از تحلیلگران این دوگانه را حاصل سیاست و خواست علی‌خامنه‌ای می‌دانند که بر اساس شرایط روی هر کدام که به نفع نظام باشد سوئیچ می‌کند چنانکه با پروژه‌های امنیتی دست به گروگانگیری می‌زند ولی در پشت پرده با دولت‌های غربی مذاکره و معامله نیز می‌کند.

چانه‌زنی با غربی‌هاست. محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی در شرایطی مشابه می‌گفت «مبنای سیاست ما در برجام فرمایش‌های رهبر انقلاب است.» وی حتا افشا کرد که «مجوز دیدار با جان کری [وزیر خارجه دولت اوباما] را از علی‌خامنه‌ای گرفته بود. آن دوران هم موضوع معامله پنهان از جمله بر سر گروگان‌ها مطرح بود. حالا سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» که به نیویورک رفته تا در مجمع عمومی سازمان ملل شرکت کند، در جمع شماری از وابستگان جمهوری اسلامی و خبرنگاران در یک نشست خبری با اشاره به تأثیر اعتراضات بر سیاست غربی‌ها در قبال جمهوری اسلامی گفت: «دولت آمریکا بر اثر مشورت‌های غلط برخی عناصر مزدور به ظاهر ایرانی و همچنین برآوردهای غلط سرویس‌های جاسوسی، با ترک مذاکرات، دل به نتیجه‌بخشی اغتشاشات بست در حالی که جمهوری اسلامی ایران امروز درخت تناوری است که این تکانه‌ها اثری بر پایداری آن ندارد.»

پشت سر گذاشتن «اغتشاشات»

عباس مقتدایی یکی دیگر از اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز گفته یکی از عواملی که «نظام سلطه» را وادار به پذیرش شروط جمهوری اسلامی کرد «پشت سر گذاشتن اغتشاشات» و «پیوستن به پیمان شانگهای و بریکس» و شکست خوردن «درسرها» و «طرح‌های مکارانه» اروپایی‌ها به ویژه انگلستان، آلمان و فرانسه و شیطنت‌های رژیم صهیونیستی و آمریکایی‌ها بود. اما این ادعا که «نظام سلطه حاضر به پذیرش شروط

وی نوشته طائب «نقشه‌های پیچیده جاسوسی نوین استخبار را از جمله در استارتاپ‌ها، محیط زیست و جمعیت خنثی کرد» و «ثمرات آن اقدامات، امروز بن‌بست‌شکن سپهر سیاسی و اقتصادی کشور می‌شود.»

در تعریف و تمجید از باجگیری موفق جمهوری اسلامی از دولت‌های غربی، ابراهیم رضایی یکی از اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز گفته «آزادسازی پول‌های بلوکه شده ایران نتیجه سیاست خارجی دقیق و غیراحساسی دولت سیزدهم [دولت ابراهیم رئیسی] است و دولت‌های قبل با وجود گفتگوهای بسیار با آمریکا در این مهم ناکام ماندند.»

این نماینده گروگانگیری را «سیاست عزتمندانه» دانست و گفت «دیپلماسی التماسی» کارساز نبود.

روزنامه «وطن امروز» در تیتیری با عنوان «پنج در برابر پنج به اضافه شش میلیارد دلار» می‌نویسد خبر واریز پول بلوکه‌شده به حساب‌های ایران، دلار را وارد کانال ۴۸ هزار تومان کرد. در این گزارش ادعا شده «از ۲۳ میلیارد دلار بلوکه‌شده در خارج از کشور حدود ۶ میلیارد دلار آن از کره جنوبی وصول شد و به زودی مقدمات انتقال ۱۰ میلیارد دلار دیگر نیز فراهم می‌شود.»

در گزارش این روزنامه آمده «آمریکا که از سال گذشته مذاکرات احیای برجام را به دلیل اغتشاشات در ایران به تعویق انداخته بود و در صدد ایجاد تحریم و انزوای بیشتر علیه تهران در جهان بود، به توافق برای آزادی پول‌های ایران در کره جنوبی تن داد؛ نکته‌ای حائز اهمیت که نشان می‌دهد توافق برای گرفتن امتیاز بیشتر از آمریکا فقط در چارچوب برجام نیست و روند توافق بد در دولت روحانی،

تحقیق جمعی ملت ایران از سوی جمهوری اسلامی:

فیلترینگ و قطع اینترنت برای مردم، سیم کارت «بدون فیلتر» برای تیم «النصر»



پایگاه‌های معتبر است، توضیح داده بود که «اسپیدتست» به صورت پیش‌فرض کاربر را به نزدیک‌ترین سرور در کشور متصل می‌کند.

به گفته کارشناسان فنی این انجمن، «اسپیدتست» تنها سرعت ارتباطات داخلی را اندازه‌گیری می‌کند. در این گزارش آمده است که «اسپیدتست بجای سنجش کیفیت سرعت اینترنت، به بررسی کیفیت لایه Access شبکه کشور می‌پردازد.»

از سوی دیگر گزارش‌ها از سرعت پایین اینترنت در ایران در حالی منتشر می‌شود که ابراهیم رئیسی هفتم تیر ۱۴۰۲ دستور داده بود برای حل مشکل کندی اینترنت، کارگروهی متشکل از مرکز ملی فضای مجازی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ایجاد شود و حداکثر تا یک ماه بعد از تشکیل راهکار بدهد.

شرکت «Top1۰Vpn» که در زمینه آزمایش و بررسی خدمات VPN فعالیت دارد اوایل سال میلادی کنونی گزارشی از خسارت‌های ناشی از محدود ساختن اینترنت در کشورهای مختلف منتشر کرده است. بر اساس این گزارش در سال ۲۰۲۲ ایران در کنار روسیه و قزاقستان بیشترین خسارت‌های اقتصادی ناشی از محدودیت‌های اینترنتی توسط دولت‌های مستقر را متحمل شده‌اند.

بر اساس رده‌بندی شرکت «Top1۰Vpn» محدودیت‌های اینترنتی در روسیه همزمان با آغاز حمله ولادیمیر پوتین به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، خسارتی بالغ بر ۲۲ میلیارد دلار را برای اقتصاد این کشور در پی داشته است. پس از ایران که با خسارت ۷۳۲ میلیون دلاری در رتبه دوم قرار دارد، کشورهای قزاقستان با خسارت ۴۱۰ میلیون دلاری، میانمار با خسارت ۲۴۱ میلیون دلاری و ازبکستان با خسارت ۲۲۰ میلیون دلاری در رتبه سوم تا پنجم قرار گرفته‌اند.

اختلالات اینترنت در ایران در روزهای گذشته و در سالگرد اعتراضات جنبش ملی نیز بار دیگر شدت گرفته است. اینترنت موبایل در بسیاری از شهرهایی که پتانسیل تجمع و اعتراضات دارند، به ویژه از عصر به بعد، قطع یا با کندی سرعت روبروست.

کاهش پیدا کرده است. میانگین سرعت دانلود اینترنت ثابت در ماه اوت با ثبت رکورد ۹۲/۱۱ مگابیت بر ثانیه نسبت به ماه پیش از آن ۵/۱ درصد افت داشته است. سرعت آپلود اینترنت ثابت نیز روند کاهش را نشان می‌دهد.

جایگاه سرعت اینترنت ایران در فهرست کشورهای بررسی شده نسبت به بازه یک سال گذشته در پایین‌ترین رتبه قرار گرفته است. سرعت اینترنت موبایل ایران ماه اوت سال ۲۰۲۲ در میان ۱۴۵ کشور در جایگاه ۶۹ قرار داشت اما در حال حاضر با سه به سه سقوط به رتبه ۷۲ رسیده است.

تیرماه گذشته نیز مؤسسه Surfshark تجزیه و تحلیلی ۶ ماهه از اختلال و قطع اینترنت بر اساس Internet Shutdown Tracker (ردیابی قطع اینترنت) انجام داده است که بر این اساس در نیمه اول سال جاری میلادی، در ایران نسبت به سال ۲۰۲۲ با ۱۱ مورد ثبت شده، محدودیت اینترنت بیشتری وجود داشته است.

همچنین بر اساس گزارش پیشین «اسپیدتست» که مربوط به ماه ژوئیه برابر با تیرماه نیز نشان می‌داد سرعت اینترنت ثابت در ایران به صورت جزئی افزایش یافته اما سرعت اینترنت موبایل کاهش پیدا کرده است. رتبه اینترنت موبایل تغییر نداشته اما رتبه اینترنت ثابت با وجود افزایش سرعت باز هم کاهش یافته است.

این گزارش افزوده که سرعت اینترنت ثابت در ایران از ۸۰/۱۱ مگابیت بر ثانیه در گزارش قبلی که تیرماه منتشر شده بود، به ۱۱/۱۲ مگابیت بر ثانیه افزایش یافته است. اینهمه در حالیست که رتبه ایران در زمینه سرعت اینترنت ثابت با سه رتبه کاهش روبرو و در انتهای جدول در رده ۱۴۸ جهان قرار دارد.

پس از انتشار گزارش پیشین «اسپیدتست» که تیرماه منتشر شده بود، انجمن تجارت الکترونیک تهران اعلام کرد که معیار سرعت اینترنت نمی‌تواند فقط «اسپیدتست» باشد. این انجمن تأکید کرده که سرعت اینترنت ایران از کشورهایی چون میانمار هم پایین‌تر است.

انجمن تجارت الکترونیک تهران در رابطه با اینکه چرا سرعت ایران در «اسپیدتست» بالاتر از آمارهای استخراج‌شده از سایر

● جمهوری اسلامی به تیم فوتبال «النصر» که به ایران سفر کرده‌اند سیم‌کارت «بدون فیلتر» داده تا «اقامت راحتی» در این کشور داشته باشند!

● برخی کاربران از رنج مردم در دست و پنجه نرم کردن با فیلترینگ و سانسور اینترنت نوشته‌اند و برخی دیگر چنین اقداماتی را دهان کجی مسئولان به ملت ایران ارزیابی کرده‌اند.

شرکت ایرانسل به اعضای تیم فوتبال النصر عربستان با هدف «اقامت راحت» در ایران سیم‌کارت «بدون فیلتر» داده است. این در حالیست که مردم ایران برای جمهوری اسلامی «شهروند درجه دو» به شمار رفته و زیر محدودیت و فیلترینگ شدید اینترنت ماهانه صدها هزار تومان برای فیلترشکن هزینه می‌شود.

در حالی که شهروندان در ایران سال‌هاست با مشکل فیلترینگ و محدودسازی اینترنت روبرو هستند و سرعت اینترنت ایران طی سال گذشته به پایین‌ترین جایگاه خود سقوط کرده، جمهوری اسلامی به تیم فوتبال النصر که به ایران سفر کرده‌اند سیم‌کارت «بدون فیلتر» داده تا «اقامت راحتی» در این کشور داشته باشند!

سعید ارکان‌زاده یزدی روزنامه‌نگار و پژوهشگر علوم ارتباطات اجتماعی در توییته نوشت: «شرکت ایرانسل نیز اعلام کرده «سیم‌کارت‌های بدون فیلتر اعضای تیم النصر به آنها اهدا شده‌است تا اقامتی راحت در ایران داشته باشند. ما مردم ایران کی می‌توانیم اقامتی راحت در ایران داشته باشیم؟»

هفته گذشته نیز رضا درویش مدیرعامل باشگاه پرسپولیس اعلام کرده بود شرکت حامی پرسپولیس به بازیکنان النصر اینترنت نامحدود می‌دهد.

ارائه سیم‌کارت بدون فیلتر به اعضای تیم فوتبال النصر و از جمله کریستیانو رونالدو دوس سانتوس آویرو کاپیتان این تیم با واکنش‌هایی از سوی کاربران ایرانی روبرو شده است.

برخی کاربران با اشاره به این خبر از رنج مردم در دست و پنجه نرم کردن با فیلترینگ و سانسور اینترنت نوشته‌اند و برخی دیگر چنین اقداماتی را دهان کجی مسئولان به ملت ایران ارزیابی کرده‌اند.

این در حالیست که هفته گذشته عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی و گردشگری در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره ارائه سیم‌کارت بدون فیلتر به رونالدو گفته بود «عده‌ای فکر می‌کنند ما سیم‌کارت آزاد در جیب‌مان داریم و به همه دوست و رفقای یکی می‌دهیم. رونالدو اگر بیاد اینجا و خواست با زن و بچه و بچه‌محلای‌هاش تماس بگیره میتونه «بله» و «ایتا» رو نصب کنه و به همه در کشور خودش بگه اینها رو نصب کنند! خیلی هم دلش بخواد که این کار رو بکنه!»

تازه‌ترین گزارش وبسایت «اسپیدتست» نشان می‌دهد سرعت اینترنت ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان در بازه یک سال اخیر به پایین‌ترین جایگاه خود سقوط کرده است. در این گزارش که بر اساس داده‌های ماه اوت ۲۰۲۲ تهیه شده، میانگین سرعت دانلود اینترنت موبایل به ۳۳/۳۱ مگابیت بر ثانیه رسیده که در مقایسه با ماه پیش از آن بیش از ۶ درصد کاهش را نشان می‌دهد. سرعت آپلود نیز نسبت به ماه گذشته حدود ۴ درصد کاهش داشته است.

سرعت اینترنت ثابت ایران نیز در مقایسه با ماه گذشته

مردمی که در رویای دیدن رونالدو از تپه‌های اطراف هتل اسپیناس پالاس بالا رفتند، در «تلاش برای عبور از دیوار بلند انزوا» هستند



جمعیت مشتاق دیدن رونالدو / تهران / دوشنبه ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۳ / رویترز

نبودیم، اگر حکومت اجازه داده بود مردم در طول سال‌های طولانی با دنیا مراوده داشته باشند، بتوانند آزادانه و بدون ترس، لذت یک مسابقه، فستیوال، کنسرت، تور هنری و لیگ ورزشی را ببرند، اگر این بدهی‌ها برای مردم کوچک و بازار، کارگر، معلم، راننده تاکسی، بازنشسته و دستفروش مترو قابل دسترسی بود.

او به «رنج و مظلومیت و نجات مردم معمولی» این سرزمین اشاره می‌کند: «که در چنین روزی، از آسمان شهر موشک و پهپاد و خمپاره بر سرشان فرو می‌افتد و گارد و یگان ویژه‌اش سر چهار راه‌ها توپ و تانک مستقر کرده که کسی برای جوان در خاک خفته‌اش فاتحه نخواند.» وی معتقد است: «حاکم ظالم مستبد، بزرگترین ظلمش به مردم عادی است که لذت یک زندگی معمولی را بر آنها حرام می‌کند.»

در شبکه‌های اجتماعی انتقاد از عوامل وضع موجود به اشکال مختلف تکرار شده است. کاربری به «دیوار بلند انزوا» اشاره کرده که «سال‌هاست دور تا دور کشور کشیده شده» و عجیب نیست که «بسیاری از این جوانان که اینگونه سینه‌کش کوه را در رویای دیدار رونالدو به بالا می‌روند به این نتیجه رسانده است که احتمالاً این آخرین فرصت آنها برای دیدن یک ابرستاره در همه عمرشان است.» او پرسیده در عمر یک جوان ایرانی «چند بار امکان دیدن ابرستاره‌ها فراهم می‌شود؟ کدام رویداد و مسابقه و کنسرت بزرگ بین‌المللی در این کشور برگزار می‌شود؟ در چهل سال اخیر چند ستاره به ایران آمده‌اند؟ فرهنگ، ساختنی و تجربه کردنی است و وقتی امکان تجربه‌ای نیست، فرهنگی هم نخواهد بود.»

شمار زیادی در شبکه‌های اجتماعی با این نقد همراهند و معتقدند نتیجه انزوا «فقر فرهنگی، اجتماعی و فقر اقتصادی» نیز هست. جمعیتی که در رویای دیدن رونالدو از تپه‌های اطراف هتل اسپیناس پالاس بالا رفتند، در «تلاش برای عبور از دیوار بلند انزوا» هستند.

اجتماعی و رسانه‌ها را مایه «شرمساری» و «تأسف‌آور» دانستند و به شدت از این صحنه‌ها انتقاد کردند. برخی هم تصاویر سه‌شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۲ را «طبیعی» تلقی کردند و گفتند که این رفتار در بسیاری کشورها مشاهده می‌شود و دلیلی برای سرزنش مشتاقان فوتبال نیست.

خبرگزاری دولتی «ایسنا» در همین ارتباط نوشته: «خیلی‌ها این رفتار مردم را به «ندید، بدید» بودن تعبیر کرده و اینگونه استقبال از یک سلبریتی خارجی را مایه شرمساری و فقر فرهنگی دانسته‌اند و می‌گویند که اینطور رفتارها فقط در جهان سوم پیدا می‌شود!» «ایسنا» نتیجه گرفته که این منتقدین «توجه» نمی‌کنند که «این استقبال در قبال کسی مانند رونالدو در تمام دنیا طبیعی است و ربطی به جهان اول و سوم ندارد!»

از سوی دیگر، کارزاری در ایکس برای دادن سیم‌کارت بدون فیلتر به شهروندان ایران به راه افتاد. در این کمپین از شرکت ایرانی‌ها خواسته شد: «نظر به اهدای سیم‌کارت‌های بدون فیلتر به کاروان تیم النصر عربستان در بدو ورود به ایران، ما امضاکنندگان این نامه اعلام می‌نماییم که ما هم مانند عربستانی‌هایی که وارد کشور شدند، درک و شعور استفاده صحیح از اینترنت را داشته و در راستای اهداف ملی میهنی و علمی از آن بهره خواهیم برد.»

امضاکنندگان گفتند: «ترتیبی بدهید تا به ما نیز سیم‌کارت بدون فیلتر نه اهدا بلکه فروخته شود.» در این میان هستند بسیاری که علت را جای دیگری جستجو می‌کنند. مژگان اینانلو مستندسازی که به خاطر انتقادهای صریح‌اش به زندان نیز افتاده، در اینستاگرام خود با این دید با مردم برخورد کرده است. او می‌گوید: «لطفاً به مردم اخم نکنید... آنها حق دارند.»

به باور این فعال مدنی، «این حاکمیت «حسرت یک زندگی معمولی» را بر دل مردمان این سرزمین گذاشته است و نباید آنها را سرزنش کرد.» او لبه تیز انتقاد را به سوی حکومت می‌گیرد و می‌گوید «امروز شاهد چنین صحنه‌هایی

● دیدن پشت اتوبوس رونالدو، بالا رفتن از تپه مجاور هتل او و هجوم مشتاقانش به داخل هتل، صحنه‌هایی هستند که برخی «طبیعی» نامیدند، گروهی مایه «شرمساری» دانستند و بسیاری نتیجه محرومیت و «حسرت یک زندگی معمولی».

تصاویر ورود کریستیانو رونالدو ستاره فوتبال جهان همراه با تیم «النصر» عربستان به ایران در رسانه‌های کشور، عربستان سعودی و بسیاری دیگر از نقاط دنیا منتشر شد. صحنه‌هایی که هجوم مشتاقان رونالدو را لحظه به لحظه به نمایش می‌گذارد.

بی‌برنامگی کامل سازماندهندگان و مسئولان حکومتی در ترتیب دادن یک استقبال کم هرج و مرج، برگزاری بازی تیم «النصر» عربستان در استادیومی خالی و کهنه، همراه با تصاویری که روز گذشته داغ شد، واکنش‌های مختلفی را به دنبال داشت.

برخی کاربران فضای مجازی از جمله در کلاب‌هاوس بر این گمان بودند که احتمالاً همه اینها از پیش برنامه‌ریزی شده بود: «برنامه‌ای حکومتی برای تحقیر مردمی که سالی پر تلاطم و پرهزینه را در جنبشی بی‌سابقه پشت سر گذاشتند.» سناریویی برای نشان دادن اینکه کسی «پیش‌ریزی برای سالگرد اعتراضات سراسری قائل نبود و این جنبش ارزش دیدن پشت اتوبوس رونالدو را هم نداشت.» بسیاری پرسیدند که آنچه نیروی امنیتی و انتظامی که برای سرکوب خیابان‌ها را قرق کرده بودند، در این ماجرا کجا بودند؟

بر این تأکید شد که در یک روز «تنها یک اتفاق شرم‌آور» نیافتاد بلکه «حقت یک گروگان‌گیری و اخاذی حکومتی» در صحنه آزادی پنج زندانی ایرانی آمریکایی به سراسر جهان نیز مخابره و لاشه یک موشک نیز بر سر مردم گرگان خراب شد. کسانی که بر این باورند، گفتند حکومت کاری کرد که تصویری از مردم ایران به جهانیان نشان داده شود، که همه بگویند «لیاقت‌شان» همین وضع فعلی است. بسیاری کاربران تصاویر منتشر شده در شبکه‌های

برنامه‌های جمهوری اسلامی برای «نقره‌داغ کردن آژانس» و «تدابیر جبرانی» علیه شورای حکام!



کنفرانس مطبوعاتی محمد اسلامی و رافائل گروسی در تهران / اسفند ۱۴۰۱

سخت و بحرانی نظام در عرصه بین‌المللی نسخه‌هایی دارند که قبلاً هم با صراحت به آن اشاره کرده‌اند: رساندن غنی‌سازی اورانیوم به ۹۰ درصد که نهایت درجه تسلیحاتی است و اگر هم توانستند، ساختن بمب اتم.

در همین ارتباط مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید جمهوری اسلامی «بمب اتم» ندارد اما مواد کافی برای ساختن ۱۰ بمب در اختیار دارد.

مقامات تهران در بیان اهداف میان‌مدت و بلندمدت خود مدت‌هاست دیگر نقاب را کنار گذاشته‌اند. پیشتر کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی اواخر تیرماه ۱۴۰۱ در مصاحبه با شبکه الجزیره ضمن اعتراف به بی‌فایده بودن برجام گفته بود «ما توانایی فنی برای ساخت بمب هسته‌ای را داریم اما تصمیمی در این خصوص نداریم... تنها در چند روز میزان غنی‌سازی اورانیوم را از ۲۰ درصد به ۶۰ درصد رساندیم و به راحتی می‌توانیم به ۹۰ درصد نیز برسانیم!»

در این میان، ابراهیم رئیسی وقتی به نیویورک رسید پیام فرستاد که آماده گفتگوی غیرمستقیم با آمریکا در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل است ولی ساعاتی بعد تکذیبیه‌ی این پیام منتشر شد. رویدادی که در گذشته هنگام سفر دیگر رؤسای دولت جمهوری اسلامی به نیویورک مرتب تکرار شده است.

تحلیلگران معتقدند دولت بایدن که در «احیای برجام» شکست خورده اکنون درگیر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۴ است و وقت مذاکره با جمهوری اسلامی بر سر مسائل اتمی را ندارد. بنابراین دولتمردان آمریکا برجام را به دستگاه تنفس مصنوعی وصل کرده‌اند تا مرگ آن فعلاً بطور رسمی اعلام نشود و در حد مصاحبه و سخنرانی بر ضرورت ادامه گفتگوها تأکید می‌کنند. اما این کارها سودی برای جمهوری اسلامی که با بحران‌های اقتصادی و اعتراضی روبروست و خواهان هرچه زودتر برچیده شدن تحریم‌هاست ندارد.

مجمع عمومی سالانه سازمان ملل متحد، خبرگزاری دولتی «ایرنا» در گزارشی ادعا کرده «نقره‌داغ کردن آژانس نتیجه می‌دهد.»

در این گزارش آمده «دولت سیزدهم توانست با دیپلماسی فعالانه، ترمز قطعنامه‌های سیاسی شورای حکام را بکشد و اکنون مصمم است ماجراجویی غربی‌ها در سوء استفاده سیاسی از تریبون آژانس و بیانیه‌خوانی علیه کشورمان را متوقف کند.»

خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی همچنین تهدید کرده «ایران مصمم است طرف مقابل را مجبور به عقب‌نشینی کند.»

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز اختلال در روند فعالیت‌های بازرسان و جمع‌آوری دوربین‌های آژانس از سایت‌های اتمی را «تدابیر جبرانی» خوانده است.

حسین شریعتمداری سردبیر «کیهان» چاپ تهران هم که سال‌هاست برای خروج از پیمان منع گسترش تسلیحات کشتار جمعی قلم می‌زند، در سرمقاله این روزنامه تأکید کرده حضور ایران در ان‌پی‌تی غیر از خسارت محض و فرصت دادن به دشمنان برای باج‌خواهی و زورگویی چه سود دیگری داشته است؟! وی ادعا کرده «خروج از NPT پاشنه آشیل غرب» است.

شریعتمداری تأکید کرده وقتی آمریکا که رسماً و اروپا نیز عملاً از برجام خارج شده‌اند و روسیه و چین هم معارض جمهوری اسلامی نیستند ایران هم از برجام خارج شود. وی خطاب به مقامات ارشد نظام نوشته «انتظار دارید آمریکا و اروپا با چه زبانی مرگ برجام را اعلام کنند که باور کنیم؟! با عرض پوزش مبادا مانند آن سخنان که برای سالن خالی سخنرانی می‌کرد، منتظریم تا سرایدار کلید سالن را بدهد تا باور کنیم در سالن خالی سخنرانی می‌کنیم!»

مسیری که جمهوری اسلامی طی می‌کند خیلی مبهم نیست. نهادهای امنیتی و نظامی حکومت برای روزهای

● ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفته اقدام جمهوری اسلامی برای لغو مجوز برخی از بازرسان آژانس درست بود.

● همزمان با سفر رئیسی به نیویورک خبرگزاری دولتی «ایرنا» در گزارشی ادعا کرده «نقره‌داغ کردن آژانس نتیجه می‌دهد.» در این گزارش تأکید شده «ایران مصمم است طرف مقابل را مجبور به عقب‌نشینی کند.»

● روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اختلال در روند فعالیت‌های بازرسان و جمع‌آوری دوربین‌های آژانس از سایت‌های اتمی را «تدابیر جبرانی» خوانده است.

● دولتمردان آمریکا برجام را به دستگاه تنفس مصنوعی وصل کرده‌اند تا مرگ آن فعلاً بطور رسمی اعلام نشود و در حد مصاحبه و سخنرانی بر ضرورت ادامه گفتگوها تأکید می‌کنند. اما این کارها سودی برای جمهوری اسلامی که با بحران‌های اقتصادی و اعتراضی روبروست و خواهان هرچه زودتر برچیده شدن تحریم‌هاست ندارد.

جمهوری اسلامی مجوز هشت نفر از بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را لغو کرده است. این بازرسان از کشورهای فرانسه و آلمان هستند.

همزمان دولت‌های آلمان، فرانسه، بریتانیا و آمریکا اقداماتی را که باعث مختل شدن نظارت آژانس بر فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی شده محکوم کرده و از مقامات تهران خواسته‌اند فوری تعلیق مجوز بازرسان را لغو کرده و بطور کامل با آژانس همکاری کنند.

در این میان، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواستار دیدار با سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» در نیویورک شده است.

وی هشدار داده اقدامات جمهوری اسلامی بطور مستقیم و جدی بر نظارت‌های آژانس تأثیر دارد و با این وضعیت نمی‌شود صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های اتمی تهران را تضمین کرد.

گروسی همچنین گفته مجوز بازرسانی لغو شده که از مجرب‌ترین کارشناس آژانس با دانش و آگاهی منحصر به فرد در زمینه فناوری غنی‌سازی هستند و تا پیش از این در تأسیسات اتمی در زمینه راست‌آزمایی فعالیت داشته‌اند. ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به ایسنا گفته «اقدام دولت جمهوری اسلامی ایران برای لغو مجوز برخی از بازرسان با ملیت این کشورها درست بود.»

مشخص نیست بجز بازرسان فرانسوی و آلمانی مجوز بازرسان کدام کشورهای دیگر لغو شده اما برخی منابع غیررسمی گفته‌اند دو بازرسان انگلیسی هم جزو آنها هستند. ابوالفضلی عمویی توضیح داده است «اخیراً سه کشور اروپایی اقدام منفی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران و توافق برجام دادند که یکی از آنها صدور بیانیه در شورای حکام بود... وقتی این کشورها با مواضع سیاسی‌شان فضای همکاری بین ایران و آژانس را تخریب می‌کنند چنین شائبه‌ای درباره بازرسان مربوط به این سه کشور هم به وجود می‌آید که فضای همکاری را به سمت چالش بپزند.» همزمان با سفر رئیسی به نیویورک برای شرکت در

واکنش‌ها به ضربه فنی شدن نورچشمی حکومت در مقابل کشتی‌گیر آمریکایی؛ در دنیای حسن یزدانی‌ها، تو رسول خادم باش!



لحظه‌ای که یزدانی توسط تیلور ضربه فنی شد

احسان کرمی مجری سابق صداوسیما جمهوری اسلامی در توپیتی با انتشار تصویری از رسول خادم نوشت «گریه حسن یزدانی بعد از ضربه شدن تو فینال گریه یک پهلوان که شرمند مردم شده نبود. گریه یه ورزشکار ناکام بود که برای مدال طلا همه چیز را زیر پا گذاشته و آخرش هیچ... حسن آقا، یک نگاه به این عکس بنداز! همه مدال‌های تاریخ کشتی هم که بهت بدن خاک کفش‌های این آقا هم نمیشی.»

برخی دیگر از کاربران نوشته‌اند پهلوانان واقعی نوید افکاری و امین بزرگر بودند که برای ایران جانشان را دادند. کاربری دیگر با انتشار تصویری از دیوید تیلور نوشته «دعای یک ایران پشتوانه راهت شیربچه تگزاس، کشتی‌گیر آخوندی ضربه فنی شد.»

یکی از طرفداران سابق یزدانی خطاب به وی نوشت «یه زمان عاشقت بودم و با برد و باختت گریه میکردم، اما امشب از باختت خیلی خوشحال شدم، این عاقبت هر ورزشکاریه که با مردمش نباشه، امیدوارم هر روز بیشتر از قبل پسرقت کنی، حیره‌خور!»

سپر خرمی روزنامه‌نگار در ایران می‌نویسد «پژمان درستکار گفته آمریکایی‌ها در داوری نفوذ دارند به خاطر همین یزدانی شکست خورد! تئوری توطئه بجای پذیرش ضعف فنی باعث شده یزدانی چپ و راست به تیلور ۳۲ ساله ببازه. حسن ضربه فنی شد، چه ربطی به نفوذ در داوری داره مرد حسابی؟ داور به حسن گفت به خاک مالیده شه؟!»

کاربر دیگری می‌نویسد «شریف بودن تاوان داره همه که مثل آقا رسول خادم شریف نیستن، پهلوان واقعی شامی‌نه حسن یزدانی...»

حرف مردم به ورزشکاران و چهره‌های سرشناس ورزشی که اعتبار و افتخارشان را مدیون مردم هستند روشن است: در دنیای حسن یزدانی‌ها، تو رسول خادم باش!

نسبت به سرکوب و کشتار مردم خاموش بود، دیوید تیلور از اعتراضات مردم ایران حمایت کرد. در چنین شرایطی رقابت میان آنها فراتر از عرصه‌ی ورزش و تشک کشتی رفت. طرفداران حکومت لحظه‌شماری می‌کردند تا یزدانی با شکست تیلور در مسابقه فینال هم انتقام شکست‌های قبلی را از او بگیرد و هم «پوزه یک آمریکایی» را که از اعتراضات ضدحکومتی حمایت کرده به خاک مالد.

چند روز مانده به آغاز رقابت‌ها رسانه‌های حکومتی و طرفداران نظام مرتب ویدیوهایی از تمرین تیم کشتی به ویژه رضا یزدانی با نوای «حیدر حیدر» منتشر می‌کردند و برای تیلور رجز می‌خواندند اما درست همزمان با اولین سالگرد خیزش ملی ایرانیان، حسن یزدانی به بدترین شکل ممکن از تیلور شکست خورد و ضربه فنی شد.

هرچند پژمان درستکار ادعا کرد «نفوذ آمریکایی‌ها در داوری کشتی» زیاد است اما تقریباً همه دیدند که زور یزدانی به حریف آمریکایی نرسید.

دیوید تیلور بعد از قهرمانی در مسابقات جهانی بلگراد اول از همه از حمایت ایرانی‌ها تشکر کرد. او وارد حاشیه نشد و کاملاً حرفه‌ای و با کنایه‌ای مبهم گفت «مسابقه بسیار سختی بود و از یزدانی تشکر می‌کنم که باعث پیشرفت من شد!»

واکنش‌ها به باخت حسن یزدانی زیاد است. کاربری با هشتگ «#انقلاب_ملی_ایران» به کنایه در توپیتی نوشت «گریه نکن مرد، این فقط یه کشتی بود، تو شرف و حیثیت رو باختی!»

هرچند دستگاه تبلیغاتی حکومت تلاش کرده در سال‌های اخیر از حسن یزدانی «پهلوان» بسازد اما خیلی‌ها نوشته‌اند که پهلوان واقعی رسول خادم است که کنار مردم ایستاد. آنهم در شرایطی که بعد از پست اینستاگرام‌اش به یاد مهسا امینی صفحه وی از دسترس خارج شد و حتی شایعه شد که بازداشت شده است.

● پیش از آغاز این مسابقات تقریباً مشخص بود فینالیست وزن ۸۶ کیلوگرم یزدانی و تیلور هستند اما دست‌کم یکسال است رقابت این دو حریف با مسائل سیاسی و اجتماعی در ایران گره خورده است.

● حسن یزدانی پسر خوب حکومت در کشتی ایران، دی‌ماه ۱۴۰۰ با تقدیم مدال خود در المپیک به خانواده قاسم سلیمانی دل از نظام و طرفدارانش بُرد و هر جا که لازم بود به مناسبت‌های مختلف برای ابراز ارادت به علی خامنه‌ای و انقلاب چیزی کم نگذاشت.

● در شرایطی که یزدانی به عنوان یک ایرانی نسبت به سرکوب و کشتار مردم خاموش بود، دیوید تیلور از اعتراضات مردم ایران حمایت کرد. طرفداران حکومت لحظه‌شماری می‌کردند تا یزدانی با شکست تیلور در مسابقه فینال هم انتقام شکست‌های قبلی را از او بگیرد و هم «پوزه یک آمریکایی» را که از اعتراضات ضدحکومتی حمایت کرده به خاک مالد.

● واکنش‌ها به باخت یزدانی زیاد است. کاربری با هشتگ «#انقلاب_ملی_ایران» به کنایه در توپیتی نوشت «گریه نکن مرد، این فقط یه کشتی بود، تو شرف و حیثیت رو باختی!»

حسن یزدانی کشتی‌گیر تیم ایران در فینال وزن ۸۶ کیلوگرم مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جهان که در شهر بلگراد برگزار شد یکشنبه شب ۲۶ شهریور برای پنجمین بار مقابل دیوید تیلور از آمریکا شکست خورد.

یزدانی در این مسابقه با نتیجه ۹ بر ۳ عقب بود اما در نهایت تیلور او را ضربه فنی کرد.

پیش از آغاز این مسابقات تقریباً مشخص بود فینالیست وزن ۸۶ کیلوگرم یزدانی و تیلور هستند اما دست‌کم یکسال است رقابت این دو حریف با مسائل سیاسی و اجتماعی در ایران گره خورده است.

حسن یزدانی پسر خوب حکومت در کشتی ایران دی‌ماه ۱۴۰۰ با تقدیم مدال خود در المپیک به خانواده قاسم سلیمانی دل از نظام و طرفدارانش بُرد و هر جا که لازم بود به مناسبت‌های مختلف برای ابراز ارادت به علی خامنه‌ای و انقلاب چیزی کم نگذاشت.

یزدانی در فدراسیون کشتی که با ریاست علیرضا دبیر بر اساس خط مشی جهادی و انقلابی اداره می‌شود از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به عنوان کاپیتان تیم ملی رابطه بسیار خوبی با پژمان درستکار سرمربی تیم کشتی آزاد دارد. با شروع اعتراضات در ایران بعد از جان باخت مهسا امینی در بازداشت «کشت ارشاد» آن زمان که مردم توقع داشتند افرادی سرشناس مثل دبیر، درستکار و یزدانی که خودشان به داشتن پایگاه اجتماعی بین افشار مختلف افتخار می‌کردند، مثل برادران خادم کنار مردم بایستند؛ اما آنها تصمیم دیگری گرفتند. از همان زمان انتقادات به آنها بالا گرفت و در مقابل حمایت طرفداران نظام از آنها بیشتر شد.

اینهمه در حالیست که وقتی یزدانی به عنوان یک ایرانی

داوود پهلوی: من سرباز وطنم ایران و شاهزاده رضا پهلوی هستم؛ به زودی همه ما ایرانی‌ها به کشورمان باز خواهیم گشت



سخنرانی داوود پهلوی در میلان / ۲۵ شهریور ۱۴۰۲

رضا پهلوی می‌داند و در کنار او تلاش می‌کند تا ایران را از شر جمهوری اسلامی رها سازد. او در مصاحبه با روزنامه لیبرو می‌گوید که خواستار حفظ و ارتقای روابط جامعه ایرانی‌های ایتالیا با نهادهای سیاسی و اقتصادی این کشور است و کشور ایتالیا به عنوان یکی از اصلی‌ترین شرکای اقتصادی رژیم ایران می‌بایست به همراه تمام کشورهای دموکراتیک روابط اقتصادی خود را بر مبنای سیاست‌هایی نوین نه با جمهوری اسلامی، بلکه با ملت ایران استوار کنند.

● سال گذشته، جرقه انقلاب را زنانی زدند که از تحمیل حجاب اجباری به ستوه آمده‌اند. فکر می‌کنید که سرکوب رژیم آن جنبش مردمی را شکست داده است؟

- قتل مهسا امینی در واقع آن قطره‌ای بود که باعث شد آب سرریز شود. خیلی زود مسئله از اعتراض به حجاب به یک انقلاب تمام‌عیار تبدیل شد. مهسا امینی نماد این انقلاب شد، نماد تمام زنان تحت ستم ایران و ملتی که اینهمه سال است در رنج و عذاب بسر می‌برد. فکر می‌کنم که یک ایران قبل از مهسا امینی داریم و یک ایران بعد از مهسا امینی. تحقق آزادی زمانبر است. آخوندها بی‌رحمانه دست به کشتار می‌زنند و اعضای تا دندان مسلح سپاه پاسداران ابایی از قتل و جنایت ندارند. اما این انقلاب بسیار قوی‌تر از آن است که متوقف شود. با اینکه سرکوب هر روز شدیدتر می‌شود و وضع اقتصادی کمر مردم را شکسته، اما ملت ایران تسلیم نمی‌شود و با وجود تمام اعدام‌ها، شکنجه‌ها و وحشت‌آفرینی‌ها همچنان به مبارزه ادامه می‌دهد. شجاعت مردم ایران مثال‌زدنی است. آنها حتی یک قدم هم عقب نخواهند رفت.

● از میان تمام شهرها شما میلان را برای شرکت در تجمع اعتراضی ایرانیان انتخاب کردید. ایتالیا چه نقشی می‌تواند در گذار ایران به دموکراسی داشته باشد؟

- ایران و ایتالیا دو ملت بزرگ و باریشه‌اند. کشورهای ما باید روابط اقتصادی خود را از نو بسازند و همچنین هم برای صلح و ثبات در خاورمیانه همکاری کنند. ←

● داوود پهلوی نوه شاهپورعلیرضا پهلوی فرزند رضاشاه و برادر شاه فقید است. او پنجاه سال دارد و در کشور سوئیس زندگی می‌کند.

● وی در گفتگو با روزنامه ایتالیایی لیبرو در پاسخ به این پرسش که آیا آلترناتیوی در برابر جمهوری اسلامی وجود دارد، می‌گوید: «آلترناتیو وجود دارد، مردم ایران بیش از هر زمان دیگری در مبارزه برای آزادی متحد هستند. درست است که حکومت هرچه بیشتر احساس خطر کند، خشن‌تر می‌شود، اما خشونت بیشتر بدان معناست که رژیم قدرت خود را در خطر می‌بیند.»

- «قتل مهسا امینی در واقع آن قطره‌ای بود که باعث شد آب سرریز شود. خیلی زود مسئله از اعتراض به حجاب به یک انقلاب تمام‌عیار تبدیل شد. مهسا امینی نماد این انقلاب شد، نماد تمام زنان تحت ستم ایران و ملتی که اینهمه سال است در رنج و عذاب بسر می‌برد. فکر می‌کنم که یک ایران قبل از مهسا امینی داریم و یک ایران بعد از مهسا امینی...»

سوئیس زندگی می‌کند. وی شنبه گذشته در شهر میلان مهمان انجمن سیاسی- فرهنگی ایران- ایتالیا بود و در رویدادی که همزمان با بسیاری از شهرهای دیگر جهان، در میلان نیز به مناسبت سالروز قتل دختر ایران مهسا امینی برگزار شد، شرکت و سخنرانی کرد. در این رویداد علاوه بر ایرانیان ساکن ایتالیا، شهروندان و برخی چهره‌های سیاسی این کشور نیز حضور داشتند. داوود پهلوی در این رویداد در کنار اعضای

داوود پهلوی در روز ۲۵ شهریور در تجمع ایرانیان ساکن ایتالیا که به مناسبت سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در شهر میلان برگزار شد شرکت کرد و با سخنرانی در جمع پرشور ایرانیان، اتحاد گرد شاهزاده رضا پهلوی را تنها راه پیروزی بر رژیم اسلامی و آزادی ایران دانست. او همچنین گفتگویی داشت با آندره مورچی خبرنگار روزنامه ایتالیایی لیبرو که ترجمه فارسی بخش‌هایی از آن توسط «انجمن ایران- ایتالیا» در



داوود پهلوی در کنار ماریوفیلیو برامبلا مدیر «انجمن ایران- ایتالیا» و ریکاردو تروپو عضو شورای کلانشهر میلان در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی / ۲۵ شهریور ۱۴۰۲

انجمن ایران- ایتالیا و تعدادی از نمایندگان پارلمان ایتالیا در برابر سرکنسولگری جمهوری اسلامی در شهر میلان سخنرانی کرد و گفت که خود را سرباز ایران و شاهزاده

اختیار کیهان لندن قرار گرفته است. داوود پهلوی نوه شاهپورعلیرضا پهلوی فرزند رضاشاه و برادر شاه فقید است. او پنجاه سال دارد و در کشور

بازداشت حدود ۲۰۰ زن و دختر پس از ۲۵ شهریور و انتقال آنها به زندان قرچک



©گرافیک از کیهان لندن

زندان تحمل کرده‌اند.»

به گفته وی، تمامی خدمات از جمله خدمات قضائی زندانیان قرچک تا اطلاع ثانوی تعطیل شده است. او در ادامه توضیح داد: «اخیراً سالومه زند و دلارام صحرایی دو زندانی سیاسی به انفرادی منتقل شده‌اند. در مجموع این روزها ۱۰ نفر به صورت تنبیهی به انفرادی منتقل شده‌اند.»

فرد مطلع ادامه می‌دهد: «همچنین برای تنبیه زندانیان مرخصی‌ها تا اطلاع ثانوی تعطیل شده و زمان تلفن زندانیان هم به نصف کاهش پیدا کرده است.»

به گفته این فرد نزدیک به زندانیان قرچک، برای بازداشتی‌ها کارت تلفن و کارت بانکی در داخل زندان نیز صادر نمی‌شود و حتی دسترسی به خرید را هم برای آنها محدود کرده‌اند.

وی توضیح می‌دهد: «زندان قرچک از ارائه هرگونه خدمات به زندانیان سیاسی خودداری می‌کند و همگی را تحت بازداشت موقت و بازجویی در شرایط سخت به حال خود رها کرده در حالی که به مشکلات زندانیان جرائم عادی کم و بیش رسیدگی می‌کنند و وضعیت آنها بهتر از زندانیان سیاسی است، از سوی دیگر عدم رسیدگی پزشکی در زندان قرچک باعث شده بیشتر زندانیان به مشکلات جسمانی نظیر حالت تهوع مداوم، عفونت ادراری و مشکلات گوارشی مبتلا شوند.»

پیشتر کیهان لندن در گزارش کوتاهی با عنوان «در زندان قرچک چه خبر است» خبر داده بود که زنان اسیر در این زندان به شدت مورد ضرب و جرح ماموران و زندانبانان قرار گرفته‌اند و حتی گاز اشک‌آور درون زندان شلیک کرده و برخی از زندانیان را به انفرادی منتقل کرده‌اند.

● بر اساس اطلاعات رسیده به کیهان لندن «بعد از ۲۵ شهریور حدود ۲۰۰ زن و دختر جوان را دستگیر کردند و در حال حاضر همه این افراد را در سالن ورزشی قرچک نگهداری می‌کنند. این افراد پس از ضرب و جرح و فحاشی از سوی مأموران، با لباس‌های پاره به سالن ورزشی زندان منتقل شده‌اند.»

● «با ورود این زندانیان جدید صف‌های طولانی برای حمام و دستشویی به مشکلات قبلی زندانیان قرچک اضافه شده.»

● «اخیراً سالومه زند و دلارام صحرایی دو زندانی سیاسی به انفرادی منتقل شده‌اند. در مجموع این روزها ۱۰ نفر به صورت تنبیهی به انفرادی منتقل شده‌اند.»

بر اساس اطلاعات رسیده به کیهان لندن از سوی یکی از نزدیکان زندانیان، بعد از ۲۵ شهریور، نخستین سالگرد خیزش انقلابی مردم، حدود ۲۰۰ زن و دختر جوان توسط نیروهای سرکوب و امنیتی بازداشت شده‌اند که همگی آنها را به سالن ورزشی زندان قرچک منتقل کرده‌اند.

این فرد نزدیک به یکی از زندانیان دربند در زندان قرچک اضافه می‌کند: «بعد از ۲۵ شهریور حدود ۲۰۰ زن و دختر جوان را دستگیر کردند و در حال حاضر همه این افراد را در سالن ورزشی قرچک نگهداری می‌کنند. این افراد پس از ضرب و جرح و فحاشی از سوی مأموران، با لباس‌های پاره به سالن ورزشی زندان منتقل شده‌اند.»

وی توضیح می‌دهد: «با ورود این زندانیان جدید صف‌های طولانی برای حمام و دستشویی به مشکلات قبلی زندانیان قرچک اضافه شده. پیشتر هم زندانیان قرچک این مشکلات را به همراه نبود آب و کیفیت بد آب آشامیدنی در این

→ مردم ایران به کمک نیاز دارند و من فکر می‌کنم ایتالیا و تمام کشورهای دموکراتیک باید روابط اقتصادی خود را با جمهوری اسلامی قطع کنند. این روابط باید بر مبنای نوین با ملت ایران شکل بگیرد. ما در ایران آنقدر جا برای ساخت و ساز و توسعه داریم که به کمک همه کشورها نیاز خواهیم داشت.

● در شرایط فعلی فکر می‌کنید که جامعه جهانی چه اقداماتی باید انجام دهد؟

-جهان آزاد روزی به ملت آلمان کمک کرد تا از شر آدولف هیتلر و مزدورانش که آلمان را به گروگان گرفته بودند رها شوند. اتحاد کشورهای آزاد، نازی‌ها را برای جنایات‌هایشان علیه بشریت پاسخگو کرد. کشور من هم امروز در شرایط تقریباً مشابهی گرفتار شده. هرگز و هرگز فراموش نمی‌کنیم که جمهوری اسلامی یک ملت را به گروگان گرفته و هر روز شکنجه می‌کند.

● به نظر شما با تهدید هسته‌ای جمهوری اسلامی چگونه می‌بایست برخورد شود؟

-جامعه جهانی به هر ترتیبی که باشد باید مانع دستیابی این رژیم فاسد و جنایتکار به سلاح هسته‌ای شود.

● شرایط سیاسی فعلی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- اقتصاد کشور در شرایط فاجعه‌باری است. هیچ چیز آنطور که باید کار نمی‌کند. تمام ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور به حال خود رها شده. آخوندها دین را ابزاری کرده‌اند برای غارت ثروت‌های طبیعی و صنعتی کشور ما. آنها انواع قاچاق از مواد مخدر گرفته تا مشروبات الکلی، فحشا، اسلحه و حتی نفت را به شکل روزانه و سازمانیافته انجام می‌دهند. آنها با همکاری نزدیک با گروه‌های مافیایی کلمبیایی، دولت ونزوئلا و... به یک کارتل جنایتکار تمام‌عیار تبدیل شده‌اند. این قاچاق‌ها و تجارت‌های غیرقانونی و همچنین غارت منابع اقتصادی ایران، برای آنها صدها میلیارد دلار درآمد ایجاد کرده که در انحصار خودشان است، در حالی که مردم ایران در شرایط فقر فراگیر زندگی می‌کنند.

● با بیش از ۴۰ سال که از عمر این رژیم تمامیت‌خواه می‌گذرد، آیا امروز آلترناتیوی برای آن وجود دارد؟

-آلترناتیو وجود دارد، مردم ایران بیش از هر زمان دیگری در مبارزه برای آزادی متحد هستند. درست است که حکومت هرچه بیشتر احساس خطر کند، خشن‌تر می‌شود، اما خشونت بیشتر بدان معناست که رژیم قدرت خود را در خطر می‌بیند. حتی در دایره داخلی حکومت هم صداهایی آماده کنار گذاشتن خامنه‌ای هستند. من فکر می‌کنم که نقش ارتشیان بسیار مهم است.

● فکر می‌کنید که بتوان اپوزیسیون را در خارج و داخل ایران متحد کرد؟

-اتحاد تا حدی به دست آمده؛ این همبستگی قوی و دموکراتیک است و به دنبال تحقق سکولاریسم و عدم تمرکز قدرت است. ما همه پشت سر یک رهبر سیاسی، شاهزاده رضا پهلوی، متحد هستیم. او مردی است که همه را دور هم جمع می‌کند و بانی این اتحاد است.

همچنین ما با تاسیس یک دولت انتقالی باید بر روی مسائل اجتماعی مانند حقوق زنان که از مسائل اصلی این انقلاب است و تعهدات مربوط به محیط زیست تمرکز کنیم که سرمایه‌ها را دوباره به داخل کشور بازگردانیم و بیکاری را که در حال حاضر به ویژه در بین جوانان بسیار زیاد است، متوقف کنیم. پس از بازگشت ثبات، از طریق یک فرآیند و انتخابات دموکراتیک، مردم این فرصت را خواهند داشت تا نوع دولت و حکومت آینده ایران را انتخاب کنند.

رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی به کمیورث هاشمی برای وزارت ورزش و جوانان



کمیورث هاشمی

● کمیورث هاشمی با ۱۶۷ موافق، ۵۷ مخالف، ۱۲ ممتنع و یک رأی باطله، از مجموع ۲۳۷ نماینده حاضر رأی اعتماد گرفت و به عنوان وزیر ورزش و جوانان گزینش شد. ● کمیورث هاشمی معاون پیشین سازمان تربیت بدنی، قائم مقام پیشین وزیر آموزش و پرورش در دولت دهم و رئیس پیشین کمیته ملی المپیک ایران بوده است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی امروز صلاحیت کمیورث هاشمی برای وزارت ورزش و جوانان را بررسی کرده و به او رأی اعتماد دادند.

جلسه بررسی رأی اعتماد کمیورث هاشمی وزیر پیشنهادی ورزش و جوانان امروز دوشنبه ۲۷ شهریورماه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در پایان این جلسه کمیورث هاشمی با ۱۶۷ موافق، ۵۷ مخالف، ۱۲ ممتنع و یک رأی باطله، از مجموع ۲۳۷ نماینده حاضر رأی اعتماد گرفت و به عنوان وزیر ورزش و جوانان گزینش شد.

ابوالفضل عمومی سخنگوی فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس شورای اسلامی در رابطه با بررسی صلاحیت کمیورث هاشمی در گفتگو با خبرنگاری «تسنیم» گفته بود که «۷۴ درصد آرای اعضای فراکسیون در حمایت آقای هاشمی برای تصدی وزارت ورزش بود» و «در نهایت اکثریت فراکسیون صلاحیت وزیر پیشنهادی ورزش را تأیید کرد».

کمیورث هاشمی پس از آنکه حمید سجادی وزیر پیشین ورزش و جوانان در دوم اردیبهشت استعفا داد، از سوی ابراهیم رئیسی به عنوان سرپرست این وزارتخانه منصوب شد. رئیسی در بیستم شهریور امسال او را به عنوان وزیر پیشنهادی ورزش و جوانان به مجلس معرفی کرد.

کمیورث هاشمی معاون پیشین سازمان تربیت بدنی، قائم مقام پیشین وزیر آموزش و پرورش در دولت دهم و رئیس پیشین کمیته ملی المپیک ایران بوده است.

رئیس شورای برون مرزی سازمان تربیت بدنی، سرپرستی فدراسیون فوتبال، رئیس ستاد مبارزه با دوپینگ کشور و دبیر شورای عالی المپیک ورزش ایرانیان از دیگر پست‌های کمیورث هاشمی در سالهای گذشته بوده است.



حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حال توضیح دادن در مورد موشک‌های سپاه برای وزیر دفاع روسیه توضیح می‌دهد

امنیت در پاییز ۲۰۲۳ بتواند خرید و فروش تسلیحات نظامی را با محدودیت کمتر ادامه دهد اما سه قدرت اروپایی اعلام کرده‌اند قصد تهدید این تحریم‌ها را دارند.

وزیر دفاع جمهوری اسلامی با اشاره به توافقنامه برجام، عدم اتمام محدودیت‌های تسلیحاتی شورای امنیت را نقض آشکار تعهدات اروپا دانست و اظهار داشت: «بیانیه مغرضانه این کشورها مبنی بر عدم پایبندی ایران به تعهدات خود نیز یک دروغ بزرگ سیاسی و نشانه روشنی برای عدم اعتماد ملت ایران به آنهاست». این در حالیست که رژیم ایران مفاد برجام را آشکارا زیر پا گذاشته و از جمله به غنی‌سازی اورانیوم و ذخیره آن با غلظتی چندین برابر توافق‌شده در برجام ادامه می‌دهد.

جمهوری اسلامی همچنین تهدید کرده در صورت تهدید تحریم‌های تسلیحاتی، این اقدام اروپایی‌ها را تلافی خواهد کرد. تحلیلگران معتقدند لغو مجوز دست‌کم هشت نفر از بازرسان و متخصصان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیش‌دستی جمهوری اسلامی برای تلافی بیانیه‌های اروپا علیه جمهوری اسلامی است.

هرچند روس‌ها به ظاهر جمهوری اسلامی را شریک خود می‌دانند اما از ارائه تسلیحات نظامی استراتژیک به ایران از جمله هواپیماهای سوخو-۳۵ خودداری کرده‌اند. اگرچه تهران هنوز امیدوار است این هواپیماها را دریافت کند. فعلاً بجای این هواپیماهای پیشرفته رزمی، روسیه ۱۲ فروند هواپیمای آموزشی «یاک» به ایران ارسال کرده است.

شویگو یکی از فرماندهانی است که یوگنی پریگورژین فرمانده سابق مزدوران «واگنر» خواستار برکناری وی به دلیل بی‌لیاقتی در جنگ علیه اوکراین شده بود. ولادیمیر پوتین فعلاً شویگو را در رأس ارتش نگه داشته اما پریگورژین کمتر از یک ماه پیش در سقوط مشکوک هواپیما در اطراف مسکو کشته شد.

رژیم ایران ارسال پهپاد برای روسیه را مرتب انکار می‌کند. اما جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در جریان دیدار با حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک بار دیگر از وی خواست همکاری نظامی ایران با روسیه متوقف شود.

بازدید وزیر دفاع روسیه از تولیدات پهپادی و موشکی سپاه پاسداران

تأکید سرگئی شویگو بر افزایش همکاری با جمهوری اسلامی

● شویگو وزیر دفاع روسیه گفته «ما با وجود مخالفت آمریکا و متحدان غربی آن، طیف وسیعی از فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده با ایران را در دستور کار داریم».

● آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی در دیدار با شویگو اشاره به توافقنامه برجام، عدم اتمام محدودیت‌های تسلیحاتی شورای امنیت را نقض آشکار تعهدات اروپا دانست و اظهار داشت: «بیانیه مغرضانه این کشورها مبنی بر عدم پایبندی ایران به تعهدات خود نیز یک دروغ بزرگ سیاسی و نشانه روشنی برای عدم اعتماد ملت ایران به آنهاست».

سرگئی شایگو وزیر دفاع روسیه که به تهران سفر کرده است روز چهارشنبه ۲۹ شهریور در یادگان نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ضمن دیدار با امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده این نیرو به بازدید از پهپادها و موشک‌های سپاه پرداخت.

در شرایطی که رهبران غرب در جریان نشست مجمع عمومی سازمان ملل و حاشیه‌ی آن از جمهوری اسلامی خواسته‌اند پشتیبانی تسلیحاتی از روسیه را متوقف کند، وزیر خارجه روسیه به ایران رفته تا درباره سند همکاری‌های بلندمدت نظامی و دفاعی تهران و مسکو مذاکره کند.

شویگو صبح چهارشنبه دیدارهای جداگانه‌ای با محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع و محمد باقری رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی داشت.

با وجود گزارش‌های متعدد درباره ارسال پهپادهای انتحاری و گلوله‌های جنگی از ایران به روسیه، وزیر دفاع این کشور گفته «ما با وجود مخالفت آمریکا و متحدان غربی آن، طیف وسیعی از فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده با ایران را در دستور کار داریم».

وی می‌افزاید: «در حالی که تعامل روسیه و ایران در حال رسیدن به سطح جدیدی است، فشار تحریم‌ها بر روسیه و ایران بیهودگی آنها را نشان می‌دهد».

آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی نیز تجربه همکاری و مشارکت با روسیه در حوزه‌های مختلف را «موفق» ارزیابی کرد و گفت: «بطور قطع همکاری‌های دفاعی و نظامی دوجانبه در چارچوب صلح و امنیت بین‌المللی پیش خواهد رفت.» تهران امیدوار بود با پایان تحریم‌های موشکی شورای

سقوط قطعات لاشه‌ی یک پهپاد یا موشک در چند منطقه مسکونی در گرگان



مردم و نیروهای نظامی اطراف بقایای اشیاء سقوط کرده در گرگان

از آن مربوط به خارج شهر است. این حادثه تلفات انسانی در پی نداشته اما خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی گزارش داد در اثر موج انفجار ناشی از سقوط این اشیاء، شیشه منازل اطراف و اتومبیل‌های واقع در اطراف محل حادثه شکسته است. یکی از قطعات نسبتاً بزرگ در بلوار استاندارد گرگان در محوطه بیمارستان «دزجانی» سقوط کرده است. یکی دیگر از قطعات حوالی پادگان لشکر ۳۰ گرگان فرود آمده و به مغازه‌ها، ماشین‌ها و منازل خسارت وارد کرد. از وسعت پراکندگی بقایای این شیء که احتمالاً پهپاد یا پرتابه‌ای مثل موشک بوده، می‌توان گفت که ابتدا در آسمان منفجر شده و سپس قطعات لاشه‌ی آن در چند نقطه سقوط کرده است.

بعضی ساکنان محلی گزارش دادند پیش از سقوط این اشیاء صدای توپ‌های پدافند را شنیدند و برخی دیگر می‌گویند صدا ناشی از برخورد قطعات این لاشه با زمین بود. مسئولان محلی می‌گویند موضوع در دست بررسی است.

ساعاتی پس از گمانه‌زنی‌ها در مورد سقوط این موشک رضا طلایی‌نیک سخنگوی وزارت دفاع تأیید کرد نقص فنی و انحراف یکی از سامانه‌های آفندی منجر به حادثه گرگان شد.

وی توضیح داد در فرآیند آزمایش تحقیقاتی سامانه‌های آفندی و پهپادی که در منطقه کویری انجام شد یکی از سامانه‌ها که در حال آزمون و تحقیقات بود، دچار نقص فنی شده و با انحراف از مسیر اصلی متلاشی و قطعاتی از آن در مناطقی از شهر گرگان سقوط کرد.

● خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی گزارش داد در اثر موج انفجار ناشی از سقوط این اشیاء، شیشه منازل اطراف و اتومبیل‌های واقع در اطراف محل حادثه شکسته است.

● معاون سیاسی امنیتی استاندار گلستان گفت بر اثر سقوط این پهپاد دو شهروند مجروح شدند.

● یکی از قطعات نسبتاً بزرگ در بلوار استاندارد گرگان در محوطه بیمارستان «دزجانی» سقوط کرده است.

● برخی منابع گزارش دادند در ۸ نقطه از شهر گرگان این اشیاء سقوط کردند.

● از وسعت پراکندگی بقایای این شیء که احتمالاً پهپاد یا پرتابه‌ای مثل موشک بوده، می‌توان گفت که ابتدا در آسمان منفجر شده و سپس قطعات لاشه‌ی آن در چند نقطه سقوط کرده است.

در گرگان روز دوشنبه ۲۷ شهریور در چند نقطه از شهر بقایای یک شیء پرنده مثل پهپاد یا موشک بالستیک در مناطق مسکونی سقوط کرد.

صدای مهیب انفجار ناشی از سقوط این اشیاء، ساکنان مناطق اطراف محل سقوط را نگران کرد. آنها از ترس به خیابان‌ها آمدند.

هنوز مشخص نشده که این لاشه مربوط به پهپاد بوده یا موشک شلیک شده از داخل یا خارج است.

معاون سیاسی امنیتی استاندار گلستان گفت بر اثر سقوط این پهپاد دو شهروند مجروح شدند.

برخی منابع گزارش دادند در ۸ نقطه از شهر گرگان این اشیاء سقوط کرده‌اند. فرمانده نیروی انتظامی استان گلستان تأیید کرد که چند مورد سقوط شیء گزارش شده که دو مورد

تدوین اساسنامه فدراسیون فوتبال، جذب و استخدام ۱۵ هزار معلم متخصص تربیت بدنی در سراسر کشور و طرح اجباری کردن شای کرال سینه در پایه سوم ابتدایی سراسر کشور از جمله اقدامات انجام شده در کارنامه کیومرث هاشمی است.

سید حمید سجادی هزاهه معروف به حمید سجادی وزیر ورزش و جوانان جمهوری اسلامی در حالی که چهار کارت زرد از مجلس دریافت کرده بود، همزمان با ارائه طرح استیضاح‌اش به هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی از سمت خود استعفا داد.

او از اوایل دهه ۸۰ خورشیدی وارد سمت‌های اجرایی مدیریتی در جمهوری اسلامی شد و از سال ۸۷ تا ۸۸ مدیرعامل و عضو موظف هیأت مدیره شرکت فرهنگی ورزشی سایپا و از سال ۱۳۸۸ تا رسیدن به وزارت در دولت رئیسی، جزو معاونان ارشد در وزارت ورزش و جوانان بود.

سجادی همچنین سمت‌های رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل مؤسسه ورزش و تفریحات سالم منطقه آزاد کیش، مسئول بسیج اعضای هیأت علمی دانشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، معاون فرهنگی ورزشی شرکت ورزشی شهر سالم شهرداری تهران، مدیر طرح و تأمین شبکه رادیویی ورزش، مجری و کارشناس برنامه‌های ورزشی صداوسیما جمهوری اسلامی را در کارنامه دارد. حمید سجادی در دوران مدیریت در سایپا حاشیه‌های زیادی به وجود آورد. او با هزینه گزاف لیت بارسکی مربی آلمانی را به تیم فوتبال سایپا آورد که بر اساس گزارش‌ها این مربی آلمانی پس از باخت سنگین در مقابل بنیادکار ازبکستان به صورت مخفیانه و پس از گرفتن همه پولش از ایران رفت و به تعهداتش عمل نکرد.

در موضوع لیت بارسکی پرونده اختلاف ۱۲۵ میلیون تومانی مترجم این مربی هم مطرح شد که در نوع خود از فحاحی فوتبال ایران در دوران جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. در همان زمان کوتاه مدیریت سجادی در سایپا، مبالغ کلانی پاداش بی‌حساب و کتاب به افرادی پرداخت شد که وجود خارجی نداشت (چیزی حدود ۱۰۰ هزار دلار) یا بابت تأمین لباس سایپا پول کلانی به عضو هیأت مدیره سایپا پرداخت شد در حالی که تبلیغ برند لباس روی پیراهن سایپا قرار داشت. همچنین در یک نمونه دیگر ۱۰۰ میلیون تومان برای نگهداری زمینی پرداخت شد که در مالکیت سایپا نبود و سایپایی‌ها آن را اجاره کرده بودند. مورد دیگر مبهم پرداخت حدود ۱۰۰ هزار دلار به افرادی بود که وجود خارجی نداشتند.

در زمان مدیریت سجادی در مجموعه ورزشی سایپا قیمت بازیکن نهایتاً ۱۰۰ میلیون تومان بود، اما باشگاه سایپا به عکاس سایپا ۱۵۰ میلیون تومان برای عکاسی و فیلمبرداری پرداخت کرده بود، همچنین ۲۴ میلیون به یک شرکت تبلیغاتی داده بود در حالی که کار شرکت تبلیغاتی کسب درآمد برای باشگاه بود.

در زمان حضور محمد عباسی به عنوان وزیر ورزش و حمید سجادی به عنوان معاون ورزش قهرمانی این وزارت، چندین میلیارد تومان (دلار ۱۲۰۰ تومانی) به منظور تجهیز پایگاه‌های ورزش قهرمانی کشور از طرف دولت تخصیص پیدا کرد. این اعتبار که در آن زمان می‌توانست موجب تحول اساسی ورزش کشور شود اما با گذشت حدود ۱۰ سال معلوم نیست چه سرروستی پیدا کرده است.

وزیر ورزش و جوانان به دلیل همین پرداخت‌ها و امضاهای مبهم و مشکوک با پرونده قضایی هم روبرو شد و به همین دلیل مسیر فعالیت‌های خود را به سمت فعالیت‌های اقتصادی، ثبت شرکت‌های متعدد و ایجاد درآمدهای نجومی تغییر داد.

تصویب «اجرای آزمایشی سه ساله لایحه عفاف و حجاب» در مجلس شورای اسلامی



ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» بهار امسال از سوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی تدوین و پس از تصویب در هیئت دولت برای تصویب نهایی و قانونی شدن به مجلس شورای اسلامی ارجاع شد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۲ امرداد با بررسی این لایحه در ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی موافقت کردند. بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری صلاحیت وضع قوانین آزمایشی را به کمیسیون‌های خویش تفویض کند که در اینصورت بررسی و تصویب قانون به دور از چشم افکار عمومی انجام می‌شود. پیشنهاد رفتن لایحه حجاب و عفاف زیر اصل ۸۵ از سوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس به صحن علنی آورده شده بود و با گرفتن موافقت از اکثر نمایندگان، در عمل نمایندگان مجلس حق رأی به متن نهایی لایحه را نداشته و پس از تصویب در کمیسیون قضایی و حقوقی، لایحه بطور مستقیم برای تصویب و قانونی شدن به شورای نگهبان می‌رود. این لایحه به تازگی در ۷۰ ماده و ۵ فصل تنظیم شده که پنج فصل این لایحه شامل کلیات، وظایف عمومی دستگاه‌های اجرایی، تکالیف اختصاصی دستگاه‌های اجرایی، وظایف عمومی و مسئولیت اجتماعی، و جرایم و تخلفات است.

در فصل پنجم این لایحه نیز «برای افراد شاخص مجازات‌های خاصی در نظر گرفته شده و برای افرادی که در فضای مجازی و غیرمجازی مرتکب تخلف شوند، مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است.»

بنابر ماده دو این لایحه، دستگاه‌های حکومتی باید در مورد «تکالیف» خود ابتدای آبان ماه هر سال به شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی گزارش بدهند و در تبصره ۲ این مصوبه نیز آمده که نیروهای نظامی و انتظامی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی نیز «با اذن» رهبر جمهوری اسلامی موظف به همکاری با ستاد مربوطه هستند و «مکلفند گزارش عملکرد سالانه خود را تا ابتدای مهرماه هر سال به وزارت کشور ارائه دهند.»

آزمایشی ۴ سال برای اجرای این لایحه را مطرح کرد و دلیل آن را هم پیگیری نقاط ضعف این لایحه در مجلس آینده عنوان کرد.

محمدرضاباغبان نماینده مردم بافق در پیشنهادی مطرح کرد که این لایحه به مدت یک سال به صورت آزمایشی اجرا شود و گفت: «اگر مدت کوتاهی برای اجرای این لایحه در نظر بگیریم، می‌توانیم خیلی زودتر نسبت به رفع اشکالات این لایحه اقدام کرد. از طرفی بهتر بود در وضعیت پوشش برخی از مردان در جامعه هم در لایحه مواردی در نظر گرفته می‌شد.»

با اینهمه به نظر می‌رسد جریانی در مجلس شورای اسلامی با سردستگی سردار محمد باقر قالیباف که پیشتر مسئول پیشبرد این لایحه عنوان شده بودند، تصمیم نهایی برای اجرای آزمایشی سه ساله این لایحه را داشتند و همان هم تصویب شد.

در جلسه امروز مجلس شورای اسلامی همچنان نمایندگان که از ابتدا با تصویب و اجرای چنین لایحه‌ای مخالف بودند، نظرات مخالف خود را تکرار کردند. جلیل رحیمی جهان آبادی از جمله این نمایندگان بود که در سخنانی اعلام کرد به عقیده او این لایحه قابلیت اجرا ندارد: «مسئله این است که آیا این لایحه امکان اجرایی دارد یا خیر. از طرفی همه جامعه دین مدار مخالف این لایحه است و هم قوه قضاییه با این لایحه مخالفت کرد و هم اینکه برخی از نمایندگان با این لایحه مشکل دارند.»

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی اما بلافاصله اعلام کرد که قوه قضاییه با این لایحه مشکل ندارد بلکه به صورت کتبی با آن موافقت کرده است.

با تصویب این لایحه در مجلس شورای اسلامی، اکنون گزارش کمیسیون قضایی و حقوقی درباره لایحه «عفاف و حجاب» به شورای نگهبان ارسال خواهد شد و در صورت تصویب به مدت سه سال «به صورت آزمایشی» در کشور اجرا خواهد شد. این لایحه با عنوان کامل «حمایت از خانواده از طریق

رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: در این لایحه مباحث فرهنگی لحاظ نشده بود و ۳۵ ماده در حوزه مباحث فرهنگی در این لایحه گنجانده شد تا دستگاه‌ها اقداماتی را علیه جنگ روانی دشمن انجام دهند.

در جلسه امروز مجلس شورای اسلامی نمایندگان که از ابتدا با تصویب و اجرای چنین لایحه‌ای مخالف بودند، نظرات مخالف خود را تکرار کردند و حتی آن را غیرقابل اجرا خواندند.

اکنون لایحه «عفاف و حجاب» به شورای نگهبان ارسال خواهد شد و در صورت تصویب به مدت سه سال «به صورت آزمایشی» در کشور اجرا خواهد شد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی به اجرای آزمایشی سه ساله لایحه «عفاف و حجاب» رأی مثبت دادند. این طرح هنوز از سوی شورای نگهبان تصویب نشده است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی امروز چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ با ۱۵۲ رأی موافق، ۳۴ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع با اجرای آزمایشی لایحه «عفاف و حجاب» به مدت سه سال موافقت کردند.

پیش از رأی‌گیری درباره مدت اجرای آزمایشی این لایحه، نمایندگان نظرات خود را مطرح کردند. موسی غضنفرآبادی رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در توضیحاتی گفت: «این لایحه ۱۵ ماده داشت ولی مباحث فرهنگی در آن لحاظ نشده بود بر همین اساس ۳۵ ماده در حوزه مباحث فرهنگی در این لایحه گنجانده شد تا دستگاه‌ها اقداماتی را علیه جنگ روانی دشمن انجام دهند.»

محمدتقی نقدعلی دیگر عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی گفت پیشنهاد او اجرای آزمایشی پنج ساله لایحه بوده است: «اگر مدت زمان ۳ سال در لایحه قرار دهیم این زمان برای بررسی نقاط ضعف و قوت کافی نیست و برای رفع عیوب این لایحه مدت ۵ سال می‌تواند به رفع چالش‌های احتمالی کمک کند.»

علیرضا سلیمی نماینده محلات در ادامه پیشنهاد اجرای

فرمانده نیروی هوایی آمریکا در خاورمیانه می‌گوید از «همکاری و تبانی» روسیه و ایران نگران است



در ماه‌های اخیر گزارش‌هایی در مورد تغییر کلاهک پهپاد «شاهد» برای تقویت میزان آسیب آن در برخورد با هدف منتشر شد

کارشناسانی که پهپادها را بررسی کرده‌اند، آنها را به ایران مرتبط می‌دانند و می‌گویند تعداد زیادی از این پهپادها در میدان نبرد به کار گرفته شده، که نشان‌دهنده تجهیز مداوم روسیه توسط جمهوری اسلامی است.

گرینکوویچ همچنین گفت از این نگران است که روسیه به ارتقاء فناوری پهپادهای انتحاری ایران کمک کند و این وسایل را خطرناک‌تر کند و از آنجا که روسیه به خاطر این مهمات به ایران بدهکار است، می‌تواند به عنوان ابزار فشار بر خلبانان آمریکایی که بر فراز سوریه و عراق به عنوان بخشی از مأموریت علیه داعش پرواز می‌کنند، به کار برده شود. وی افزود: «ممکن است سطحی از همکاری و تبانی بین روسیه و ایران وجود داشته باشد که در سوریه در حال انجام است. ما خواهیم دید که این به کجا می‌رسد... این چیزی است که ما به دقت نظارت می‌کنیم. این روابط رو به رشد برای من یک نگرانی نظامی است.»

در این میان گزارش شده است که خلبانان روسی در ماه‌های اخیر در پروازهایی نزدیک به جنگنده‌های F-۳۵ و پهپادها بر فراز سوریه بسیار تهاجمی عمل کرده‌اند. نیروی هوایی آمریکا تصاویر یک خلبان روسی را منتشر کرده که با خالی کردن پاک هواپیما در حال ریختن سوخت روی یک پهپاد آمریکایی است. گرینکوویچ معتقد است هنوز این اقدامات روسیه فراگیر نشده اما می‌گوید «ماهیت این رفتارها غیرحرفه‌ای است و هنوز گاهی پهپادهای MQ-۹ ما را رهگیری می‌کنند، البته در این مورد بسیار امن‌تر عمل کرده‌اند اما همچنان این کارها را غیرحرفه‌ای می‌دانم.»

روسیه و آمریکا در حریم هوایی سوریه هنوز چارچوب توافقی را که «خطوط عدم درگیری» نام دارد رعایت می‌کنند که با هدف جلوگیری از درگیری مستقیم و یا نزدیکی بیش از حد هواپیماهای دو طرف اجرا می‌شود.

فرمانده نیروی هوایی آمریکا در خاورمیانه افزود که در حدود ۹۰ درصد از عملیات هوایی دو طرف این مقررات رعایت می‌شود ولی دو کشور در مورد ۱۰ درصد دیگر اختلاف دارند.

ژنرال الکسوس گرینکوویچ فرمانده مرکز نیروی هوایی ایالات متحده در خاورمیانه گفت که روسیه در حال مدرن‌سازی پهپادهای ایرانی است و این فناوری ممکن است به ایران بازگردد و پهپادهای ایرانی را خطرناک‌تر کند.

فرمانده ارشد نیروی هوایی آمریکا در خاورمیانه روز چهارشنبه ۲۰ سپتامبر (۲۹ شهریور) با ابراز نگرانی از «همکاری و تبانی» رژیم ایران و روسیه گفت ارسال پهپادهای انتحاری از ایران به روسیه می‌تواند به خطرناک‌تر شدن برنامه‌های نظامی جمهوری اسلامی کمک کند و خطرات در کل خاورمیانه را افزایش دهد. به گزارش آسوشیتدپرس ژنرال الکسوس گرینکوویچ فرمانده مرکز نیروی هوایی ایالات متحده در خاورمیانه گفت که روسیه در حال مدرن‌سازی پهپادهای ایرانی است و این فناوری ممکن است به ایران بازگردد و پهپادهای ایرانی را خطرناک‌تر کند. علاوه بر این، روسیه ممکن است برای پس دادن بدهی خود به ایران، شرایط پرواز هواپیماهای آمریکایی بر فراز سوریه و عراق را خطرناک‌تر کند. خلبانان آمریکایی قبلاً با آنچه آنها به عنوان مانورهای تهاجمی‌تر از سوی خلبانان روسی در سوریه توصیف می‌کنند، مواجه شده‌اند. این در حالیست که نیروی آمریکا اخیراً برای محافظت از کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز در آن منطقه مستقر شدند.

گرینکوویچ در یک کنفرانس خبری در سفارت آمریکا در ابوظبی به خبرنگاران گفت: «من نگران روابط رو به رشد روسیه و ایران و پهپادهایی هستم که به روسیه عرضه می‌شوند. چه کسی فکرش را می‌کرد که روسیه برای داشتن قابلیت‌های نظامی به ایران نیاز داشته باشد، اما به آنجا رسید. این یعنی روسیه در واقع چیزی به ایران بدهکار است. من نگران سطح همکاری هستیم که ممکن است رخ دهد.»

جمهوری اسلامی توضیحات ضد و نقیضی در مورد پهپادهایی که روسیه علیه اوکراین به کار گرفته است ارائه می‌دهد. در برخی مواقع پشتیبانی از مسکو را رد می‌کند و در بعضی موارد از جمله حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفته این پهپادها قبل از آغاز جنگ علیه اوکراین به روسیه ارسال شد. کشورهای غربی، اوکراین و

از سوی دیگر فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ملکف به «ایجاد و تقویت سامانه‌های هوشمند شناسایی مرتکبین رفتارهای خلاف قانون با استفاده از ابزارهایی از قبیل دوربین‌های ثابت و سیار» شده است.

همچنین در فصل سوم از صداوسیما جمهوری اسلامی خواسته شده برنامه‌هایی به منظور تحقق اهداف این لایحه تهیه کند، از دعوت و انعقاد قرارداد با هنرمندانی که «سبک زندگی آنها مغایر فرهنگ حجاب و عفاف است» خودداری کند، و از تولید و پخش صوت و تصویر مروج «فساد، برهنگی، بی‌حجابی، و بی‌عفتی» جلوگیری نماید.

در ماده ۵۰ این لایحه تاکید شده است که «هر شخصی در انتظار یا اماکن عمومی یا معابر اقدام به برهنگی یا نیمه‌برهنگی نماید یا با پوششی ظاهر شود که عرفاً برهنگی محسوب می‌شود»، بلافاصله توسط ضابطان «بازداشت» و به مرجع قضائی تحویل می‌شود.

ماده ۴۹ این لایحه «هرکس در انتظار یا اماکن عمومی یا معابر مرتکب بدپوششی شود در مرتبه اول معادل حداکثر جزای نقدی درجه شش و در مراتب بعدی به جزای نقدی درجه پنج» محکوم می‌شود. ممنوعیت خروج از کشور و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال از دیگر مجازات‌های در نظر گرفته شده برای زنان در این لایحه است.

همچنین در «ماده ۱» این لایحه آمده که خانواده به عنوان کانون اصلی، رشد تعالی و آرامش، انسان در برابر فرد و جامعه، اصالت دارد و هر رفتار، در فضای حقیقی یا مجازی از قبیل، برهنگی بی‌حجابی بدپوششی در غیر حریم خصوصی و تبلیغ یا ترویج اموری که منجر به برهم زدن آرامش زن و مرد در خانواده گسترش طلاق و آسیب‌های اجتماعی و کاهش ارزش خانواده شود، نقض بندهای (۱) و (۷) اصل سوم (۳) و اصل دهم (۱۰) قانون اساسی است و مطابق احکام این قانون و سایر قوانین ممنوع می‌باشد.

در بخشی از لایحه آمده که ارتکاب به بی‌حجابی هر فرد اگر «با همکاری دولت‌ها، شبکه‌ها، رسانه‌ها، گروه‌ها یا سازمان‌های خارجی یا معاند و یا به صورت سازمان‌یافته» باشد، با مجازات «حبس و جزای نقدی درجه چهار» روبرو و اگر «اغفال شده باشد» مجازات او تا سه درجه تخفیف دارد. در تبصره یک این ماده آمده است که «بدپوششی در مورد زنان عبارت است از پوشیدن لباسی که خلاف عفت عمومی است از قبیل لباس بدن‌نما و تنگ» یا «لباسی که قسمتی از بدن پایین‌تر از گردن یا بالاتر از مچ پا یا بالاتر از ساعد دست‌ها» دیده شود.

تبصره ۲ این ماده نیز «بدپوششی در مورد مردان» را تعیین کرده و افزوده است: «بدپوششی در مورد مردان عبارت است از پوشیدن لباسی که خلاف عفت عمومی است از قبیل لباس بدن‌نما یا لباسی که قسمتی از بدن پایین‌تر از سینه یا بالاتر از ساق یا یا سرشانه فرد» دیده شود.

حبس و جریمه درجه چهار شامل «حبس بیش از پنج تا ده سال» و «جزای نقدی تا ۳۶ میلیون تومان» از جمله مجازات‌های در نظر گرفته شده برای زنانی است که حجاب تحمیلی و اجباری جمهوری اسلامی را رعایت نکرده و دارای پوشش اختیاری باشند.

در بخش دیگری از این لایحه شیوه «گزینش» ادارات برای امور استخدامی با سخت‌گیری‌هایی شبیه سال‌های نخست پس از انقلاب ۵۷ روبرو شده است. در این لایحه اعمال گزینش بدو خدمت و استمرار صلاحیت‌های بدو گزینش در دوره سنوات خدمتی و رعایت حجاب برای کلیه معلمان، دانشجو معلمان، و کارکنان اعم از رسمی، پیمانی یا قراردادی الزامی شده است.

تبدیل آشوراده به «کیش دوم» نگرانی درباره نابودی محیط زیست منطقه



● طرح توسعه گردشگری جزیره آشوراده در استان گلستان به بهانه «رونق بخشیدن به منطقه» و با رویای تبدیل کردن این جزیره به «کیش دوم» به مرحله اجرا نزدیک شده است.

● مدیران استانی گلستان ادعا می‌کنند که جزیره آشوراده می‌تواند مانند کیش توسعه یابد و جوامع محلی از اقتصاد گردشگری منتفع شوند.

● مخالفان معتقدند پایداری اکولوژیک ایران به دلیل پیامدهای تغییر اقلیم و سوء مدیریت در منابع آب و خاک با مخاطره جدی روبروست و چنین طرح‌هایی نابودی زیست محیط کشور را سرعت می‌بخشد.

پس از سال‌ها تلاش در دولت‌های مختلف و با وجود مخالفت فعالان محیط زیست طرح توسعه گردشگری جزیره آشوراده در استان گلستان به مراحل اجرا نزدیک شده است.

خبرگزاری «رکنا» امروز دوشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۲ گزارش داده که طرح توسعه گردشگری جزیره آشوراده در استان گلستان به بهانه «رونق بخشیدن به منطقه» و با رویای تبدیل کردن این جزیره به «کیش دوم» به مرحله اجرا نزدیک شده است.

آشوراده در انتهای شرقی شبه‌جزیره میانکاله در شهرستان بندر ترکمن در استان گلستان قرار دارد. این جزیره در کنار جزایر آکاز و اسماعیل‌سای از جزایر ایرانی دریای مازندران واقع است.

آشوراده که تا کنون بافت سنتی و طبیعی خود را حفظ کرده و یکی از جاذبه‌های توریستی استان گلستان است، سال‌هاست به بهانه توسعه گردشگری در مرکز توجه طرح‌های دولت‌های مختلف برای تبدیل شدن به منطقه‌ای تجاری- تفریحی قرار داشته است.

در گزارش خبرگزاری «رکنا» آمده که مدیران استانی گلستان ادعا می‌کنند که جزیره آشوراده می‌تواند مانند کیش توسعه یابد و جوامع محلی از اقتصاد گردشگری منتفع شوند.

بر اساس این گزارش، هرچند بیش از دو دهه تلاش ناکام در دولت‌های مختلف برای تبدیل کردن این جزیره به یک منطقه تجاری- توریستی، اصرار بر توسعه نهایتاً توانست منجر به یک توافق بین سازمان محیط زیست و وزارت میراث فرهنگی برای توسعه گردشگری در این منطقه شد.

در ادامه این گزارش آمده که قوه قضاییه نیز پیرو این توافق به یک درگیری قدیمی میان سازمان منابع طبیعی و بنیاد مسکن درباره مالکیت اراضی این جزیره وارد و به نفع بنیاد مسکن داد و به این ترتیب اختیار و شرایط سرمایه گذاری و توسعه گردشگری در این منطقه به دست بنیاد مسکن افتاد.

ریشه این اختلاف به دولت محمد خاتمی باز می‌گردد که در ۱۳۸۳ سند مالکیتی که در سال ۱۳۷۶ و در نخستین سال فعالیت دولت محمد خاتمی ثبت شده بود به بنیاد علوی وابسته به بنیاد مستضعفان واگذار و در نتیجه بنیاد مستضعفان مدعی مالکیت جزیره شد. بنیاد علوی مدتی بعد با واگذاری بخش‌هایی از جزیره به یک شرکت خصوصی، بخش خصوصی را با سازمان محیط زیست وارد مناقشه حقوقی کرد.

برای سازمان منابع طبیعی است، خیر، اینگونه نیست. ۱۴ روز بعد از دستور رسیدگی رئیس محترم قوه قضاییه برای این موضوع این اتفاق رخ داد.»

حکم مالکیت بنیاد مسکن بر بخش مهمی از اراضی آشوراده در حالی صادر شده که سمیه رفیعی رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی نیز دو سال پیش از همسویی نظرات فراکسیون محیط زیست مجلس با فعالان محیط زیستی درباره مخالفت با تغییر و ساخت و ساز در این جزیره خبر داده بود.

سمیه رفیعی گفته بود که «محیط زیست به مثابه اکوسیستم چرخه‌ای از عوامل در هم تنیده است که یک تصمیم اشتباه، اثر سوء خود را بر کل آن می‌گذارد. انتظار می‌رفت مراجع تخصصی نظیر سازمان حفاظت محیط‌زیست پیش از هر تصمیم مقام اجرایی دولت، نظر کارشناسی خود را ارائه می‌کردند.»

با اینهمه سازمان محیط زیست و فعالان زیست محیطی نسبت به عواقب طرحی که قرار است در جزیره اجرا شود هشدار داده و با آن مخالف هستند. مخالفان معتقدند پایداری اکولوژیک ایران به دلیل پیامدهای تغییر اقلیم و سوء مدیریت در منابع آب و خاک و تنوع زیستی تحت مخاطره جدی قرار گرفته و چنین طرح‌هایی نیز نابودی زیست محیط کشور در مناطق مختلف را سرعت می‌بخشد. علی سلاجقه در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران سال گذشته با بیان اینکه سازمان محیط زیست با هرگونه ساخت و ساز در آشوراده مخالف است گفته بود: «در جهت حفاظت از ارزش‌های بی‌نظیر اکولوژیک و گردشگری جزیره و جلوگیری از تکرار وقایع تلخ ساخت و ساز در روستای زیارت گرگان، سازمان با هر گونه ساخت و ساز جدید در جزیره مخالف است.»

در دوره ریاست معصومه ابتکار بر سازمان محیط زیست نیز دولت واگذاری ۳۸۰ هکتار از این جزیره به شرکت خصوصی «مناطق گردشگری جهان» را تصویب کرد. اکنون پس از سال‌ها با حکمی که قوه قضاییه به نفع بنیاد مستضعفان داده مشخص نیست چه سرنوشتی پیش روی این جزیره است؛ به ویژه آنکه به نظر می‌رسد بنیاد مستضعفان تصمیم دارد به سرعت ساخت و ساز در این منطقه را آغاز کند. در همین رابطه مدیر بنیاد مسکن استان گلستان گفته که «اگر این اتفاقات در مورد جزیره آشوراده ۲۰ سال پیش رقم می‌خورد اکنون این منطقه به قطب گردشگری کشور تبدیل شده بود.»

حیدر آسیابی رئیس کل دادگستری استان گلستان امروز دوشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۲ در مورد آزادسازی جزیره آشوراده توضیح داده که «نزدیک به ۲ دهه بود که می‌خواستند گردشگری آشوراده را احداث کنند. در سفر رئیس قوه قضاییه و دیدار با سازمان حفظ محیط زیست مقرر شد این طرح اجرا شود. عنوان شد تعداد مشخصی گردشگر به جزیره بیایند اما نمی‌شود امکان بیتوته نداشته باشند.»

رئیس کل دادگستری استان گلستان افزوده که «سال ۷۲ با بالا آمدن آب تعدادی از خانه‌های روستا زیر آب می‌رود. آن زمان بنیاد مسکن عنوان می‌کند به جای خانه در این جزیره در بندر ترکمن زمین بگیرند و زمین‌های این خانواده متعلق به سازمان منابع طبیعی است. اما زمانی که برای جزیره سند گرفته شد قریه آشوراده هم در سند ماند. تعریف دعوا شد چرا که مشخص نبود سند مرتبط با بنیاد مسکن باشد یا منابع طبیعی. ما نشست رسیدگی فوق‌العاده برگزار کردیم.» این مقام قضایی همچنین ادامه داده که «طرف یک ماه جلسات سنگین برگزار شد و ۱۹ هکتار سندش تغییر مالکیت داد و صادر شد و آن ۱۹ هکتار که گفته می‌شود

رانش زمین و خسارت شدید به مناطق شهری، روستایی و کشاورزی غرب گیلان در پی جاری شدن سیل



آبگرفتگی خیابان‌ها و خانه‌های آستارا در پی جاری شدن سیل

- فرماندار آستارا از مصدوم شدن هفت نفر در پی وقوع سیل خبر داد و گفت ۲۷۱ میلی‌متر باران در آستارا باریده که در ۱۰۰ سال اخیر سابقه نداشته است.
- بر اساس آنچه تا کنون اعلام شده در پی بارش باران و سیلاب ۱۸ روستای شهرستان آستارا دچار خسارت شدید شده‌اند.
- نبود زیرساخت‌های شهری و روستایی مناسب در برابر سیل سبب بالا رفتن میزان تخریب و خسارت در سیل دو روز گذشته در غرب گیلان شده است.

شهرستان آستارا و دیگر مناطقی از استان گیلان که در پی بارش شدید و جاری شدن سیل دچار خسارت زیادی شده بودند، حالا رانش زمین نیز بر آن اضافه شده و بخشی از راه‌های ارتباطی استان بر اثر سیل و رانش تخریب شده‌اند. بارش مداوم باران در غرب گیلان به ویژه در آستارا، موجب وقوع سیل گسترده و تخریب جاده‌ها و سردنه‌های آبیاری بین مزارع، قطع تعدادی از راه‌های ارتباطی و دسترسی به نقاط همجوار شده است. همچنین در برخی مناطق از جمله روستای لاسک رانش گسترده زمین رخ داده است. میزان و شدت بارش باران در روزهای گذشته در استان گیلان بی‌سابقه بوده و حتی از پیش‌بینی سازمان هواشناسی نیز فراتر رفت و از نخستین ساعات بامداد روز دوشنبه ۲۷ شهریورماه نقاط مختلف غرب استان گیلان و به ویژه شهرستان آستارا را با سیلاب روبرو کرد.

محمدرضا شهاب‌زاده فرماندار آستارا روز دوشنبه ۲۷ شهریورماه از مصدوم شدن هفت نفر در پی وقوع سیل خبر داد و گفت ۲۷۱ میلی‌متر باران در آستارا باریده که در ۱۰۰ سال اخیر سابقه نداشته است.

مدیرعامل آب منطقه‌ای گیلان درباره میزان بارندگی اخیر در آستارا گفته که «در مدت پنج ساعت ابتدایی بارش‌ها در آستارا ۲۶۵ تا ۲۷۰ میلی‌متر بارندگی رخ داد که معادل یک سال دبی بارش در یک استان است.»

تصویر و ویدئوهای منتشر شده از سیل آستارا نشان از آبگرفتگی خیابان‌ها و معابر شهر آستارا و روستاهای منطقه و همچنین جاده‌های بین شهری و روستایی دارد. بسیاری از مردم به دلیل عمق آب جاری در شهرها و روستاها ناچار به استفاده از قایق شده‌اند و هزاران واحد مسکونی را آب فرا گرفته است.

مدیرعامل «هلال احمر» گیلان گفته «۲۴۰ نفر از سیل‌زدگان به مناطق امن منتقل شدند و بسته‌های غذایی بین آنها توزیع شده» و «امدادرسانی به سیل‌زدگان همچنان ادامه دارد.»

امیر مرادی مدیرکل مدیریت بحران استانداری گیلان امروز چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ از تخریب جدی ۶ منطقه شهری آستارا بر اثر وقوع سیلاب خبر داد و گفت «۱۵۰ شهروند آستارایی گرفتار در سیل اسکان اضطراری یافتند.»

وی افزوده است: «اقدام ضروری، بسته‌های غذایی، آب معدنی و موکت به کمک نیروهای هلال احمر در بین ۲ هزار خانوار شهرستان آستارا توزیع شد.»

هنوز میزان دقیق خسارت وارد شده سیل به استان گیلان و به ویژه شهرستان آستارا مشخص نشده است. به گفته مدیرکل بحران استانداری گیلان «کارشناسان بنیاد مسکن

استان، دستگاه‌های اجرایی، شهرداری‌ها و بخشداری‌ها پس از بررسی میزان خسارت به ابنیه، ساختمان‌ها، امکانات زیرساختی و حوزه کشاورزی، نتایج را به مدیریت بحران استانداری گزارش می‌دهند و جمع‌بندی نهایی از میزان خسارت به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اعلام خواهد شد.»

اسدالله عباسی استاندار گیلان نیز روز گذشته خبر داد که سیل به شبکه‌های آبرسانی، آب‌بندها و سردنه‌ها خسارت وارد کرده و یک دهنه از پل ارتباطی بین آستارا و لوندویل و تالش تخریب شده است.

بر اساس آنچه تا کنون اعلام شده در پی بارش باران و سیلاب ۱۸ روستای شهرستان آستارا دچار خسارت شدید شده بطوری که خانه‌ها در ۴ روستای کانرود، سیبلی، خلیل سرا و خسرو آباد این شهرستان خسارت جدی دیده و وسایل برقی و دیگر کالاهای درون این خانه‌ها هم غیرقابل استفاده است.

همچنین شش منطقه شهری در شهرستان آستارا نیز به شدت تخریب شده و به گفته امیر مرادی «راه افتادن سیلاب و گل و لای در خیابان‌های کشاورز، شالیزار، حافظ، خلیل آباد، رستمیان و عباس آباد موجب ورود سیلاب به داخل خانه‌ها شده و وسایل منازل این مناطق زیر آب رفته است.»

در این میان در بخش کشاورزی نیز مرغداری‌ها، دامداری‌ها و مزارع و باغ‌ها نیز با خسارت زیادی روبرو شده اما هنوز آمار دقیقی از خسارت در این بخش در دسترس نیست.

برخی گزارش‌ها از نبود امکانات لازم برای امدادرسانی به سیل‌زدگان در شهر آستارا و روستاهای غرب گیلان حکایت دارد بطوری که نیروهای «هلال احمر» و آتش‌نشانی برای کمک به شهروندان در آستارا ناچار به استفاده از قایق‌های

موتوری و پارویی شدند. در اکثر محلات آستارا و همچنین در دهه روستا برق و آب قطع شد و اکنون مسئولان استانی می‌گویند پس از دو روز در برخی مناطق برق و آب وصل شده است.

وبسایت «تجارت‌نیوز» با استناد به برآوردهای اولیه میزان خسارت سیل در آستارا را حدود ۱۰۰ میلیارد تومان اعلام و تأکید کرد این رقم به احتمال زیاد با برآوردهای بیشتر در روزهای آینده افزایش خواهد یافت.

در این گزارش همچنین تأکید شده نبود زیرساخت‌های شهری و روستایی مناسب در برابر سیل سبب بالا رفتن میزان تخریب و خسارت در سیل دو روز گذشته در غرب گیلان شده است.

بر اساس این گزارش، تقویت زیرساخت‌های شهری و اقدامات پیشگیرانه‌ای مانند لایروبی رودخانه‌ها و کانال‌های آب می‌توانست به کاهش خطر وقوع سیل و آسیب‌های آن کمک کند.

وبسایت «گیل‌خبر» نیز در گزارشی که روز گذشته منتشر شد نوشته به وجود تلاش نیروهای امدادی و خدمات‌رسانی، همچنان شهروندان سیل‌زده در آستارا با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند.

در این گزارش آمده که «به دلیل از کار افتادن تصفیه‌خانه آستارا در پی جاری شدن سیل، آب بیش از نیمی از شهر قطع شده است و توزیع آب معدنی و آشامیدنی با کندی مواجه است.»

این گزارش افزوده بود که «علیرغم وعده اتصال و پایداری شبکه برق در سراسر شهرستان آستارا، همچنان گزارش‌های شهروندان از قطعی برق در برخی نقاط حکایت دارد. کمبود نان و تامین غذای گرم، مشکل دیگری است که شهروندان سیل‌زده گیلان با آن مواجه‌اند.»



تجمع بستگان بازداشت‌شدگان مقابل ستاد فرماندهی امداد نیروی انتظامی، افسریه

بازداشت فله‌ای شهروندان به دلیل هراس جمهوری اسلامی از اعتراضات؛ ۲۶۰ نفر فقط در ۲۴ ساعت!

● استان آذربایجان غربی با ۱۳۷ بازداشتی و استان اصفهان با ۹۷ بازداشتی در صدر آمار سرکوب شهروندان از طریق بازداشت قرار دارند.

● مقامات حکومتی اتهامات بازداشت‌شدگان را مواردی چون تلاش برای تحریک مردم به اعتراض، تشویش اذهان عمومی، تلاش برای هم‌گذاری، تلاش برای حمله به تجمع مردم و کشته‌سازی، نگهداری سلاح و خرابکاری عنوان کرده‌اند. ● با وجود تلاش جمهوری اسلامی برای جلوگیری از برگزاری اعتراضات در سالگرد جان باختن مهسا امینی، مردم در بیش از ۲۲ شهر کشور تجمعات اعتراضی برگزار کرده و علیه حکومت شعار دادند.

موج گسترده بازداشت شهروندان که در روزهای منتهی به سالگرد جنبش اعتراضی با بازداشت ده‌ها شهروند شکل گرفته بود در دو روز گذشته نیز ادامه داشته و به گزارش روزنامه «شرق» بیش از ۲۶۰ نفر در ۲۴ ساعت نخست پس از سالگرد اعتراضات بازداشت شدند.

روزنامه «شرق» روز یکشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۲ در گزارشی از شناسایی و بازداشت ۲۶۰ نفر در شهرهای مختلف ایران طی ۲۴ ساعت و در رابطه با سالگرد اعتراضات جنبش ملی خبر داده است.

بر اساس این گزارش استان آذربایجان غربی با ۱۳۷ بازداشتی و استان اصفهان با ۹۷ بازداشتی در صدر آمار سرکوب شهروندان از طریق بازداشت قرار داشته‌اند. در حالی که بازداشت‌ها در پایتخت نیز گسترده گزارش شده اما هنوز آمار دقیقی از سوی مسئولان اعلام نشده و به نظر می‌رسد شمار بازداشت‌شدگان طی روز شنبه بیش از آمار اعلامی از سوی روزنامه «شرق» باشد که البته نه برای اطلاع‌رسانی بلکه با هدف هراس افکنی منتشر می‌شود!

بر همین اساس، بازداشت‌های مورد اشاره روزنامه «شرق» از سوی مقامات قضایی و امنیتی استان‌های مختلف نیز تأیید شده است. مقامات حکومتی از برچسب «عناصر ضدامنیتی» برای بازداشت‌شدگان استفاده کرده و اتهامات آنها را مواردی چون تلاش برای تحریک مردم به اعتراض، تشویش اذهان عمومی، تلاش برای هم‌گذاری، تلاش برای حمله به تجمع مردم و کشته‌سازی، به همراه داشتن سلاح و خرابکاری عنوان می‌کنند. سردار رحیم جهانبخش فرمانده نیروی انتظامی آذربایجان غربی روز شنبه ۲۵ شهریورماه از شناسایی و بازداشت ۱۳۷ شهروند در این استان خبر داد که رقمی بی‌سابقه در شرایطی است که هنوز اعتراضاتی در جریان نبوده است.

رحیم جهانبخش با بیان اینکه اتهامات این افراد «تشویش اذهان عمومی» و «تحریک به آشوب» بوده نشان داده که شهروندان بازداشت شده صرفاً افرادی بوده‌اند که پتانسیل

شرکت در اعتراضات یا میدان‌داری در تجمعات را داشته‌اند! او گفته است: «تا کنون ۱۳۷ نفر از تشویش‌کنندگان اذهان عمومی در فضای مجازی شناسایی شدند. ۸۵ نفر از کاربران متخلف که با انتشار مطالب، تصاویر و فیلم‌های گوناگون سعی در گمراه کردن افکار عمومی داشته و برخی از آنان تحریک به آشوب را در برنامه خود داشتند، برخورد شد.» فرمانده نیروی انتظامی آذربایجان غربی افزوده که «همچنین ۵۲ صفحه اینستاگرامی مسدودسازی و در نهایت از بستر مجازی بطور کامل حذف شدند و ۱۴ نفر نیز دستگیر و پس از تشکیل پرونده تحویل مراجع قضائی شدند.»

به گزارش روزنامه «شرق»، استان اصفهان با ۹۷ بازداشتی در رتبه دوم بازداشت‌های فله‌ای جمهوری اسلامی در سالگرد جان باختن مهسا امینی قرار داشته است. سازمان اطلاعات فرماندهی انتظامی استان اصفهان اعلام کرده که «با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع سالگرد اغتشاشات، با اقدام‌های فنی و اطلاعاتی دقیق تا کنون ۹۷ نفر از تشویش‌کنندگان اذهان عمومی در فضای مجازی شناسایی شدند. با ۴۸ نفر از کاربران متخلف که با انتشار مطالب، تصاویر و فیلم‌های گوناگون سعی در گمراه کردن افکار عمومی داشته و برخی از آنان تحریک به آشوب و تجمع در راستای فراخوان‌های منتشر شده را در برنامه خود داشتند، برخورد شد.»

در دیگر شهرهای ایران نیز شمار زیادی از شهروندان بازداشت شده‌اند. بر اساس گزارش «شرق»، در سنجند ۷ نفر، در میروان ۲ نفر، در دیواندره ۳ نفر و در سقز ۴ نفر بازداشت شدند. این آمارها از سوی مقامات رسمی این استان‌ها اعلام شده اما برخی گزارش‌های حقوق‌بشری آمار بیشتری درباره بازداشت‌شدگان در این شهرها عنوان می‌کنند.

در برخی استان‌ها نیز مقامات امنیتی از بازداشت «عده‌ای» خبر داده اما آمار دقیق را اعلام نکرده‌اند. مهدی رضانی معاون سیاسی امنیتی و اجتماعی استاندار کردستان روز شنبه ۲۵ شهریورماه از بازداشت عده‌ای از عوامل وابسته به تروریست‌های تجزیه‌طلب در شهرهای میروان و پانه خبر داد. در آنسو، امان‌الله گشتاسبی فرمانده سپاه این استان از بازداشت ۱۴ تن در شهرستان‌های سنجند، دیواندره، پانه و میروان طی شبانه روز اخیر و همزمان با سالگرد مهسا امینی خبر داد. همزمان جلال آفاقی دادستان اردبیل با اعلام خبر بازداشت ۲ نفر با اتهام «تروریستی» گفته است: «با اشرافیت اطلاعاتی سربازان گمنام اداره کل اطلاعات استان اردبیل و اقدامات دادستانی و دستورات قضائی صادره، ۲ نفر به اتهام اقدام علیه امنیت ملی شناسایی و بازداشت شدند.»

اتهامات سنگین مانند تصمیم به اقدام «تروریستی» یا «انتخاری» درباره برخی دیگر از بازداشت‌شدگان نیز مطرح

شده است. برای مثال پایگاه خبری فرماندهی انتظامی استان آذربایجان شرقی گزارش داده «فردی که قصد ایجاد انفجار انتحاری در یکی از میدان‌های تبریز برای کشته‌سازی با تعدادی کیسول گاز دستکاری شده داشت بازداشت شد.»

خبرگزاری ایرنا نیز به نقل از سازمان اطلاعات سپاه فتح کهگیلویه و بویراحمد نوشت که «۱۵ عنصر شبکه سازمان یافته ساخت همپ دست‌ساز که قصد ایجاد ناامنی از پیش تعیین شده داشتند با اشراف اطلاعاتی دقیق و به موقع شناسایی و دستگیر شدند.»

همچنین خبرگزاری فارس از «بازداشت یک موتور سوار با سلاح دست‌ساز در ورودی بوکان» خبر داده است. پلیس فراجا نیز روز گذشته اعلام کرد که یک عامل تکفیری که دارای سوابق ویژه نظامی در خارج کشور بوده در شهرستان قدس در غرب تهران شناسایی و دستگیر شده است.

روابط عمومی سپاه «ثارالله» استان کرمان نیز اعلام کرده که «یکی از عناصر اصلی و عملیاتی گروه تروریستی داعش» در استان کرمان بازداشت شد. این خبر افزوده که «این تروریست مترصد دریافت مأموریت و اجرای عملیات تروریستی در کشور بود.» در دو روز گذشته شمار زیادی از شهروندان در پایتخت بازداشت شدند و تصاویر و ویدئوهایی از حضور بستگان بازداشت‌شدگان مقابل فرماندهی انتظامی افسریه منتشر شده است. با اینهمه مقامات استان تهران هنوز واکنشی به بازداشت‌های گسترده در پایتخت نداشته و آماری در اینباره منتشر نکرده‌اند.

کانال تلگرامی «وحدت آنلاین» مدعی شده که در تجمعات اعتراضی روز شنبه در مرکز شهر و حوالی خیابان «انقلاب» تهران بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر بازداشت شدند.

جدا از گزارش روزنامه «شرق» که بر مبنای اظهارات مقامات رسمی و آمارهای خبرگزاری‌های حکومتی منتشر شده، آمارهای دیگری از بازداشت‌های روزهای گذشته از سوی نهادهای حقوق بشری منتشر شده است.

بر اساس گزارش‌ها یکی از بازداشت‌شدگان در سندن کاوان رضایی نوجوان پانزده ساله بوده که شامگاه جمعه بیست و چهارم شهریورماه بازداشت شد. «کولبر نیوز» گزارش داد که این نوجوان توسط مأموران اداره اطلاعات سنجند بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده و از علت بازداشت و اتهامات منتسب به وی اطلاعی در دست نیست.

با وجود تلاش جمهوری اسلامی برای جلوگیری از برگزاری اعتراضات در سالگرد جان باختن مهسا امینی، مردم اما با وجود جو سنگین امنیتی و بازداشت فله‌ای معترضان به خیابان آمدند و در بیش از ۲۲ شهر کشور تجمعات اعتراضی برگزار کرده و علیه حکومت شعار دادند.

هزینه‌های سرسام‌آور آماده شدن برای مدرسه؛ کام تلخ کودکان و اولیا در ماه مهر



درد گران‌تر شده است. همچنین کیفیت کیف مدرسه به دلیل گرانی و کاهش مواد اولیه نسبت به سال‌های گذشته کمتر شده است.»

یک تعمیرکننده کیف و کفش هم از افزایش مشتریانی که به دنبال وصله پینه کردن کیف و کفش سال گذشته فرزندانشان هستند خبر داده و گفته که «یک زمانی فقط افراد با درآمد پایین و متوسط برای تعمیر کیف مدرسه فرزندانشان می‌آمدند، اما این سال‌ها افراد پولدار هم برای تعمیر کیف به ما مراجعه می‌کنند. برخی سال گذشته تا پنج میلیون تومان برای خرید کیف مدرسه برای فرزند خود هزینه می‌کردند، اما امسال قیمت همین کیف به ۱۰ تا ۱۱ میلیون تومان رسیده است. امروز هرچقدر هم طرف پولدار باشد، اما خرید یک کیف مدرسه آن هم با رقم‌های چند میلیونی، سخت است.»

افزایش شهریه مدرسه حتی در مدارس دولتی نیز یکی دیگر از مشکلات خانوارهاست. «کیهان لندن» هفته گذشته در یک گزارش میدانی به این موضوع پرداخته و نوشته بود همراه با مشکلات کیفی آموزش در ایران و کمبودهایی کمی از جمله نامستحکم بودن ۱۰۴ هزار کلاس درس فرسوده، نیاز به بازسازی ۳۰ هزار کلاس و نیاز به نوسازی ۷۰ هزار کلاس، هزینه‌های آموزشی و شهریه‌های سرسام‌آور و نیز نابسامانی‌هایی از قبیل انواع اعتیاد، فقر، سوء تغذیه و... جوان‌ترین قشر جامعه ایران به استقبال سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ می‌رود.

شین که امسال دخترش قرار است راهی کلاس ششم در یکی از مدارس دولتی منطقه ۱۲ تهران شود به «کیهان لندن» گفته که «شهریه امسال مثلاً برای مقطع ابتدایی ۱۰ میلیون تومان است. در مدارس غیرانتفاعی یکسری برنامه فوق‌العاده برگزار می‌کنند که برای آنها هم مبلغی دریافت می‌کنند؛ مثلاً برای کلاس‌های فوق برنامه یا توزیع اجباری کتاب‌های کار، یکی دو میلیون بیشتر می‌گیرند و امثال برادر من که حاضر به پرداخت ۱۰ میلیون است دیگر برای پرداخت این مبلغ اضافه‌گلیای ندارد. اما در مدارس دولتی چیزی به اسم شهریه اصلاً نباید باشد! البته به صورت رسمی نیست ولی در عمل و غیررسمی از ما شهریه به اسامی دیگری می‌گیرند! با عنوان «کمک به مدرسه»، رییس انجمن اولیا و مربیان مدرسه یک مصوبه‌ای می‌نویسد که طبق صلاحدید و برای هزینه‌های مدرسه باید مبلغی حدود ۱۰ یا ۲۰ هزار تومان ماهانه یا ۱۰ یا ۲۰۰ هزار تومان سالانه از اولیا دریافت شود تا بتوانند مخارج مدرسه را تأمین کنند و این مبلغ تحت عنوان «کمک به مدرسه» و نه «شهریه» دریافت می‌شود!»

کودکان بازمانده از تحصیل (حدود ۵۳۶ هزار کودک) هم اکنون باید در دوره متوسطه دوم مشغول تحصیل می‌بودند. سهم دوره متوسطه اول و دوره ابتدایی تقریباً مساوی است و جمعیت کودکان بازمانده از تحصیل در دوره ابتدایی و متوسطه اول به ترتیب ۱۸۶ هزار و ۱۹۰ هزار کودک است. معصومه نجفی پازوکی معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش از بازماندن ۱۶۰ هزار دانش‌آموز دبستانی از تحصیل خبر داده و گفته که «در حوزه ابتدایی ۱۶۰ هزار دانش‌آموز به عنوان بازمانده از تحصیل معرفی شدند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز آخر سال گذشته در گزارشی درباره ترک تحصیل دانش‌آموزان نوشته بود که «۷۰ درصد تارکان تحصیل مربوط به دهک‌های درآمدی پایین یک تا ۵ هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پنج استان سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، تهران، خوزستان و آذربایجان غربی دارای بیشترین فراوانی مطلق بازماندگان از تحصیل‌اند. همچنین استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، خوزستان، آذربایجان غربی و کرمان نیز به ترتیب دارای بیشترین آمار تارکان از تحصیل در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بوده‌اند.»

فقر مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل در افزایش آمار جاماندگی از تحصیل و ترک تحصیل دانش‌آموزان است. تأثیر فقر و کاهش قدرت خرید خانوار، امسال بیش از سال‌های گذشته بر ناتوانی خانوار در آماده کردن فرزندانشان برای رفتن به مدرسه خود را نشان داده است.

«اقتصاد ۲۴» در گزارشی نوشته که گرانی و بی‌کیفیت‌تر شدن کیف مدرسه، بازار تعمیر کیف را به دلیل استقبال خانوادها پُر رونق کرده است چراکه توان مالی اکثر خانوادها جوابگوی تورم ۴۵ درصدی کیف مدرسه نسبت به سال گذشته در این بازار نیست.

رضا کیانفرد یکی از تولیدکنندگان و پخش‌کننده کیف مدرسه در سراسر کشور به وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته که «امسال تولید کیف مدرسه را به نصف تعداد هر ساله رسانده ایم؛ نه اینکه از تعداد دانش‌آموزان کم شده است بلکه سرپرست خانوادها توان خرید کیف را ندارد.»

این فعال صنفی افزوده که «هر سال در آستانه فصل بازار کیف مدرسه، واحد تولیدی ما اقدام به تولید ۳۰ تا ۷۰ هزار کیف داشت که متأسفانه برای امسال با توجه به پیش‌بینی‌ها، تولید کیف مدرسه به حدود ۲۰ هزار کیف رسیده که تا امروز نیز هنوز انبار ما خالی نشده است.»

به گفته رضا کیانفرد «هر سال مغازه داران از شهرهای مختلف سفارش خرید کیف می‌دادند، اما امسال این میزان سفارش به نصف رسیده» و «امسال کیف مدرسه حدود ۴۵

● حتی اقلام ضروری مانند کتاب درسی و لباس فرم مدرسه نیز که به قاعده باید از یارانه دولتی برخوردار باشند، به حدی گران شده که بسیاری از خانوادها می‌توان خرید آنها را ندارند.

● رئیس آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویر احمد گفته که ۳۷۰۰ دانش‌آموز هنوز در این استان کتاب درسی نخریده‌اند چرا که خانوادها می‌توان خرید کتاب درسی برای فرزندان خود را ندارند.

نتایج گسترش فقر در ایران در آستانه سال تحصیلی با کیف و کفش‌های وصله پینه شده دانش‌آموزان و کودکان جامانده از مدرسه به دلیل ناتوانی خانوادها در خرید کتاب درسی و دیگر اقلام ضروری دانش‌آموزی نمایان شده است؛ تصویر تلخ و غم‌انگیزی که نه تنها نشان از یک فاجعه آموزشی و فرهنگی دارد بلکه ناکارآمدی حکومت را بیش از پیش به نمایش می‌گذارد.

گزارش‌ها نشان می‌دهد تورم بر هزینه‌های دانش‌آموزان در سال تحصیلی پیش رو اثر عمیقی داشته و تمام اقلام مورد نیاز با افزایش نجومی قیمت‌ها روبرو هستند. حتی اقلام ضروری مانند کتاب درسی و لباس فرم مدرسه نیز که به قاعده باید از یارانه دولتی برخوردار باشند، به حدی گران شده که بسیاری از خانوادها می‌توان خرید آنها را ندارند. هرچند در قانون اساسی تحصیل برای دانش‌آموزان رایگان اعلام شده اما هزینه‌های رفتن به مدرسه از شهریه حتی در مدارس دولتی تا کیف و کفش و لباس فرم و کتاب درسی و نوشت‌افزار، آنچنان رقم بالایی را شامل می‌شود که به عاملی برای ترک تحصیل تبدیل شده است.

حسینعلی عزت‌خواه رئیس آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویر احمد به خبرنگاری «ایلنا» گفته که ۳۷۰۰ دانش‌آموز هنوز در این استان کتاب درسی نخریده‌اند چرا که خانوادها می‌توان خرید کتاب درسی برای فرزندان خود را ندارند.

بنا بر داده‌های گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بیش از ۹۱۱ هزار کودک در مقاطع تحصیلی سه‌گانه از تحصیل جا مانده‌اند. این در حالیست که بر اساس اعلام مسئولان آموزش و پرورش جمعیت کل دانش‌آموزان در این سال تحصیلی حدود ۱۵ میلیون و ۳۷۶ هزار نفر عنوان شده است. با این حساب نسبت جمعیت بازماندگان تحصیل به جمعیت دانش‌آموز حدود یک به ۱۶ محاسبه می‌شود. به بیان دیگر در ازای هر ۱۶ دانش‌آموز مشغول به تحصیل یک دانش‌آموز ترک تحصیل می‌کند که نسبت بسیار بالا و قابل توجهی است.

داده‌های این گزارش نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد



PHOTO: R.REZAAE

عکس هفته | تظاهرات همبستگی ایرانیان / برن / سوئیس
عکس از رضا رضایی / شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۲